

شماره ۹۳ ۲۸ صفحه - ۳۰ ریال

سال دوم - چهارشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۵۹

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

((اکثریت))

امپریالیسم امریکا رژیم‌های ارتقای اجتماعی منطقه را علیه انقلاب متخدمی سازد برای درهم شکستن دشمنان

در بی سران دولت‌های خارجه سابق آمریکا و مشاور امپریالیستی با رهبران تزدیک ریگان اخیراً از مصر رژیم‌های ارتقای این رخی دیدار و با سادات ملقات در روزهای گذشته، کشورهای آسیائی و آفریقایی کرد. کبیسیجر اعلام کرد بقیه در صفحه ۲۷ جهان شاهد ملاقات‌های بی بود. هنری کبیسیجر وزیر

رفیق فدائی اسحاق بابازاده از قبار طبقه کارگر فرمان ایران درجبه جنوب به شهادت رسید

★ در زندگی فلاکت‌بار ما، جامعه دهقانی و کارگری را جز رنج و شقت (نصیب) دیگری نیست... برای سرگویی امپریالیسم جهانی بسیار کمی امریکا می‌روم تا دین خود را برای زحمتکشان ادا نمایم.

رفیق فدائی شهید
★ اسحاق بابازاده
در صفحه ۲۶

دوستان مجاهد وظیفه شما جدا کردن
صف دوستان و دشمنان مردم است
نه مخدوش کردن آن

در صفحه ۱۳

قسمت اول

در صفحه ۱۳

انقلاب السالوادر

در آستانه پیروزی

«راه نجات» با نجات «راه»

راه نجات امریکا و سالاده راه سالاده راه
دو صفحه ۱۲

تجاویز امپریالیسم امریکا و رژیم عراق را درهم کوبیم

آقای رئیس جمهور!

می‌دانید چه محافلی و به چه منظوری
همه کشورهای جهان را وابسته می‌خوانند؟

اگر یک جریان سیاسی خواستار توقف و یا شکست انقلاب که طبعاً خواستار پیشبرد سیاست سازش با امپریالیست‌ها است، بباید و رک و راست بگوید ما باید در منطقه با دولت‌های ارتقای این رخی دیدار و دیگر وابستگان امپریالیسم روابطمان را گسترش دهیم و در سطح جهان نیز باید همچنان به امپریالیست‌ها وابسته بمانیم، مردم بباو چه می‌گویند؟ روش است که مردم به چنین نیروی و یا چنین کسی دست کم خواهند گفت: تو مخالف انقلاب هستی تو می‌خواهی کاری کنی که ما این بار گران انقلاب را که با دهها هزار شهید و تحمل سخت ترین مشقات و فدایکاری‌ها به اینجا رسانده‌ایم، به سرمنزل مقصود نرسانیم. مردم در پاسخ به او می‌گویند: ما مدت‌های است رنج کشیده‌ایم، مدت‌ها است بیارزه کرده‌ایم، سخت ترین سختی‌ها را تحمل کرده‌ایم و هنوز نیز چنین می‌کنیم به امید روزی که همای پروری نهایی مان ما را از بند فقر، مذلت، بیکاری، بی‌خانمانی و بیماری برهاند. ما این سختی‌های موقتی را می‌کشیم و این درد و رنج‌ها را تحمل می‌کنیم چون از زندگی درین فقر و مذلت، از ستم و استثمار و اختناق و همه آن چیزهایی که شره سلطه امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران وابسته به آن است، بیزاریم و می‌خواهیم به هر قیمتی شده مستقل، آزاد، خوشبخت باشیم و برای همیشه ریشه وابستگی به امپریالیسم و بقیه در صفحه ۲۶

۵۴ روز جلی قدرت مردم
روز فرار شاه امریکائی گرامی باد
در صفحه ۱۳

در این شماره:

جشن دهه‌انگل ایران
دشمن روسای (گریز)
النای بند (ج)

عقب شنی در برابر زمینداران بزرگ است

در صفحه ۷

کارخانه‌ایاف، هی باید گردد

در صفحه ۷

اردادات‌های دنیا در خلو

برکارهای گرخه‌ای غوانهای پیروزی می‌شکند

ما پیروزی شویم در صفحه ۷

چکاوکی در راه سیاست پیشرفت

دروجکساواکی نیکار و پیساد وجود ندارد

در صفحه ۷



متحد شویم

آقای رئیس جمهور!

می‌دانید چه محافظی و به چه منظوری همه کشورهای جهان را ۰۰۰

بچه از صفحه ۱

امپریالیسم جنگید و چرا باید در پیکار علیه امپریالیسم، جان داد و چنانگزهای برای مبارزه علیه امپریالیسم باقی ماند؟ چرا خلق فلسطین باید علیه امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه کند و ما مردم ایران چرا علیه امپریالیستها و سرمایه‌داران متعدد آنها در جنگ باشیم؟ چه نتیجه‌های از این مشقات حاصل است؟

وقتی صدها میلیون انسان پیاخته شده که در طول قرن بیستم بزرگترین حمام‌های بشربت متفرق و پیاخته شده را علیه ستمگران و سلطه‌گران سفاک و چنایتکار آفریده‌اند تا بنای رفیع استقلال، آزادی و رفاه خوش را بی افکنده و چه پرسکوههم پی افکنده‌اند، بی‌معنی امپریالیست‌ها هنوز وضعشان فرقی نکرده‌است، وقتی آنجا که بزرگترین انقلاب‌ها را به خود دیده، با آنجا که تازه در سراسار آغاز مبارزه است، هیچ فرقی چندانی با دیگران ندارد. همه یکی هستند. ندارند، به راستی چرا باید جان برکت، علیه امپریالیسم و سندان داخلی‌خان جنگید؟ آیا تسلیم و رضا عاقلانتر نیست؟ آیا عاقلانتر این نیست که بگوییم "به هر کجا که روی آسمان همین رنگ است" و با نومیدی دست بگذاریم؟

آقای رئیس جمهور!

درست برای همین نتیجه‌گیری هاست که امپریالیست‌ها و دستگاه‌های جون سیا که به اعتراض رؤسازانه هزاران مامور خود را زیر پوشش مشاغل روزنامه‌نگاری و خبرنگاری به کشورهای جهان گشیل داشته است، با صرف هزینه‌های هنگفت، با صرف صدها میلیون دلار از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی، از طریق نفوذ در رسانه‌های گروهی به اشکال آشکار و پنهان همچما پیغایی تبلیغ می‌کنند که همه وابسته‌اند. که ویتنام و پاکستان، کوبا و شیلی، اردن و عربستان هستند، که سوسیالیسم مثل شیلی، اردن و عربستان هستند، که سوسیالیسم مثل امپریالیسم است و غیره... و این البته امری طبیعی است که امپریالیست‌ها ضمن تجاوزات نظامی علیه خلق‌های پیاخته جهان و علیه دولت‌های متفرق و ضردد امپریالیست جهان در کارزار ایدئولوژیک، و در عرصه تبلیغات سیاسی نیز همه توان خود را به کار گیرند تا مردم را از مبارزه با امپریالیسم منصرف و یا مردد نمایند، تا مردم را از شناخت دوست و دشمن خویش بازدارند، تا اگزه مبارزه علیه امپریالیسم را از مردم بگیرند.

آقای رئیس جمهور!

با توجه به این واقعیات انکارناپذیر است که وقتی چنین تبلیغاتی از جانب جریانات سیاسی، روزنامه‌ها و شخصیت‌های سیاسی می‌شود، قلم نظر از آن که این جریانات و شخصیت‌ها بدلیل دشمنی شان با انقلاب چنین تبلیغاتی را پیش بزنند، همان‌گونه که مثلاً سه‌جهانی‌ها و لیبرال‌ها این تبلیغات را هم‌اکنون پطرو سیستماتیک و آکاهمانه بپیش می‌زنند - و یا از جانب برخی جریانات و شخصیت‌ها که هنوز در خط استقلال و آزادی‌اند اما از گسترش انقلاب هراسانند تبلیغ شود، ما و هر نیروی انقلابی دیگر و وظیفه میرم خود می‌دانیم علیه این تبلیغات زهرگانی با قاطعیت مبارزه کنیم و هدف این تبلیغات را برای مردم بازگوئیم، از همین روست که ما سخنان شما را بسیار جدی تلقی می‌کنیم که در کارنامه رئیس‌جمهور منتشره در انقلاب‌اسلامی چهارشنبه ۱۷ دی‌ماه نوشته‌اید:

"اگر بگوییم عدم وابستگی یعنی استقلال، پس در این جهان کشور مستقلی وجود ندارد... طبیعی است که خواننده خواهد گفت پس در این جهان هیچ کشور مستقلی وجود ندارد و جواب اینست که: چنین است... و در همین نوشته بر وابسته بودن و مستقل نبودن لبی نیز به مخصوص تأکید ورزیده‌اید. به علاوه روزنامه انقلاب اسلامی نیز که در کذشته و بهبوده در جریان کفرانس‌های امریکائی پاکستان که کفرانس اسلامی نام گرفته بودند، از موضع شرکت در این

پاکستان را بهتر از لبی و آرژانتین را بهتر از کوبا و میهنهام برکنیم. مردم نیز که از آنها بخواهد بیندارند اما اگر در کشورهای ایران دیگر چنین چیزی محال است، امپریالیست‌ها شیوه‌ی دیگری برخوردارند. آنها می‌کوشند همه دولتها را بیکار گزینند. آنها می‌کوشند همه دولتها را بیکار چندانه و به مردم چنین "القاء" کنند که فرقی میان کشورها و دولتها جهان نیست. هیچ یک را نمی‌توان دوست به حساب آورد. هیچ یک چندانه باشد! همه وابسته‌اند!"

آقای رئیس جمهور! قطعاً مردم یکی از ارکان تبلیغات امپریالیست‌ها و همه محافظ ارتقاچی جهان و همه سخنگویان و مبلغان و تئوری‌افاقان دست اول و دوم آنها این است که چنین وابسته‌اند که فرقی میان ویتنام و پاکستان، کوبا و شیلی، کره شمالی و جنوبی، الجزایر و مراکش، لبی و عربستان سعودی وجود ندارد. همه آنها همچنان وابسته‌اند آنچه در پشت این ادعاهای و تبلیغات امپریالیست‌ها است که پس از شکست‌های متفضحانه خود از خلق‌های قهرمانی چون خلق و پیتانم حالاً واقعیت پیشرفت شکوف دمکراسی و سوسیالیسم را در سرزمین خود مستقر ساخته‌اند نه کرده و می‌خواهند بگویند فایده‌اش سودی وجود ندارد. همه آنها همچنان وابسته‌اند آنچه در پشت این ادعاهای و تبلیغات امپریالیست‌ها است که پس از پیجه امپریالیست‌ها چون ویتنام که خلق‌های قهرمانی چون خلق و پیتانم حالاً واقعیت پیشرفت شکوف دمکراسی و سوسیالیسم را در سرزمین خود مستقر کنند که نتیجهاش تنها بیزاری خود را ایجاد و دستش را از دیگران دور نگیرند. آقای رئیس جمهور!

مردم به او خواهند گفت که: این حرف معقیش دعوت به تسلیم و بازگشت به آستان امپریالیسم است. گفتند چنین سخنی به مردم نتیجهاش تنها بخواهد آزاد و آباد دیگر بیکاری نباشد، بی‌خانمانی نباشد تحقیر و نعیص و اختناق نباشد، سنم و استثمار نباشد و جای همه این پدیدهای ضدانسانی را صلح و استقلال، آزادی و رفاه زحمتکشان، خلاقیت، عشق و محبت بگیرد.

مردم به او خواهند گفت که: این حرف معقیش دعوت به تسلیم و بازگشت به آستان امپریالیسم است. گفتند چنین سخنی به مردم از گوینده چنین سخنی بیزاری خود را ایراز دارند و سرای این حرفها را گذارند و...

آقای رئیس جمهور! به همین دلایل است که امروز ورزیده‌ترین و زیده‌ترین دستکاههای گارشتابان امپریالیسم به این نتیجه رسیده‌اند که برای آنکه مردم و آزادی داد، فایده‌اش را که هنوز به آگاهی طبقاتی کافی نرسیده‌اند، بفریبند و به چنان راهی کشانند که نتیجهاش اسارت مردم ادame وابستگی به امپریالیسم و شکست انتقام‌باز شد با حساب و کتاب‌واز روی نفشهای دقیقاً حساب شده عمل می‌کنند. و از همین روش که از آنچه شروع خواهند گرد که رک و راست بگویند ای مردم علیه امپریالیست‌ها و علیه دشمنان دشمنهای مبارزه نکنند، با

دشمن دوست باشید و همچنان در فقر، ذات، بیکاری و سنم و استثمار باقی بمانید. بیکاری طوابط نان را با امپریالیست‌ها و رزیمهای وابسته‌ای مثل ترکیه و پاکستان گسترش دهید اما با دوستانان دشمنی کنید. نه، آنها هرگز اینقدر ساده و ناپیشه نیستند که از چنین راه ناشایه‌ای وارد شونند.

امپریالیست‌ها هسیار مذیانه، عوام فربانیه و از روی حساب و کتاب عمل می‌کنند. بینایران امپریالیست‌ها دوستان آنها و همه مبلغان آنها از اینها از راهی موردی می‌کنند. راهی آنقدر زیرکانه که متأسفانه گاهی مورد اقتیاس برخی نیروهای در خط استقلال و آزادی اما هرآسان از تعیق انقلاب نیز قرار می‌گیرد.

آقای رئیس جمهور! آیا می‌دانند که امپریالیست‌ها، لبرال‌ها و س-

امپریالیست در این زمینه بسیار مهربان همین سالها تحریمه می‌باشند و کلیک علیه امپریالیسم و صهیونیسم سالهایندر برق‌بیمار امپریالیسم را نایبود کرده و دولت‌های ملی و ضد امپریالیست برقرار ساخته‌اند، بی‌سما کنند و یا از اساس نفی کنند و همه این کشورها و دولت‌ها را وابسته و مردم خوشبخت و آزاد این کشورها را همچنان در بد، در اختناق و در فقر و مدلت جلوه دهندند نتیجه‌گیری دلخواه خود را به مردم "القاء" کنند.

وقتی ویتنامی که ۴۵ سال آفریننده شکوهمندترین

سیاست دارند سرمهیداران وابسته را از میهنهام برکنیم. مردم نیز که از آنها بخواهد

با امپریالیست‌ها سازش کنند و همچنان داد فقر و مدلت بیانند، پاسخ خواهند داد که: ما قاطعه‌های چندانه واسطه‌گیری و علیه همه دولتها را بیکار چندانه گزینند که می‌خواهیم در روزهای آینده که چندان هم دور نیست بر لبان رنگ‌پریده و بی‌رمق میلیونها کودک محروم بیهدهنام لبخند سعادت نشیند و برجههای بیلیون‌ها زن و مرد زحمتکش ایرانی شادی زندگانی و شاطئ استیشن اینسان نفس برسیند. آزاد و آباد دیگر بیکاری نباشد، بی‌خانمانی نباشد تحقیر و نعیص و اختناق نباشد، سنم و استثمار نباشد و جای همه این پدیدهای ضدانسانی را صلح و استقلال، آزادی و رفاه زحمتکشان، خلاقیت، عشق و محبت بگیرد.

مردم به او خواهند گفت که: این حرف معقیش دعوت به تسلیم و بازگشت به آستان امپریالیسم است. گفتند چنین سخنی به مردم از گوینده چنین سخنی بیزاری خود را ایراز دارند و سرای این حرفها را گذارند و...

آقای رئیس جمهور! به همین دلایل است که امروز ورزیده‌ترین و زیده‌ترین دستکاههای گارشتابان امپریالیسم به این نتیجه رسیده‌اند که برای آنکه مردم و آزادی داد، فایده‌اش را که هنوز به آگاهی طبقاتی کافی نرسیده‌اند، بفریبند و به چنان راهی کشانند که نتیجهاش اسارت مردم ادame وابستگی به امپریالیسم و شکست انتقام‌باز شد با حساب و کتاب‌واز روی نفشهای دقیقاً حساب شده عمل می‌کنند. و از همین روش که از آنچه شروع خواهند گرد که رک و راست بگویند ای مردم علیه امپریالیست‌ها و علیه دشمنان دشمنهای مبارزه نکنند، با

دشمن دوست باشید و همچنان در فقر، ذات، بیکاری و سنم و استثمار باقی بمانید. بیکاری طوابط نان را با امپریالیست‌ها و رزیمهای وابسته‌ای مثل ترکیه و پاکستان گسترش دهید اما با دوستانان دشمنی کنید. نه، آنها هرگز اینقدر ساده و ناپیشه نیستند که از چنین راه ناشایه‌ای وارد شونند.

امپریالیست‌ها هسیار مذیانه، عوام فربانیه و از روی حساب و کتاب عمل می‌کنند. بینایران امپریالیست‌ها دوستان آنها و همه مبلغان آنها از اینها از راهی موردی می‌کنند. راهی آنقدر زیرکانه که متأسفانه گاهی مورد اقتیاس برخی نیروهای در خط استقلال و آزادی اما هرآسان از تعیق انقلاب نیز قرار می‌گیرد.

آقای رئیس جمهور! آیا می‌دانند که امپریالیست‌ها، لبرال‌ها و س-

امپریالیست در این زمینه بسیار مهربان همین سالها تحریمه می‌باشند و کلیک علیه امپریالیسم و صهیونیسم سالهایندر برق‌بیمار امپریالیسم را نایبود کرده و سالهای بیلیک اینها و با شیوه‌های گوناگون مرد دوست و دشمن مردم را در آذهان توده‌های مردم درده برسیند، دره بیرون از اینها ای انتقام‌باز از اتفاقاتی که بدمدرم چنین "القاء" شود که همه روزگارند و کاری کشانند که بدمدرم چنین "القاء" شود که همه روزگارند، در فحشاء، اعتیاد، اسارت، اختناق بیسواند و سنم و استثمار اینها و باشند و سوسیالیسم بیکار کرده، سالهاینسته بسیار شرکتی و خوشبختی را باشند، و اینها می‌کنند که اینها از اینها از راهی موردی می‌کنند. راهی آنقدر زیرکانه که متأسفانه گاهی مورد اقتیاس برخی نیروهای در خط استقلال و آزادی اما هرآسان از تعیق انقلاب نیز قرار می‌گیرد.

آقای رئیس جمهور!

چهارشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۵۹ سال دوم - شماره ۹۳ - صفحه ۳

گستهه باده و ابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

در پشت جبهه های جنگ آوارگان را دریابیدم



هر دم هزار اندیخت!

صدھا هزار قفر مردم جنگ زرده خانه و کاشانه شان مورد
هجوم نیروهای مقیاوم ارتش عراق قرار گرفته است. این
زمینشان سدیرست، تان آور یا بهترین جوانانشان را در
میدان جنگ از دست داره اند و در شهر ایلی بسیار سفت زندگی
هی کشته. به یاریشان بستاییم و کبوشیم یا ایجاد امکانات تداری
ایمکن، درمان و توانیم زندگی به این عذیزان، سقونتی
مقاومت تقره ای را در هر کجا که هست، در پشت جبهه، در
اردوی آوارگان، بر علیه امید یا لیسم چیز نخواه امیریها و
بریم صدام و سعث و تداوم بیشتری پوشیم
سازمان جویکهای فدایی حلق ایوان (اکنریت)
۵۹

بخشی از مردم نیز هست چنین تبلیغاتی را بهمیش بردا
آقای رئیس جمهور! این حرف که همه وابسته‌اند و
فرقی میان هیچ‌یک از کشورها و دولت‌های نیست. دولت‌ها
و محافلی تکرار می‌کنند که دشمنان آشی نایذیر
انقلاب و استقلال‌اند و درست از همین رو است که ما
جدا از شما ای پریس که آیا فکر نمی‌کنید زیر نفوذ
ایدئولوژیک آن محاذل قرار گرفته‌اید؟ آقای رئیس
جمهور! این موقوفیت‌های عظیم صدها میلیون
اسما روزنه‌ده جهان را در برابر امپریالیست‌ها و در
راه بنای صلح، استقلال، آزادی و سوسیالیسم
نمی‌بینید و امپریالیست‌های رو به مرگ را چنان.
در برابر اراده بشربیت ترقیخواه و مبارز امروز قوی
می‌پندارید که می‌گویید هنوز همه ملل و همه کشورها
وابسته‌اند، شما که هویت طبقاتی براز جریات
سیاسی فائل نیسند و مدعی می‌شوید که این
جربیاتان، به ماصطلح خودتان "القای ایدئولوژی"
می‌شوند. بهتر نیست لحظه‌ای درینگ کنید و جدا
به این اختلال فکر کنید که ممکن است خودتان
"القای ایدئولوژی" شده باشید؟ بهتر نیست یک
لحظه فکر کنید که به راستی ایدئولوژی چه کسانی را
در میان نواده‌های محروم ایران که می‌خواهند بندهای
اسارت اقتضایی را براز همیشه بگسلند و در صلح،
استقلال، آزادی و رهایی از اقرف و ستم و استثمار
زنده‌کنند، تبلیغ می‌کنید؟ آیا خبر ندارید که تا چه
اندازه خالف مصالح مردم و انقلاب و به سود دشمنان
انقلاب است؟

و اما سخن ما با همه کسانی که نوشته های آقای رئیس جمهور و روزنامه دلیلگانی را که منوج درهم ریختن مزد دوستان و دشمنان انقلاب و بی بهای کردن غمرات مبارزات ضد امپریالیستی صدها میلیون انسان مستغل و آزاد جهان است، به موضوع می بینند و نتایج چنین بلهایانی که می بینند دور کردن ایران را از دوستان جهانی انقلاب فراهم می سازد، با خبرند، آن است که با این آمورش های باغایت نادرست برخوردی جدی داشته و تا آنجا که می سپانند تاریخی این تبلیغات را و تبلیغات را این تبلیغات را، بدليل و با حوصله و شکایتی برای مردم نوضیح دهند، بیویله حرطی که نترش روایت با امپریالیست های اروپایی و ژاپنی و دوری انقلاب ایران او دولت های ترقیخواه و سوسیالیست جهان برای استقلال ایران دارد، به مردم گوشزد ننمایند. نباید گذشت این آموزشها در ذهن میلیون ها هم بیهین ما که نوشته ها و گفته های آقای رئیس جمهور، روزنامه انقلاب اسلامی و دیگر حاصلان این اندیشه ها را می خوانند و می شنند، و سوچ باشد.

ما به گروههای متعلق به اپرتوسیسم چپ و هم
آنها بی که زیر شمار مبارزه با "ارتجاع" و مبارزه با
فاشیسم در افشای این آمورش‌های خطرناک که
هم اکنون در میان میلیون‌ها هم میهن ما تبلیغ
می‌شود، وظیفه‌ای برای خود نمی‌بینند، هستدار
می‌دهیم که نخستین و میرم تربیت و وظیفه مهد نیروهای
انقلابی، همه آنها که خواستار ارتقاء گاهی توده‌ها
هستند، آن است که در کارزار مبارزه با عقاید و
اندیشه‌ها که اگر در مردم رسوخ کند، انقلاب را به
نایابدی می‌کنند، بدویزد شرایطی که شرایط عبیدی
رشداین اندیشه‌ها فراهم است، بیشاز این بدرهاسازش
نروند، ما آنهاگر که وظیفه عمدۀ خود را در صحنه
تبیغات سیاسی نه مبارزه یا این اندیشه‌ها و جریانات
حامل آن، بلکه شمنی با زمان ما، پخش شایعات
حصمانه علیه حبس‌کومنیستی و یاد دشمنی با نیروهای
خط امام می‌دانند بطور دقیق به تفکر و تعمق در کودار
و رفتار خوش فرش ما خواهیم و از آن‌ها خواهیم که
نگاهی به کارنامه‌هایی که شته خود بیندازند و نشان
دهند که در افشای این تبیغات که توده‌های میلیونی
مردم را هدف قرار داده عمل جمکاری کردند؟

آقای رئیس جمهور! بقیه از صفحه ۲
می دانید چه محافظی و به چه منظوری

کنفرانس‌ها استقبال می‌کرد و هیچ اعتراضی هم به مکندهای قطب زاده وزیر خارجه که می‌گفت پاکستان "مستقل" و "ملی" است نداشت، اینک که در تداوم انقلاب مسئله رابطه دولتنه با لیبی و دیگر دول ضد امیریالیست از جانب نیروهای خط امام مطرح شده مدتی است که به انواع حیل می‌کوشد لیبی و دیگر دول ضد امیریالیست را واسته و غیر مستقل جلوه دهد، گویی روزنامه انقلاب اسلامی به این نتیجه رسیده است حالا که نمی‌شود پاکستان را "مستقل" و "ملی" معرفی کرد عاقلاً نبایست که لیبی و امثال آن وابسته و اندوند شوند از این گذشته روزنامه انقلاب اسلامی که محدود را "زادیخواه" نیز معرفی می‌کند، این رووها کارش بحاشی رسیده که به نمایش فیلم‌هایی که شناخته و هوشی گزی امیریالیستها درگوکار و وسترن بوده و در شاخت دوست‌وشنان انقلاب به مردم کمک کرده است، نیز اعتراض کرده و خواستار سانسور اینکونه فیلم‌ها شده و حالا هم شما آشکارا اعلام داشماید که هیچ کشور مستقلی در جهان وجود ندارد و همه وابسته‌اند.

آقای رئیس جمهور! ما در اینم که دست شما از این حرف‌ها آن نیست که بتوانید چون همه کشورها وابسته هستند، ما باید روابط خوب را با همیشگی از کشورهای جهان گسترش دهیم، چرا که شما همواره از گسترش روابط با کشورهای اروپای غربی و ژاپن دفاع کرده‌اید و حتی عدم گسترش روابط با دول غربی و دولت‌های وابسته به آنها را "اززوای ایران خواهند ماید. آنچه از ساختن شما می‌تواند تعییر شود این است که جو شما مخالف گسترش روابط با دول سوسیالیست و ترقیخواه جهان و خواهان گسترش روابط با اروپای غربی و ژاپن هستند امروز که گیاتریانی در خط امام برای گسترش روابط با دول ترقیخواه پیدا شده، تصمیم گرفته‌اید اعلام می‌دارید که گسترش روابط اقتصادی با کوبا فرقی با گسترش این روابط با شیلی و آرژانتین ندارد. نزدیکی ایران با پاکستان و اردن و عربستان سعودی مثل گسترش روابط با ویتنام و لیبی است. رابطه با کوه شاهی مثل رابطه با کره جنوبی است. مهمتر از همه آقای رئیس جمهور، این حرف‌های شما، زیرین و نخستین سنگی‌سای همان استدلالی است که گسترش رابطه اقتصادی با امپریالیست‌های اروپایی و ژاپنی را مجاز می‌شمارد و خلاصه تلاشی است برای پوشاندن این حقف سلم و گریز ناپذیر که گسترش رابطه با اردوگاه سوسیالیسم و دیگر دول دشمن‌پریالیست جهان، دفاع از استقلال و مبارزه با وابستگی است در حالی که گسترش رابطه با امپریالیست‌ها و دول دست‌نشانده‌انها، تحکیم وابستگی و نایبود کردن استقلال ایران است.

پدرستی آقای رئیس جمهور! وقتی شناخت دوستان انقلاب ایران از دشمنان انقلاب ایران، می‌زینند سلطنه امروز انقلاب و مردم ما است، وقتی در پیش گرفتن یکسیاست خارجی منطبق با استقلال و انقلاب ایران پیویزه در شرایطی که انقلاب ایران از هر سو مورد تهاجم امپریالیست‌هاست، ضرورت حیاتی یافته است، برای جلوگیری از درپیش گرفتن چنین سیاستی، برای آن‌که درک مردم از سیاست منطبق با مصالح انقلاب مخدوش شود. چه حرف‌هایی غیر از این حرفها می‌توان زد؟ آنها که از هرگونه نزدیکی ایران با دوستان جهانی انقلاب بهره‌مند هستند، در عرصه مبارزه ایدئولوژیک چه مطالب دیدگیری خواهند داشت؟ آنچه شما می‌توانند به خود مردم دهند؟ چه دردی برای یک انقلاب پرگری از آن است که عیسی‌جمهوری که در حد خود مورد دعائمنداد

گستردگی و همکاری

همه نیروهایی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

از باداشت‌های فدائیان خلق:

برکانه‌های ارغوان‌های پیروزی می‌شکند

ما پیروزی‌می‌شویم

فرمانده گردان اطلاع داد که "دشمن را درهم کوبیدیم. آنها عقب نشینی کردند!" وقتو حرفس با فرمانده گردان تمام شد مارا به خط کرد و گفت: "تپخانها پیش روی می‌کنند ما هم از پشت سر حمایتشان خواهیم کرد". از آنجایی که فرمانده بی‌لیاقتی اش را به گروهان نشان داده بود، چند نفر از خدمه توب‌ها به این دستور فرمانده اهانت از اعراض کرد و گفتند "وقتی ما از موضع بعده‌ی با اطلاع نیستیم و نمی‌دانیم چگونه جایی است، نمی‌توانیم پیش روی کنیم! ... تازه معلوم نیست که دشمن واقعاً عقب - نشینی کرده باشد".

فرمانده بار دستورش را تکرار کرد و گفت: "حرب کنید!". تپخانه به حرکت درآمد از پل کرخه کدشتم. هنوز در آن‌سوی رودخانه چیزی پیش نرفته بودیم که در پیک قسمت مسطح و بدون سنگ، دشمن ما را زیر آتش گرفت منتها این‌بار تمام امکاناتش را به کار گرفته و با توب و خمیاره و نانک مواعظ ما را می‌کویید. حدود ده ساعت مقاومت کردیم و به آتش آسما پاسخ دادیم و در این فاصله بطری مرتب به سیله بی‌سیم از سرگرد (فرمانده) تقاضای کمک کردیم. فرمانده پاسخ می‌داد که:

"در راه است!"

گفتم و صع خرابست همه دارند از بین می‌روند، فرمانده گفت: مقاومت کنید، به کمکنا خواهیم آمد" تا ایکه مهمات تمام شد و ما ماندیم با ۸ توب که بدون مهمات مثل یک کوه آهن است. حالا با دسته‌های خالی زیر آتش تپخانه دشمن فرار گرفته بودیم. همین‌که آتش تپخانه ما خاموش شد، در یک گوله توپی، در کنار مازمین بقیه در صفحه ۵

ادامه دادیم. دشمن جای ما را پیدا کرده و یک لحظه از ماغفلت نمی‌کرد، درست هر دقیقه ۱۲ گلوله توب دور و بر ما به زمین می‌خورد. از شدت آتش دشمن هنوز فرست نکرده بودیم که توپخانه‌هایمان را به کار بیندازیم. در آغاز سردرگمی و هرج و مرج گروهان ما را گرفته بود. فرمانده علمون نبود که در کدام سنگ پنهان شده بود اینجا بود که متوجه شدم فرمانده‌مان از تاکتیک‌های جنگی چیزی سرش نمی‌شود. حای غفلت کردن سود. باید آتش تپخانه دشمن را خاموش می‌کردیم. باید گروهان را از بی‌نظمی به نظم درآورده و پاسخی دندان - شکن به دشمن می‌دادیم در زیر باران گلوله دشمن، سرم را از سنگ بیرون آورده و فریاد زدم.

* * *

حالا در سریل ذهاب می‌جنگم. بایم بکار خمپاره خورد هاست اما مطمئن هستم که آمریکا ناید و خواهد شد. از باداشت‌های یک رفیق پیشگام از سریل ذهاب

من ایمان دارم که در این جنگ پیروز خواهیم شد

من خدمه توب یکم از گروهان. ارتش بودم. فرمانده ما کویند موضع دشمن کردیم با به کار اتفادن توب ما، توب‌های دیگر هم به کار افتاد. آن حان با قدرت و سرعت کار می‌کردیم که از دشمن جلو رده و در هر دفعه بیشتر از ۱۲ گلوله به سمتانش شلیک می‌کردیم بدون وقفه سراسر شب موضع دشمن را درهم کویند و سحر بود که توپخانه‌ای دشمن شد. شادی و سور گروهان را دربرگرفت. سربازها همیگر را در آغوش می‌گرفتند تاره ایجا بود که فرمانده از سنگرها سیرون آمده می‌کردیم. تا ساعت ۴ بعد از ظهر

یک چیزی به شروع جنگ نمانده بود. عراقی‌ها دهکده زده و سریع چند گلوله کوتل به طرف نانک انداخته و فرار کرد. مزدوران عراقی بدون هدف شروع به تیراندازی کردند. حالا راحت می‌دویدم. به میدان ده رسیدم. دو نانک هم آنجا بود. از دیوار یکی از خانه‌ها بالا رفته و از داخل خانه نانکها را نشانه گرفت. صدای تکتیرهای عراقی دهکده را از جا برداشته بود حالا ۲ نانک از کارانداخته بودم. پالتلوی گشاد پدر را درآورده و از سمت کشتزارها به طرف قصرشیرین باه فرار گذاشت.

شکن به دشمن می‌دادیم و به ضرب قنادق تفنگ پدر و از جایی که از جا برداشته بود زمین کویند. دستشایش خورد هاست و همراه مادر و خواهرم به اسارت برده بود. از باداشت‌های یک رفیق از سنگرها بیرون آورده و بیش از سریل ذهاب

محمّن هستم که امریکا نابود خواهد شد

آن سوی کوره‌موش" در حاشیه مرز ایران و عراق سه دهکده فقیرنشین: قوچی باشی، آسیاتوره و ده کهنه فرار دارند. خانه ما هم در آسیاتوره است. قبیل از جنگ عراقی‌ها

بارها سمعت از این تصرف عراقی‌ها درآمد. آنها چند نانک را در ده مستقر کرده بودند.

آن شب من در خانه نبودم. همان زاندارم عراقی به در خانه‌مان را می‌برند. در آسیا تنوره بطور کامل به هر خانوده‌ای دست کم یکی دو گویند یا گاوشن را به غارت برده‌اند. ما هم که شب بعد عراقی‌ها نفت و بنزین و قد و شکر به دهکده آورده و بین مردم قسمت کردند. من هم یک پیست بنزین گرفته و به خانه آمد. نیست به دشمن از وجودم زبانه می‌کشد. پیت بنزین را به اتاق آورده و دست به کار شدم با شیشه‌های خالی که از این خانه و آن خانه گرفته بودم، چندین گلوله از تیراندازی شد. نفرت از چشم‌نم سازی شد. نفرت نیست به دشمن از وجودم زبانه می‌کشد. پیت بنزین را به اتاق آورده و دست به کار شدم با شیشه‌های خالی که از این خانه و آن خانه گرفته بودم، چندین گلوله درست کردم تنهای تنهای را به این‌گونه شکاری کردند. من هم یک پیست بنزین گرفتند. همکاری!

پدرم در خانه را به هم کویند و با خشم به کردی گفت: "مگر به خواب بینید" بک سرباز عراقی با لگد به در کویند. اسلحه‌اش را به طرف پدرم گرفتند و به عربی گفت: "مگر پالیزبان رانمی‌شناست؟" مادرم سراسیمه بین پدرم و سرباز عراقی قرار گرفت. سرباز اسلحه‌اش را پائین آورد و به پدرم گفت: "می‌دهم زبانت را ببرند" لبخند تلخی روی لبان پدرم نقش بست.

پشت مسجد بالا رفته و در نسلح کردن توده‌ها صامن پیروزی خلق‌های ماست





۸ سال از شهادت امیلکار کا برآل متفکر انقلابی و رهبر گینه بیسانو گذشت

در ۲۵ زانویه ۱۹۷۳ افریقا در سوگ از دستدادن یکی از زرگرین رهبران انقلابی خود در عم فرو رفت... در این رور میلکار کاپرال میاز ضدامیرالیست، منفکر انقلابی، رهبر و بنیانگذار حزب افریقایی استقلال گینه بیسائو و جزایر دماغه بیمز در توطههای ناجوانمردانه به دست عوال استعمارگران رتقالی به قتل رسید.

امیلکار کاپرال در سال ۱۹۲۴ در گینه بیسائو متولد شد. همچون میلیونها افریقایی طعم تلخ استعمار و استثمار میریالیسم را که هنوز هم در بسیاری از نقاط این قاره عفریت بوم گرسنگی، فقر، بیسادی و... راگسترانیده است، چشید. در جواہی برای ادامه تحصیل به پرتغال رفت. آنجا بود که رکنار دوستانی چون آنگوستینو (رهبر فقید آنگولا) و ادواردو وندلان (از رهبران موآزامیک که در ۳ فوریه ۱۹۶۹ به موسیله موافل استعمارگران پرتقالی ترور شد) به مطالعه و مباحثه رداخت و اینان هر یک از بنیانگذاران و رهبران احزاب نقلابی کشورهای خود شدند. چنانکه کاپرال با یاری عده‌ای میگری حزب افریقایی استقلال گینه بیسائو و جزایر دماغه سیز را بیان نهاد.

در سال ۱۹۶۳ خلق دلار گیهه بیسائو تحت رهبری کاربال
برید مسلحانه خود علیه استعمارگران پرتغالی را آغاز کرد.
ایران درباره اینکه چرا خلق گیهه اسلحه به دست بسا
استنتمارگان پرتغال به نسبت برخاسته، ممکن است:

سندسرزیون پرستاری می‌باشد که برای سفر و تور نیز مفید است. مکن این مردم ریباره من اشتباه کنند اما من یک دماغه سرخست مبارزه سلسلحانه نیستم. من شخصاً از فربانی‌های سنگینی که مبارزه سلسلحانه می‌طلبد، آگاهم. این خشونتی است حتی برضید مغل خودمان. ولی این مبارزه را ما اختیاع نکردایم. این صمیم خودسرانه ما نیست بلکه نیاز تاریخ است. این اولین چنگ در کشور ما نیست و مبارزه را هم کابراخ اختیاع نکرده است. ”

کابرال در محدوده خود تئوری‌سیسی بر جسته به شمار می‌رفت
کتاب‌های بسیاری در زمینه جنبش‌های راهائی بخش به رشته
حریر در آورد. کابرال به سقش تاریخ‌ساز توده‌ها برای پیشبرد
نظام آگاه بود:

"قدرت ما، قدرت عدالت، پیشرفت و تاریخ است و
عدالت، پیشرفت و تاریخ به مردم ما تعلق دارند زیرا قدرت
ما قدرت مردم است."

کاپرال علیرغم آنکه از محتوی اصلی دوران معاطر کاملاً رک درستی نداشت و در این رابطه به نقش جبیش‌های هائی بخش ملی بیش از حد بهای می‌داد لیکن از دوستان افغانستان گزند شاخت درست داشت.

جهانی انقلاب یکه ساخته دارمی داشت :
وظیفه ماست که در اینجا با صدای رسا و بلند اعلام
بنیم که ما متعدد اینستواری در کشورهای سوسیالیستی داریم
اردواه سوسیالیستی درجهان ظهره کرده و این امر
وازنه ذفرت را اساساً تغییر داده و این اردواه امروز نشان
اده که از وظایف بین‌المللی و تاریخی و اخلاقی خوبی
اما لآگاه است زیرا خلق‌های کشورهای سوسیالیستی هرگز
خلق‌های استعمارزده را استثمار نکرده‌اند .. و آنها چه
کنند؟ آنها که دوست ندارند بشوند کشورهای سوسیالیستی
به ما کمک می‌کنند؟ آنها به پرتفعال کمک می‌کنند ..."

تحت رهبری او خلق گینه به پیروزی‌های چشمگیری دست گرفت و ظرف مدت ده سال بعینی از ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳ که کارباله شهادت رسید نزدیک به سپاهارم سرزمین گینه از بیو استعمارگران آزاد گشت. پیروزی‌های خلق گینه در نبرد با سپاهارم هرچند چشمگیر می‌نمود، لیکن کارباله گفت.

برای این پیروزی نه آبست که ما در سخت ترین
نیروهای استعمارگر پرتوال جنگیده‌ایم. بلکه در
باقیه در صفحه ۴۶

بنگه قرار بود عقنهشینی
شم از شادی در پوست خود
می گنجید اما ما با دادن
دید دیگر حاضر به عقب-
شینی نبودیم بساز
نویخانه ها را به کار آختم
گروهان دوباره روحیه اش
با به دست آورده و پکارچه
خروش آمده بود و به
نتقام خون ۱۲ رزم نده اش که
شهادت رسیده بودند،
دشمن را به زیر باران آتش
گرفته بود. فرماده متغیر
نوشته ای استاده و گروهان را
نمایش می کرد. سریازان خلق
به راستی که به دشمن امان
خواهند داد.

روز نهم آبان دستور
دادند که به صفوں مقدم
جهیه برویم . این همان
روزی بود که در انتظارش
بودم . توب‌ها را تمیز کرده
و ایمان به پیروزی خلق
به سمت صحنه راستین پیکار
به حرکت درآمدیم فرمانده
ما عوض شده بود . سه روز
بعد بجههای خبر آوردند که به
خاطر بی‌لیاقتی سرگرد ، ۲
در رجاه اش را گرفته‌اند . این
چیزی نبود که ما را خوشحال
کرد . خوشحالی ما در این‌ویه
تاشی بود که بر سر تجاوز-
گران عراقی عقیلی خیتم و
آنها را مجبور به عقب‌نشینی
می‌کردیم .

* * * روز دهم آدر بود که
تقریباً بعد از دو ماه تقاضای
سه روز مرخصی کردم . چون
می خواستم به شهر بروم و از
ترکیخانها دیدن کنم و در
ضمون بعد از مدت‌ها حمامی هم
بریوم :

وارد شهر شدم . (دزفول)
در یکی از خیابان ها دیدم
مردم گروه گروه ایستاده اند
و دارند اعلامیه های را که
روی دیوار چسبانده شده ،

می خوانند. جلو روشن است.
اعلامیه سازمان بود. برای
اولین بار بعد از دوماه چشم
به یک اعلامیه سازمان افتاده
بود. چه شوقي وجود را
گرفته بود. دلم می خواست
آن رفیقی که اعلامیه ها را به
دیوار چسبانده بود پیدا
کرده و بشنیم و با هم
حرف بزنیم. هرچه دور و
بریم را نگاه کردم، هرچه از
این و آن پرس و جو کردم
نتیجاست رفیق را پیدا کنم
به هر حال سه روز مرخصی به
پایان رسید و با روحیه ای
تازه به جمهه بازگشتم.

از یادداشت‌های یک‌福德ائی خلق در جبهه‌های جنوب

۴ صفحه از

برگرانه‌های کرخه ...

ازشدت آتش دشمن هیچ کدام جرات نگردید سرشاران را از سنگر بیرون بیاورند. زخمی ها را تحویل گروه امداد داده و از خستگی در پناه سنگری نشسته و در فکر فرو رفتمن ساعتی نگذشته بود که باز فرماندهان پیدا شد. زخمی ها بدون توجه به اینکه این چند نفری که شهید شده اند، به خاطر خیانت ها و عدم آگاهی او بوده است، دوباره هفت توب تهیه کرده و خدمه جدیدی را پشت آنها گذاشت من هم دوباره توجیج توب سوم شدم باز ما دست به کار شده و مواضع دشمن را زیر آتش توپخانه هایمان گرفتیم. از نفرت نسبت به دشمن و خیانتگران بدمی می لرزید. برادر آتش منترکر ما، توپخانه عراقی خاموش شد و ما توانستیم روز بعد با همه امکانات ناجیزمان، با شکوه هرچه تمام تر پیکر پاک شهیدانمان را با احترام به در قول بیریم . . .

* * *

روز ۲۷ مهر سرگرد (فرمانده) دستور تغییر موضع داد. در آن موقعیت با روشن بودن هوا مسما می دانستیم که هر جایچایی باعث شهادت چند نفر از دسته همان می شود، سربازها با این دستور مخالفت کردند اما سرگرد اصرار داشت که همین موقع روز باید نقل مکان کنیم. بخاطر خیانت های سرگرد نمی توانستیم آرام بگیریم. در اینجا دیگر صریم تمام شد. به فرمانده گفتیم:

خورد و منفجر شد. درجه دار، یک فرمانده توپ یک محاسب و دو سرباز زخمی شدند. بار از فرمانده کمک خواسته و تقاضای آمبولانس کردیم. ساعتی بعد که دو درجه دار به شهادت رسیدند آمبولانس پیدا شد. زخمی ها را سوار کرده و جنازه شهدرا را کنار آنها گذاشتیم. آمبولانس تازه رفته بود که دشمن موشک های هدایت شونده اش را به کار گرفت و یکی یکی توبهای ما را هدف قرار داد. یکی از موشک ها درست روی توپی که سربازها کنار شگر گرفته بودند، منفجر شد. درجا ۵ نفر از سربازها به شهادت رسیده و دو نفر دیگر به شدت زخمی شدند. از توب ما فقط من مانده بودم و یک درجه دار دیگر. از خدمه چهار توب دیگر که قبل از آمدن آمبولانس نقل مکان کرده بودند، اطلاعی نداشتند. دیگر از کمک پشت نیزه آمده بودند. چیزی می دادیم. لباس هایمان را پیدا کردند. زخمی ها را به پشت سپته و سینه خیز به راه افتادیم و بعد از ساعت های سینه خیز رفتن که دیگر از پا درآمده بودیم، به پل گرخه رسیدیم. زخمی ها را به دوش کشیده و از پل گذشتیم آتش توپخانه های دشمن هسوز خاموش نشده بود. چیزی از پل دور نشده بودیم که دیدم فرمانده خودمان در کنار یکی از امراzi ارتقی کنار جاده در یک سنگر نشسته اند. فرمانده همینکه مرا دید،

آیا می خواهید یک دسته
 دیگر را به کشتن بدھید؟
 اجازه بدھید شب تغییر
 موضوع بدھیم. "

فرمانده بدون توجه به
 حرف من و اعتراض دیگران
 دستور حرکت داد. ما مهمات
 را جمع کرده و توبه را به
 حرکت درآوردیم. نتیجه
 معلوم بود. بله ۱۲ شهید
 دیگر، ۷ درجهدار و ۵ سرباز
 همه روحبیشان را باخته
 بودند. فرمانده دستور عقب-
 نشینی داد. خود فرمانده از

"عقب نشینی نکنید، بروید
 جلو، بر گردید!"
 خونی که از بدن سرباز
 زخمی بی رفت، بدم را
 خیس کرده بود. زیر آتش
 تپخانه های دشمن جلوتر
 رفتم. فرمانده در حالیکه از
 ترس جرات نمی کرد سرش را
 بالا بیاورد، باز داد کشید.
 "گفتم عقب نشینی نکنید!"
 زخمی را کار سنگر روی
 زمین گذاشت و با خشم فریاد
 کشید: "مهمات بدھید تا جلو
 بروم"

جنبش کارگری ایران

اخلال مدیرکارخانه شیشه سازی مینا در تولید

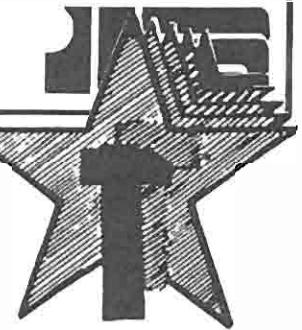
روز ۲۲ آذر، تولید در کارخانه شیشه سازی مینا به دلیل قطع گاز متوقف می شود و کارخانه سا سرد شدن کوره ها در حدود ۵.۵ میلیون تومان خسارت می بیند. مدیر لیبرال کارخانه مینا در روزنامه میزان ارگان لیبرال ها با دروغ و تحریف حقایق، شرکت گاز را مسبب این واقعه می داند و اعلام می بند که: بدون اخطار به کارخانه این اقدام خانمانه کاربرمای لیبرال را افسوس موده و بریده ای را درج کرده بود، برای "آگاهی" کارکنان به دیوار کارخانه نگذند.

کارگران مبارز شرکت واحد: با هشیاری انقلابی توطنه های ضد انقلاب را عقیم گذاریم

ذمیت خود بین ارتباط می شود و روشکنی ساسی کشاند. ندین مطرور از یک سو از طریق عوامل مزدوش در کارخانه و واحدهای خدماتی کشور در پوشش دفاع از صافع و خواستهای صفعی کارگران و کارمندان مبارز دست به اخلال و تحریک می زند و از سوی دیگر از برایمی ها و مارسای های موجود در کار مسئول و بقیه در صفحه ۲۰

کارگران ایران خواهان تدوین و اجرای طرح ارزشیابی مشاغل براساس تامین حقوق واقعی خود و تعدیل حقوق های کلان هستند

کارگران الیاف: کارخانه الیاف، ملی باید گردد



از جمله مدیرعامل (کافی) که خط وابستگی و سازش با امپریالیسم را تشکیل می دهد. خط دیگر عبارت است از بعضی از نمایندگان سهام دولتی کارخانه الیاف که می خواهند با قطع وابستگی از "بایر" (آلمن) و خربیدن مواد اولیه از کشورهای دوست از این کارخانه مادر تامین می کنند، شعار ملی شدن اهمیت استراتژیک دارد. کنترل دولتی کارخانه الیاف (که ۲۰۰۰ کارگر دارد) در واقع نوعی کنترل کلیدی است. به عبارت دیگر کنترل مستقیم یک کارخانه مادر کنترل غیر مستقیم ۱۳۵ کارخانه با هزاران کارگر بوده و ضربهای جدی و اساسی بر وابستگی اقتصادی است کارگران پیش رو الیاف طی اعلامیهای بر اهمیت شعار ملی کردن کارخانه الیاف و تحقق مجدانه آن ناکید کرده اند. در این اعلامیه آمده است: "اگنون در هیئت مدیره کارخانه الیاف دو خط وجود دارد. یکی شامل آلمانی ها

* * *

کارکنان صنایع فولاد،

پیشقاولان مبارزه در جبهه و پشت جبهه

جهه ها، احداث تعداد زیاد پناهگاه در شهر و کارخانه، حفر کانال در گنجگزدگان در رامهرمز و اطراف شهر اهواز، ساختن موانع فلزی جهت جلوگیری از پیشروی نیروهای زرهی دشمن، ساختن تانک آب (سیار)، قطعات ماشین-آلات، پریموس و ... اعزام گروهی از کارکنان برای طی دوره آموزش جنگ افزارهای نظامی (مانند آر-پی. جی. و کالیبر ۵۰)، تعمیر ماشین-آلات و وسائل موتوری ارتش، ساخته و متحرک برای

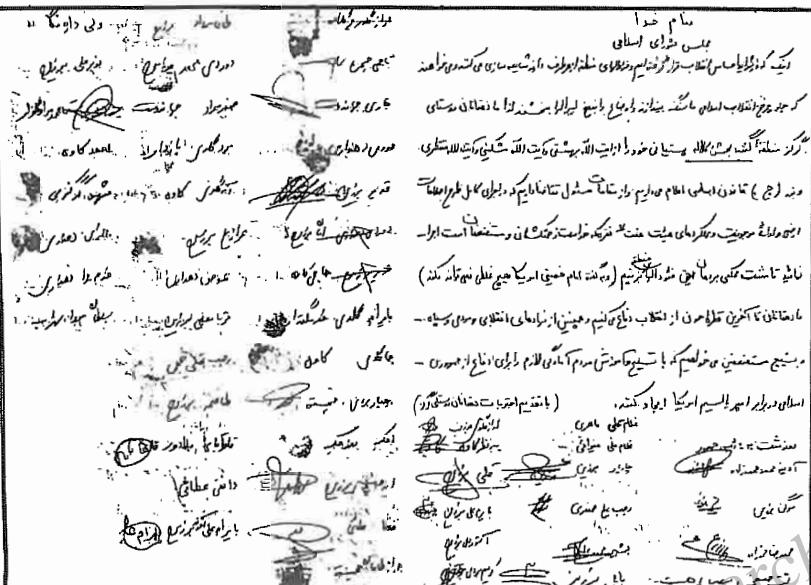
پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشنهاد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

جنپش دهقانی ایران

دهقانان روستای (گرگز) :



الغای بند (ج) عقب نشینی در برابر زمینداران بزرگ است



مستولین ملحتی می‌دهند.
باشد که ضروریات انقلاب را دریابند و در راستای تحقق هرچه سریع‌تر آنها حرکت است که زحمتکشان روستا به کنند.

ملقات مستقیم با آبالتاله خمینی به تهران فرستادند.
لیکن در تهران نیز جواب درستی به آنها ندادند.
نگاشتند که ملاقات صورت بگیرد. روستاییان تنها موقق شدند نامهای خطاب به آیت‌الله‌ الخمینی به مسئولین امور بدهند. قسمت‌هایی از اسنام را در زیر می‌آوریم:

بسم الله الرحمن الرحيم
محضر مبارک حضرت
آیت‌الله‌ العظمی خمینی

انقلاب اسلامی ایران با دادن بیش از ۶۰ هزار شهید و دها هزار زخمی بیدا جلاد شاه چنایتکار را به رهبری قاطع شما و به همت مردم به زیاله‌دانی تاریخ فرستاد و جمهوری اسلامی نای خون جوانان وطنمنان بنیانگذاری شد.

بقیه در صفحه ۱۰

ما پیوس و دلسرد شد، تصریح باشد.
ما نامه زحمتکشان روستای گرگز را عیناً نقل می‌کنیم. این نامه است که زحمتکشان امریکا به ویژه می‌تواند زیان آور

به خوبی احساس می‌کند که نیمه‌تمام گذاشتن اصلاحات ارضی و لغو بند جز میدان دادن به ستم و آجحاف زمینداران بزرگ نیست. از این رو در مدت کوتاه‌تر می‌پیوندند دهقان و زحمتکش روستایی علیه لغو وقت بند ج به اعتراض برخاسته‌اند. روستاییان "گرگز" دار زمرة از زندگان سرتیفیکات خوبی هستند این توهه می‌لیبویی در نامه‌ای فریاد اعتراض‌آمیز خود را به گوش مقامات مسئول روستاییان "گرگز" یک مورد از هزاران مورد اعتراض زحمتکشان روستاست.

ما تاکنون بارها اعتراضات بحق مردم روستای "گرگز" که طعم نظر روابط سنتکارانه بزرگ‌مالکی را چشیده‌اند، اکنون بخوبی می‌دانند که هرگونه عقب‌نشینی دربرابر زمینداران بزرگ به معنای انقلاب علاقلند است. عمیقاً در نگاری فرو برد است. بی‌تجھیز به آنچه که زحمتکشان روستا در این زمینه می‌خواهند، جز اینکه خواستار ادامه احراری آن می‌شوند. زحمتکشان روستا

به دبیل لغو بند ج

قانون اصلاحات ارضی،

زحمتکشان ۵۵ روستا از توابع

آمل به اعتراض برخاستند.

اهالی روستاهای "کلیکان"،

"ولی‌سر"، "قلیان کلاه"،

"کلاه‌صفا"، "عرب‌خیل"،

"آحاک"، "تشبدان"،

"ناصرآباد"، "ورکاده"،

"سعدآباد و رکاده"، "شهید

"آباد"، "حسین‌آباد قرق"،

"دشت‌کلا"، "کلیکسر"،

"زنگی‌کلاه"، "هارون‌کلاه"

"رویدار دست"، "ملک‌کلا

"دشت‌سر"، "موسی محله"،

"عشق‌آباد"، "قلعه کشی"

"اسپیارین"، "بالاهشتل"

و دهها روستای دیگر ضمن

اعتراض به متوقف شدن بند

چ نمایندگان خود را نزد

هیئت‌های هفت‌نفره هفاستند.

نمایندگان روستاییان از

هیئت‌های هفت‌نفره خواستند

اعتراض به لغو بند (ج) در ۵۰ روستای آمل

نیست شدیداً اعتراض دارند آنها می‌بینند که توظیه‌های زمینداران بزرگ موثر افتاده است بند ج لغو شده است، هیئت‌های هفت‌نفره منطقه مخلاصی شده‌اند. خرابکاری زمینداران بزرگ بسته است. تعداد ما خیلی زیاد بود اما کرداست. خلاصه همه آن همه را بیرون کردند. الان چیزهایی که مردم روستایان فقط نفر هستیم! — با مبارزه خود به دست آورده بودند در معرض خطر قرار گرفته است به همین علت زحمتکشان ۵۵ روستای اعمال که جز به زیان انقلاب فوق نمایندگان خود را برای

که به مصادره زمین‌های زمینداران بزرگ منطقه ادامه دهند. آنها خواهان ادامه کار این هیئت‌ها می‌باشد. روستاییان اعلام کردند که "ما خیلی دلسان" می‌خواهد به شما خدمت کنیم ولی دستتان بسته است. زمینداران بزرگ صیر کنیم. ما نمی‌توانیم هم چنان ظلم و ستم اربابان را تحمل کنیم. مسئولین هیئت‌های واکاری زمین خود در این روستاییان جانب روستاییان را می‌گیرند. آنها حق را به

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



السلطین، نبرد تا پیروزی

قسمت آخر

همزمان با اوج گیری انقلاب ایران، فاز دوم کمپدیوید علیرغم این "اختلافات تاکتیکی" به سرعت به آجرا درآمد (۱۹۷۹). انقلاب ایران فضای تنفس امپریالیست‌ها را تنگتر کرده بود و دیگر فوت وقت جایز نبود. پرده‌ها پائین افتادند و قرارداد کمپدیوید به پایان خود نزدیک شد. "اختلافهای تاکتیکی" می‌باید به سرعت جای خود را به اتحاد ضدانقلالی همه جایی بدهد تا فرست برای مقابله با انقلاب منطقه از کف نرود. امپریالیسم امریکا بزودی تلاش‌های خود را برای اجرای حلقه بعدی استراتژی خود آغاز نمود: کشانیدن اردن به کمپدیوید.

اما علیرغم تمامی این تلاش‌های مدبودهان طلاوهای شکست کمپ دیوید که با مبارزه و مقاومت سراسری سیروهای ترقیخواه و انقلابی منطقه و جهان روبرو شد بجزودی آشکار گردید. نبرد بین انقلاب و ضدانقلاب ابعاد جدیدی به خود گرفت و نیروهای انقلاب با تلاش و مبارزه همه‌جانبه خود زمینه شکست کامل کمپ دیوید را پی‌ریختند. عواملی که توطئه امپریالیستی کمپ دیوید را با شکست مواجه ساخته‌اند، می‌توان در نکات زیر خلاصه کرد:

۱- حبیش توده‌ای در مناطق اشغالی در مخالفت آشکار با کمب دیوید و سیاست‌های امیرالیسم اوج بی‌سایقه‌ای یافت. توده‌ای فلسطینی در مناطق اشغالی مصرانه از سازمان‌های انقلابی فلسطینی می‌خواستند که بطور همه‌جانبه با این طرح به مقابله برخیزند و آن را در هم بشکند. در این شرایط دیگر هیچ سیروی سازشکاری هم جرات شرکت در کمب دیوید به نمایندگی از طرف مردم این ماطق را نهایست به خود اداده.

۲- به دنبال مقابله همه جانبه تودهای خلق فلسطین یا این طرح، سازمان‌های فلسطینی که مدنها چار برآکدگی و چندستگی بودند، با امضاء "موافقت‌امه واحده تربیولی" گام بهمنی در جهت غلبه بر اختلافات و وحدت جبیش برای مقابله با طرح‌های امپریالیستی - صهیونیستی به سفر داشتند.

۳- پیدایش "جبهه مقاومت و پایداری" که از کشورهای لبی، الجزایر، سوریه، جمهوری دمکراتیک یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل شد، صفوں نیروهای انقلاب در منطقه را به هم، فشردهتر کرد و مزین سیروهای انقلاب و صدانقلاب را روشتر ساخت. پیدایش این جبهه، به مبارزه برای درهم شکستن توطئه کمپ

دیوید انگل جدیدی بر بحثی دارد.
۴- تشكیل کفراسی خلق‌های عرب در تربیولی که سایدگان تمام میروهای متقدی و میهن پرست عرب در آن شرکت داشتند و اعلام موضع قاطع این سروها در مقابله با توطئه‌های امیرالیسم.

۲۱ صفحه دس قمه

این استراتژی امپریالیسم اهداف زیر را دنبال می‌نمود: اولاً - مصر را به مذاکره جداگانه با رسانیل بکشاند و با از میان برداشتن تضادهای ناکنکسی این دو قدرت، محور ضاداعلابی مصر- رسانیل را در منطقه تحکیم و ثبت نماید. ثانیا - پس از سازش کامل مصر و رسانیل رمینه را برای گام‌های بعدی یعنی کشانیدن سایر پیرووهای مرتعج و سارشکار به این مذاکرات فراهم نماید و ثالثاً - جنبش آزادیبخش فلسطین را که در سراسر جهان به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین شناخته می‌شد، می‌اعتبار و منفرد تهدید و بدینوسیله با ایجاد یک اتحاد امپریالیستی - چهوبونیستی ارتقای در منطقه نفوذ خود را برای سرکوب جنبش‌های انقلابی منطقه و پخصوص جنبش فلسطین گشترش دهد. چنین بود چکیده استراتژی امپریالیسم در این

در سال ۱۹۷۴ مصادر فرهنگی کمیسیون امنیت ملی اسرائیل که به "دیپلماتی و برگشت" معروف شد، آغاز گشت. امریکا لیست اسرائیل همراهان با این ملاقات‌ها، سیل "کمک‌های سلطنتی" و قبضات‌ای خود را به مصر گسترش داده و گام به گام روند تثبیت گرایش ارتقاگیری را در مصر تقویت نمود. ملاقات‌های خصوصی مشاوران سادات با موسوی‌هدایان (علیرغم آنکه سادات در ظاهر هنوز خود را ضد اسرائیل می‌نماید) زیر نظر هنری کمیسیون امنیتی مذاکره سه‌جانبه امریکا - اسرائیل - مصر را فراهم نمود و سرانجام سادات "شجاعانه" تصمیم خود را منی بر سازش اعلام نمود. سفر سادات به فلسطین انتغالی و سپس مذاکرات سه جانبه سرانجام به شروع فار اول کمپ دیوید (۱۹۷۸) منجر گردید.

امريكا با سوجه به مفاد مذاكرات سجانبه که وضيحيه سام ملح به آن داده بود دستوليت ساختن ساپگاههای حديد نظامي در صحرای سينا و تسلیح بيشتر سپرهای مصر و اسرائيل را بر عهده گرفت و بودجه نظامي مصر و اسرائيل به سرعت رو به افرايش شد. موافقنامه كمپ دبويid سرآغار گسترش توطئههای اميراليستي در آغاز حديدي بود که فقط انقلاب فلسطين بلکه انقلاب منطقه را نشانه رفته بود. بن مسای اين موافقنامه می پاييد که به اصطلاح "مسایده" برای مردم فلسطين ساکن در نوار غره و ساحل خرساني رود اردن را شيشده شود و نجح فيلوميت کامل اسرائيل به آنها "خود مختاری" داده شود اما اسرائيل رسميا عدم قبول اين طرح را اعلام كرد و اين مسئله به عنوان يك اختلاف بین سادات و بگين مطرح گردید. سادات که عسي داس خود را "مسایده" مردم فلسطين اعلام کند به طاهر روي اين مسئله پاسداري می کرد ولی "حتى" پاشتاوري "روي اين مسئله جميزي حر ساديه گرفت حقوق اساسی مردم فلسطين و ضربه زدن به آن بعوض جرا که كمپ دبويid، خلق فلسطين و مسایده واقعي آن سازمان آزادبخش فلسطين و انقلاب منطقه را هدف قرار داده بود.

مرگ ناصر در سال ۱۹۷۰ و قدرتگیری سادات با تصفیه و محاکمه طرفداران ناصر در حکومت، تضعیف و سپس انحلال کامل "اتحادیه سوسیالیستی عرب" و پیشروان سوسیالیسم (گروههای ناصریستی) و گسترش روند رداش ناصریسم در مصر، سرآغازی بود بر چرخش همه- جانبه مصر به سمت راست و غلبه بوزاری مرتعج مصر که پس از جنگ ۷۳ با قطع ارتباط این کشور با اردوگاه سوسیالیستی و پایه ریزی "سیاست درهای باز" برای امپریالیسم به نقطه اوج خود رسید.

خروج مصر از اردوگاه سیروهای ترقیخواه منطقه و پیوستن آن به نیروهای ارتقای، مسلمان پر روند اوچ گیرنده جبش آزادیبخش منطقه تاثیرات منفی یافی گذاشت اما از طرف دیگر نباید فراموش کرد که در این دوره جبش آزادیبخش خلق های منطقه موافق شد مواضع امپریالیسم را در یک رشته کشورها مورد تهاجم فرار داده و موقوفیت های چشمگیری کسب نماید. از جمله می توان از برقراری و تحکیم دول ترقیخواه در لیبی و سوریه، اوج گیری جبش استقلال طلبانه در کشورهای خلیج فارس از جمله جبش آزادیبخش خلق در عمان، بحرین، ایران و غیره و همچنین روند رادیکالیزاسیون انقلاب در برخی کشورهای منطقه و اوج گیری و رادیکالیزاسیون جبش فلسطین که با اقبال رور- افغانستان تهدیدها بعده بود، نام برد.

از روزن سودگری روز برو بود، شم بردا.
جنپش از ازادی پیش فلسطین در شرایط رشد
سیروهای انقلاب در منطقه، مبارزات خود را در
سرزمین های اشغالی گسترش بخسیده، پایگاه های
خود را در لیلان و سوریه تحکیم سوده، وحدت
خود را با سیروهای ترقیخواه و انقلابی منطقه و
جهان قوام بخسیده و در شرایطی که موفق به
کس اعتبار و دیرینش بین المللی سده بود، هر
روز ضربات حذبی سر پیکر امیرالباستم و
صهیونیسم وارد می سود.

جنت ۷۳ اعراب و اسرائیل علیرغم مبارزه حربی و فهرمانی نتوده‌های عرب و فلسطینی به جر کس بر حیی موقوفات‌های تاکتیکی تغییرات دیگری به وجود آوردند. ساده حاش از همان آغاز، این حنگ را به عنوان سلسه‌ای برای بزردیکی گام به کام با امریکا و اسرائیل می‌دید و لذا در عنی حال که می‌دانست در حریان جنگ به معنی اسرائیل خرابکاری کند. با دمیدن در بیوهای سلسه‌انی، خود را به عنوان "رهبر عرب" و "فرمانده نظامی" برگ معرفی می‌سmod.

امیرالیسم جهانی سرکردگی امیرالیسم
امراکا کد ما این مرحله، اسرازتی خود را بر
سبیت اسرائیل به عنوان رک اساسی سلطه خود
در مسطقه خاور میانه عربی، ایجاد سور حافظتی
برای اسرائیل به وسیله اسلحه بحث های دیگر از
سرمه های عربی و سرکوب جیش آزادی یعنی با
انکا، بر اسرائیل بایگانه سلطه خود در مسطقه قرار
داده بود. بن ارجنگ ۷۳ فاروسی از
استراتژی ضد اقلایی خود در مسطقه آغاز شد:
ایجاد محور ارتحاعی مصر - اسرائیل.

در چکسلواکی بیکار و بیساد وجود ندارد

اساسی مردم از قبیل حق مسکن، حق بهداشت و درمان رایگان، حق آموزش و حق شرکت مردم در اداره امور دولتی و عمومی و... توسط دولت سوسیالیستی تضمین می‌شود. سیستم بهداشت و درمان عمومی، مردم چکسلواکی را از درمان، و بهداشت رایگان بهره‌مند می‌سازد. در چکسلواکی مجموعاً ۴۱۰۰۰ پزشک به درمان مردم می‌پردازند به عبارت دیگر در این کشور برای هر ۱۰۰۰۰ نفر ۲۹ پزشک وجود دارد. این رقم از رقم مربوط به تمام کشورهای سرمایه‌داری بالاتر است و بالاخره در اثر اجرای برنامه آموزش رایگان، بیسادی بطور کامل از بین رفته است و سطح عمومی آموزش مردم روز به روز بالاتر می‌رود.

خلق چکسلواکی با بهره‌گیری از مزایای بیادی نظام سوسیالیستی و نوان اقتصادی جامعه کشورهای سوسیالیستی و تقسیم کار سوسیالیستی در راه ساختمان جامعه سوسیالیستی بیشتر فعالیت به پیش می‌رود.

از سوی دیگر جمهوری ارادی بخت ملی (خارابوندو مارتی) که چندین سارما را دربرمی‌گیرد، نیز از مردم این کشور دعوت کرده است که دست به اعتراض عمومی بزنند.

هم‌اکنون برخی از سفاط السالوادور آزاد گشته است و کترل آن به دست انقلابیون افتاده است و در حالی که سرد میان انقلابیون و نیروهای نظامی السالوادور شدت یافته است، شورش و تمرد نیز در میان سربازان و در جهادان بالا گرفته و رژیم السالوادور در آستانه سقوط قرار گرفته است.

اخبار کوتاه

* بدنبال قتل یک دانشجوی مصری به وسیله پلیس این کشور، هزاران دانشجو دست به اعتراض زدند.

* در سال گذشته درآمد سرانه کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی (کمکون) $\frac{3}{4}$ افزایش یافت.

* وزیر دفاع آینده امریکا اعلام کرد که مذاکرات مربوط به محدود نمودن سلاح‌های استراتیک به تعویق خواهد آفتد.

* زندایان سیاسی زندان‌های شهر سانتیاگو در شیلی در اعتراض به دستگیری اعضای کمیته حمایت از زندانیان سیاسی دست به اعتراض زدند.

* امریکا یک میلیارد دلار بودجه‌ای توسعه لوازم جنگی با اشعه لیزر در نظر گرفت.

* ۶۵ هزار نفر از کارگران بنادر انگلستان دست به اعتراض زدند.

* حداقل حقوق بازنشستگان شوروی در سال ۱۹۸۱ به میزان ۱۱٪ افزایش خواهد یافت.

علاوه در حال حاضر سطح زندگی روستائیان چکسلواکی چندان تفاوتی بازندگی شهرنشینان ندارد. درآمد کشاورزان هرچه بیشتر به درآمد کارگران صنعتی نزدیکتر می‌شود.

بخش اسلوک که قبل از انقلاب یک منطقه کشاورزی عقب‌مانده بود و تحت ستم ملی چکها فرار داشت، امروزه به یک منطقه منتعی هم طراز بخش چکنشین این کشور تبدیل شده است. دولت سوسیالیستی چکسلواکی با در پیش گرفتن سیاست تامین پیشرفت اقتصادی اسلوک و شناسایی حقوق کامل برابر برای جکها و اسلوک در راه حل سائله ملی در چکسلواکی قدم بر می‌دارد. علاوه بر این دولتی اصلی، ملیت‌های دیگر سیر از حقوق برابر برخوردارند.

تمام فعالیت‌های دولت سوسیالیستی چکسلواکی در خدمت ارتقاء سطح رفاه مادی و فرهنگی مردم و هرچه بیشتر انسانی تر ساختن زندگی آنها قرار دارد. در اثر اجرای برنامه‌های سوسیالیستی چکسلواکی از بیکاری خبری بیست. سایر حقوق



چکسلواکی به دبال رهایی از بیوغ فاشیسم در سال ۱۹۴۵ دوره نوینی را آغاز سهاد. دوره‌ای که در ابتدا با اصلاحات دمکراتیک قاطع معین می‌شد و بالاخره از فوریه سال ۱۹۴۸ با به دست گرفتن فدرات به وسیله طبقه کارگر تحت رهبری "حزب کمونیست چکسلواکی" و در اتحاد با سایر زحمتکشان گام در راه تجدید بنای سوسیالیستی گذاشت.

کارگران و زحمتکشان چکسلواکی پس از درهم سکستن دستگاه دولتی بورژوازی امکان یافتنده که در اداره امور دولتی و عمومی شرکت ورزند و حاکم سروش خود باشند. در حال حاضر پنج حزب سیاسی مردمی چکسلواکی در یک "جبهه ملی" و تحت رهبری "حزب کمونیست چکسلواکی" متعدد. این جبهه بر اساس برنامه عمومی ساختمان سوسیالیسم که از طرف "حزب کمونیست چکسلواکی" را در راه ساختمان جامعه نوین سازماندهی می‌کند.

در حال حاضر مردم چکسلواکی مالک جمعی شرکت ملی کشور خود هستند و در اثر کارشان این شرکت را بطور مداوم افزایش می‌دهند. در نتیجه رشد معاهمگ و عاری از تضاد سوسیالیستی، سطح رفاه مادی مردم به طرز چشمگیری بهبود یافته است. همچنین مردم چکسلواکی فرصت و امکان یافته‌اند تا به بورژوازی از آموزش و فرهنگ رایگان از گنجینه فرهنگی خود را ارتقاء دهند و سایر خلق‌ها بهره‌گیرند، سطح فرهنگی خود را ارتقاء دهند و زندگی خود مطبیق سازند.

چکسلواکی امروز یک کشور صنعتی پیشرفته است. در مقایسه با سالهای قبل از جنگ جهانی دوم، تولید ناخالص صنعتی به ۱۲ برابر رسیده است. صنایع مهندسی و شیمیایی مهم‌ترین رشته‌های صنعتی چکسلواکی را تشکیل می‌دهند. بخش صنعت $2,700,000$ (جمیعت چکسلواکی ۱۵ میلیون نفر است) را به کار می‌گیرد. این رقم 38% کل نیروی شاغل چکسلواکی را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب بخش صنعتی، بخش عدایت‌کننده اقتصاد چکسلواکی می‌باشد. تولید برق در فاصله سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹ از 4100 میلیون کیلووات ساعت به 84000 میلیون کیلووات ساعت رسیده است. در همین فاصله میزان تولید ذغال و لگنیت که منبع اصلی انرژی چکسلواکی است از $34/2$ میلیون تن به $124/2$ میلیون تن رسیده است.

روستاهای چکسلواکی بیش درنتیجه تعاونی و مکانیزه کردن کشاورزی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دگرگونی‌های بینیادی به خود دیده‌اند. در حال حاضر مزارع تعاونی و دولتی که بطور مکانیزه کشت می‌شوند، جای مزارع کوچک با سطح بارآوری پائین را گرفته‌اند. در نتیجه اشتراکی کردن کشاورزی، با اینکه شاغلین بخش کشاورزی نسبت به سال ۱۹۳۶ به میزان $2/5$ میلیون نفر کاهش یافته است محصول کشاورزی در همین مدت 55% افزایش یافته است.



سالگرد پیروزی خلق کامبوج

خلق کامبوجیا دومین سالگرد پیروزی خود بر رژیم جناهنگار پولپوت را در ۱۷ دی با شادی تمام جشن گرفت.

در طی این مدت علمی عم توطئه‌های دار و دسته پولپوت که از جان رهبران یک حمایت می‌گردند، خلق کامبوجیا به موقوفیت‌های چشمگیری در زمینه بازسازی کشور دست یافته است. آغاز فعالیت مجدد زدیک به 85% از صنایع و کارگاه‌ها، توسعه کشاورزی، تاسیس بیمارستان‌ها، مراکز درمانی و آموزشی در سایه کوشش و فعالیت بی‌وقفه مردم کامبوجیا امکان پذیر بوده است.

"هنگ‌سامرین" رئیس شورای عالی انقلابی

خلق کامبوجیا در سخنانی که به مناسبت دومین سالگرد پیروزی مردم کامبوجیا ایجاد کرد، مذکور شد که در آینده زدیک در این کشور انتخابات همانگی انجام خواهد گرفت و قانون اساسی جدید اعتبار خواهد یافت.

السالوادور در آستانه پیروزی

در السالوادور هر روز که می‌گذرد، امواج خروشان انقلاب اوج بیشتری می‌یابند. در حالی که خلق السالوادور خود را برای سرگرد سهائی با رژیم واپسنه این کشور آماده می‌سازد و در تدارک قیام عمومی علیه رژیم ارتقاگی السالوادور است اتحادیه‌های کارگری السالوادور خود را برای اعتراض عمومی آماده می‌سازند.

کمکهای مالی دریافت شده

کمک به سازمان فرزندان انسان‌های واقعی است، بدین‌وسیله ۱۰۰ تومان که از راکت یافته بودست آوردادام را تقدیم سازمان فرزندانم می‌کنم تا کمکی باشد در راه رسیدن به اهدافشان.

من مادر چند فرزند هستم و همواره سازمان چریکهای ندای خلق (اکثریت) مستند و چون رفتارشان درین مردم و در خانه مانند

طی کنم پیاده در جاده به راه
 می‌افتم تا بهاین امید که
 بتوانم با جمع‌آوری پولم
 نشیوه هفتگی کار را بخرم.
 من با مابقی پول تا بهحال
 ۷۰۰ اریال جمع کرده‌ام که
 برای کمک به سازمان
 پرافتخارم هدیه می‌کنم تا در
 آینده فرزندان حسوت کشیده
 می‌هفتمان روزگار خوشی داشته
 باشد.
 به‌امید پیروزی کارگران و
 زحمتکشان

امپرالیستی و مرتجع
نژدیک کرده و بندھائی
واستگی و بندگی را بر پای
مردم مهین ما مستحکم
گردانند. لیرال‌ها با این
اعمال، شکست انقلاب را
تدارک می‌بینند.
گسترش روابط متقابل میان
دولت ایران و کویت‌ای

۲۸ بقیه از صفحه

دستی با کوبای انقلابی

دولت ایران با کشورهای سوسیالیستی و ترقیخواه جهان، برای درهم شکستن توطئه‌ها و تحاوزات امیریالیسم امریکا و متحدها آن، برای حفظ و تحکیم انقلاب ایران ضرورت حیاتی دارد. از همین روست که گرایشات مثبت دولت جمهوری اسلامی ایران در حقت نزدیکی با دوستان جهانی انقلاب ایران این چنین مورد دشمنی دشمنان استقلال و آزادی میهن ما قرار گرفته است. امیریالیسم امریکا و محاذل مورد حمایت آن با انواع و اقسام حیله‌ها می‌کوشند مانع نزدیکی انقلاب ایران با دوستان جهانی آن گردند. تمام کوشش لیبرال‌ها و سایر دستجات مورد حمایت امیریالیسم بر این است که دولت ایران را از اردوگاه جهانی انقلاب جدا ساخته، آن را به کشورهای

وزیر کشاورزی و عمران روستائی از تمایل کوپا در این زمینه تکریه کرده و متقابلاً اظهار داشت که ما خواهان ایجاد روابط حسنی با دولت سوسیالیستی کوپا هستیم.

علیرغم تبلیغات کیهه - وزانه امیریالیست‌ها و لیبرال‌ها و کوشش آنها درجهت برانگیختن دشمنی جمهوری اسلامی با سروهای ترقیخواه جهان، کوپا و دیگر کشورهای سوسیالیستی همواره آمادگی خود را برای کمک و دفاع از انقلاب ایران در مبارره علیه امیریالیسم جهانی اعلام داشتند. امریکا سرکردگی امیریالیسم دولت جمهوری اسلامی ایران سیز پس از کناره‌گیران لیبرال‌ها از راس سیاست خارجی ایران گرایشات شستی در جهت نزدیکی با اردوگاه انقلاب جهانی از خود نشان داده است. برقراری روابط دوستان

پاییز از صفحه ۷

اعتراض به لغو بند (ج) ...

اجرای دوباره بند ج
مصادره زمین های زمینداران
بزرگ و کوشش جدی برای
سپاهود وضع کشاورزان را از
دولت و مجلس جمهوری
اسلامی می خواهند. آنها
خواستهای خود را به این
شرح به اطلاع آیت الله
خصمی می رسانند. :

زحمتکشان ۵۰ روستای
فوق در قسمت دیگری از
نامه‌شان به مبارزات خود
اشارة می‌کنند و می‌گویند.
”... برای نجات از
حکومت شاه خائن به همراه
باقیه مردم فهرمان میهمان
علیه رژیم دست به مبارزه
زدیم و در اکثر تظاهرات ضد
شاهی به عنوان یک وظیفه
انسانی و اسلامی شرکت
می‌کردیم. اما بعد از انقلاب
در این فکر بودیم که از
زنگی فلاکت بار گذشته
رهائی یا بیمه و از حداقل
امکانات رفاهی می‌بهمن
نماییم. در این فکر بودیم
که دولت اسلامی برای بالا
بردن تولیدات کشاورزی،
امکانات لازم از بذر، وام
کود شیمیائی و غیره را با
قیمت ارزان در اختیار ما
بگذارد تا کم کم تولید کشور
بالا رفته و از وابستگی به
امریکای خونخوار رهائی
یابیم.“

روستاییان نامه خود را
جنین ادامه می‌دهند:

گرسنگی، سرما و بیماری

زندگی آوارگان جنگ را تهدید می‌کند



این آوارگی و خانه‌بی‌وشی یکی از هزاران ستمی است که امپریالیسم امریکا به مردم می‌نهنمان روا داشته است

جنگ تحملی رژیم ارتجاعی بیماری‌های مسری قراردارند صدام علاوه بر بماران و مهاجرت ناخواسته و اجباری تخریب واحدهای صنعتی و آوارگان جنگزده، جمعیت کشاورزی، علاوه بر ویران روستاهای و شهرهای مزدیک به ساختن شهرهای مرزی و نقاط مناطق حنگی را به چندین مسکونی و کشتار بی‌رحمانه برابر افزایش داده که این به مردم بی‌پناه و بی‌دفاع، نوبه خود موجب بروز آوارگی و دربدری را نیز بر مشکلات فراوانی از نظر ارزاق زندگی صدۀ‌هزار انسان عمومی، بهداشت، آموزش و زحمتکش می‌نهنمان تحمیل پرورش و غیره در شهرهای نموده است. این زحمتکشان پشت جبهه شده است، نگاهی که خانه و زندگی‌شان ویران به وضع آوارگان در جنوب و گشته است، در حال حاضر غرب کشور عمق این فاجعه را در معرض گرسنگی، فقر و به خوبی نشان می‌دهد.

بسامانی و خطراتی چون

وضعیت ۱۲۰ هزار جنگ‌زده

در فارس

در استان فارس بیش از همچنان این رنجیدگان ۱۲۰ هزار مهاجر جنگ‌زده زندگی می‌کنند که ۵۵ هزار نفر در شیراز، ۳۵ هزار نفر در کازرون و بقیه نیز در خوابگاه مهندسی و سعدی جیرفت و داراب، فسا، رامی‌شوی، پیغمردانی را می‌بینی که چهره‌شان رنج و زحمت سالیان دراز را نشان می‌دهد و اکنون با چشم‌انداز از آن

نگران و با مختصر لباسی که حاد اولیه بین مهاجرین و افراد ناآگاه که به دنیا رسیده‌اند، داخل ساختمان و راهروها، اتاق‌ها و آشیانه‌ها پسر از خانواده‌های جنگ‌زده است. در هر اتاق دست کم ۹ نفر زندگی می‌کنند. اکنون خوابگاه‌ها، بیشتر بچه‌ها، زن‌ها و پیرمردها هستند.

بعضی خانواده‌ها در گوشمای از سالن، طنابی به دو طرف دیوار بسته و روی آن چادری اندخته و زندگی می‌کنند. اکنون اطراف پسری‌برند. مدارس زنگ‌زده شیراز هرگدام که طرفیت داشته‌اند، کودکان جنگ‌زده را پذیرفته‌اند اما با تحریکات مهاجرت آوارگان سیز در دهات و شهرهای کوچک از آوارگان سیز در اندخته و زندگی می‌کنند.

مجموعه اثاثیه‌شان یک پتو، رختخواب‌های چرکین، شبانه‌ساز و آشیانه‌ها، بیشتر چهارمین دو سه بشقاب حلبي و کمی لباس است...

همه‌ترین مشکل ساکنین خوابگاه‌ها وضع غذایی از همینهای اختلاف و بدینه مدارس هم به صحنۀ جدال آنهاست. توزیع مواد غذایی به هیچوجه منظم و پابرجا نمی‌دانش آموزان خوزستانی و شیرازی بدل شد.

با وجود اینکه اکنون مهاجرین آواره استان فارس

غذایی در کار نیست. سرما و جوان‌هاشان را از دست کمیود پتو و جراغ از مشکلات داده و یا از آنان بی‌خبرند، به خوبی علت جنگ را دیگری است که باید بر مشکل می‌دانند. آنها می‌دانند که این جنگ تحملی ناشی از مسافرخانه‌ها سیز لبریز از این جهان‌خوارگی امپریالیسم امریکاست که توسط رژیم اسلامی مهاجرین آواره است. حتی مرتاجع صدام‌حسین به عبث انقلاب ما را نشانه رفته است

آنها دستفروش کار هم باشند و هر رحای خالی مسافرخانه‌ها، پسر از مسافرخانه‌ها به شدت آلوده می‌شوند. در کار می‌خورد. در کار پیاده‌روها دهها و شاید صدها دستفروش کار هم باشند و هر رحای خالی فاصله ۲۰۰ متری تعدادی چای می‌خوردند و در کار چشم می‌خوردند. در کار پیاده‌روها دهها و شاید صدها دستفروش کار هم باشند و هر رحای خالی فاصله ۲۰۰ متری تعدادی چای می‌خوردند و در کار چشم می‌خوردند. در کار پیاده‌روها، آدم‌فروشها، تخم‌فروشها، سیگارفروشها و غیره دیده می‌شوند. حدود ۸۰ هزار نفر آواره جنگی به بهبهان آمدند و همین علت تمام مدارس شهر تعطیل شده تا عدماًی از این جنگزدگان را در کلان‌ها اسکان دهند. نیمه دیگر از آوارگان در ساختمان‌های نیمه تمام بیرون شهر جای گرفته و بجای سقف، روی این مخربه‌ها پلاستیک کشیده و در گوش اتفاقها "کر" کرده‌اند

* در فارس ۱۲۰ هزار

جنگ‌زده با گذشت سه ماه و نیم از جنگ هنوز با مشکل مسکن و تامین مواد غذائی روبرو هستند

نانوایی صفاتی طویل به چشم می‌خورد. در کار پیاده‌روها دهها و شاید صدها دستفروش کار هم باشند و هر رحای خالی فاصله ۲۰۰ متری تعدادی چای می‌خوردند و در کار پیاده‌روها، آدم‌فروشها، تخم‌فروشها، سیگارفروشها و غیره دیده می‌شوند. حدود ۸۰ هزار نفر آواره جنگی به بهبهان آمدند و همین علت تمام مدارس شهر تعطیل شده تا عدماًی از این جنگزدگان را در کلان‌ها اسکان دهند. نیمه دیگر از آوارگان در ساختمان‌های نیمه تمام بیرون شهر جای گرفته و بجای سقف، روی این مخربه‌ها پلاستیک کشیده و در گوش اتفاقها "کر" کرده‌اند

در بهبهان سیز مسافر-

خانه‌ها پر از مهاجرین جنگ-

زده است. در جلو زده است. در این محيط طاقت-

فرسا مبالغ سرما آوری بول

شدید است. اینهاست. توسعه ماد غذایی

دو سه بشقاب حلبي و کمی

لباس است...

مهم‌ترین مشکل ساکنین

خوابگاه‌ها وضع غذایی

آنهاست. توزیع مواد غذایی

به هیچوجه منظم و پابرجا نمی‌دانند

نیست. گاهی غذا توسط کیته

در برابر مشکلات در جسمای

داغدار یکاًیک این آوارگان

خیابان‌ها شلوغ و پر رفت و

آمد هستند. جلوی دکان‌های

زنگ‌زدگان و حتن

استانداری و بعضی مواقع هم



فقر و بیماری در سر برند بیداد می کند

کمپ ۸ که بین ماهشهر- سر برند واقع شده است متعلق به شرکت ایران - زاپن (۰۷۶۰۰۷۶۶) است. در این کمپ حدود ۱۵۰۰۰ نفر از آوارگان جنگی زندگی می کنند اینجا هم مثل جاهای دیگر فقر، بیماری و گرسگی بر سر ساکنان جنگزده سایه افکنده است. گرانی بیداد می کند و مانند کابوسی گلوبیز حکمت‌شان آواره و بی پول را به سختی می فشارد. ماست هر کیلو ۱۰۰ ریال، پنیر ۲۵۰ ریال، چای ۱۲۰۰ ریال، کفش و کبریت ۳ و ۴ برابر قیمت فروخته می شود.

به هر گوشه که نگاه می کنی، آب‌های راکدی دیده می شود که آنبوی از حشرات الولده که ساقل بیماری هستند روی آنها گردش می کنند. در اینجا مدرسه‌ای در کار نیست. بچه‌های شور اطراف اتفاقاً مشغول جمع آوری نک هستند تا با فروش آنها خردمهولی گیر آورند. در کمپ بیش از هر چیز کثیفی محل جلب نظر می کند. بشکه‌ها و سطل‌ها اینباشته از زباله‌اند و تمامی اطراف آنها آلوده و منعن است. بچه‌های کوچک در میان گل و لای زیالله‌ها مشغول بازی هستند در اکثر اتفاقهای پیش ساخته کمپ چیزی بیشتر از یک پتو، یک زیرانداز کهنه، یک دو کاسه و بشقاب دیده نمی شود. در این کمپ نه حمامی وجود دارد نه دکتری نه داروئی و نه هیچ امکان دیگری. اخیراً مسئولین کمپ پخاطر سدرگمی و ندام- کاری دست به کار زدند که تاسف و حیرت هر انسان آگاهی را بر می اینگرد. آنها به اصطلاح خودشان برای مجازات ساکنین کم که حاضر نبودند از آنجا به محل دیگری منتقل شوند، به مدت ده روز چیره غذای را روی آنها بستند.

چهره‌های زرد و رنگ پریده بجهه‌ها گواه مجازات و با بقول مسئولین کم محاصره اقتصادی آنها می باشد. با هر کس به صحبت می نشیستی با ناراحتی، بقیه در صفحه ۱۸

نمی خواهیم اما یک پتو می میرند" جمعیت ۳۵ هزار نفری ماهشهر با وجود آنکه عدد زیادی از مهاجرین آن در نقاط دیگر اسکان داده شده‌اند به بیش از ۱۱۰ هزار نفر بالغ شده است. وحشت‌کشتر از هر چیز وضع درمانگاه‌های آن است. تعداد مریضهای که به

* جنگزده‌گانی که به شهرهای اطراف مناطق جنگی مانند بیههان و ماہشهر و سر برند آمده‌اند برا بر جمعیت اصلی شهر هستند.

درمانگاه مراجعه می کنند به ۹ برابر رسیده است با این همه تهبا روزی ۵۰۰ نا ۵۰۰ نفر را می دستوری شود و بیماری شده درمان خواهد شد. بیمارهای که باید در بیمارستان‌ها بخوابند بطور سریع می عالجه می شوند و غذا برای مریضهای که باید بستری شوند، بسیار کم است. پر شکن کمیتمامداد و درمانگاهها می گویند: ... وقتی که تراکم جمعیت زیاد باشد، تعداد زیادی زیر یک نان به آنها نرسد... گاه اتفاق می افتند که در موقع تقسیم غذا نان تمام شده و

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) از آغاز جنگ تحملی با تمام توان و تلاش انقلابی خود جهت کمک به جنگزده‌گان اقدام نموده است و اگنون نیز کمک همراهانه و بی دریغ به آوارگان جنگی را وظیفه ملزم خود و تمامی هواداران سازمان می داند.

** در ساختمان‌های سقف بخوابند، بیماری‌های عفونی شایع می شود. ما باید هرچه زودتر دست به پیشگیری بیماری‌های عفونی بزنیم. الان بیماران عفونی و چشمی و ریوی خیلی زیاد

** در ساختمان‌های تمام ماهشهرزنه و بچه‌های عرب خوزستانی در این سقف بدون سقف و در اتاق‌های بیرون سقف و در آن میان گل و لای غذا، سرینه و تن پوش روز- شماری می کنند.

شده‌اند. محیط کثیف، مکس فراوان، زباله‌ها، کمود آب شستشوی کم، نبود حمام، بیماری‌ها را رواج داده است. و از این به بعد هم اگر وزارت بهداری چهارهای نیندیشد، گسترده‌تر خواهد شد."

برخوردار است. ارزاق، کالاهای اولیه زندگی مردم گه گاه تا چند برابر قیمت فروخته می شود. حلوی دکان‌های سانوایی به اندازه ۴۰۰ نفر و شاید هم بیشتر ایستاده‌اند جای دیگر در صفت تخم مرغ دهها نفر در انتظار ایستاده‌اند. حتی جلوی یک دکان که کشتهای پلاستیکی ارزان قیمت می فروشد رحمتکشان برا بر خردید یک کشتهای کفشهای که می توانیم یک کیلو برنج و ۲۵۰ گرم روغن بدھیم. آینه ایستاده‌اند. کشتهای که ۱۵ تا ۲۰ تومان قیمت دارد تا ۴۰ تومان فروخته می شود. قسمت قدیمی شهر (مشور) نظر گرفته شده است. زیست که از دروازه شهر هم شلوغ تر است. کنار پارک روی چمن ها در پیاده‌روها و همه و همچنان جنگزده‌گان نشسته‌اند و باز هم ابیوه دست‌تفرشان به چشم ای خود را می بینند. اینجا پنهان و نفره است می گفت: "ما با خودمان هیچ چیز نیاورده‌ایم. سه روز است که آذوقه‌مان تمام شده. شبها نی دانیم از سرما چکار کنیم.

بقیه از صفحه ۱۱

گرسنگی، سرما و بیماری ..

بیشتر خاکواده‌های ساکن این ساختمان‌های نیمه تمام رحمتکشان عرب خوزستانی هستند که نسبت به دیگران در وضع فلاکت‌بارتری قرار دارند.

تمام کلاس‌های مدارس پر از خانواده‌های جنگ زده است. در هر اتاق ده تا بیست نفر زندگی می کنند. در داخل حیاط چادرها همه خیس و پر از آب است. بارانی که چند روز پاریده به داخل چادرها نفوذ کرده است. خانواده‌های چادرشان را آب فرا گرفته،

بساطشان را به ایوان‌های مدرسه آورده، هر کدام با چادری، پلاستیکی، مقواستی دور خود حصار درست کرده و برای اینکه گرم شود، تنگ یکدیگر نشسته‌اند. در این میان گاه باد به زیر مقواها می زند و آنها را با خود می برد. مشکل کمود پتو و بود و سیله گرم کشته از مهم‌ترین مشکلات این رحمتکشان است.

در بیههان، شهر ۵۰ هزار نفری، جنگزده اسکان یافته‌اند. مواد غذائی سیار کم است از ارق عمومی که به وسیله اردوگاه‌های دیگر می بردند. در روتاهاشی این راه نیز همه جا آوارگان جنگزده دیده می شود. کامونه‌های یخچال‌دار حامل مواد غذائی می برسند. در حال رفت و آمد هستند. ما هشتر از مراکز پر رفت و آمد مسافرها و مینی بوسها است. مینی بوسها از راه که می رساند هنوز مسافرها را خالی نگرده عده‌ای دیگر را سوار کرده به شهرهای جنگزده و یا شهرها و اردوگاه‌های دیگر می بردند. کوین توزیع می شود، کفاف مردم را نمی دهد. شهر کشیف است. شهرداری زباله‌ها را جمع آوری نمی کند. بیش از هر چیز بیماری‌های مادام در رقت و آمد هستند. دروازه ما هشتر هم پر از خانه‌ها که فترین رختخوابها را به روی خود می کشند. در اینجا به خوبی می توان دید که چگونه رحمتکشان و در این میان سیگار، تخمه و ... شفوق شدن. خیابان‌های شهر هستند. خیابان‌های شهر مثل بازار مکاره شلوغ است. همچنان کودکان، جوانها و زنها و زنگاهی دیده می شوند که برای تهیه مایه باید آب آن را فرا می گیرد از دکانی به دکان دیگر خانواده‌های پر جمعیتی گاه با شده‌اند. بچه قد و نیم قد زندگی عجیبی شلوغ است. مردم می کنند. در طبقه دوم نیز بیزار فروشی‌ها و دکان‌هایی داشتن یک پتو محرومند. با آنها که صحبت می کنند می فروشد. بیزار سرمه‌داران و سودا- می گویند: "حتی یک پتو هم بازار سرمه‌داران و سودا- اجوان از رونق خاصی انداریم. ما جراغ علاء الدین

آوارگان در شوستر واژده

در شوستر و ایذه نیز وضع جنگزده‌گان بهتر از بیههان نیست. مسئولان ستاد کمک- رعایتی در این دو شهر از نارسائی‌ها و کمیودهای که بدربیزه در زمینه مواد غذائی

۲۶ دی، روز تجلی قدرت مردم، روز فرار شاه امریکائی گرامی باد



تبریز در جشن فرار شاه

خاطرهای گه در زیر می خوانید، توسط یکی از رفقاء ما از تبریز فرستاده شده است. همچنانه اطلاع دارید، "گار" چند هفته پیش از تمامی رفقاء و هواداران خواست که خاطراتی را که از قبیمانی های مردم و مبارزات آنان به یاد دارند برای بزرگداشت ۲۶ دی و بیویژه ۲۲ بهمن برای درج در گار برایمان ارسال دارند.

ما باز دیگر از تمامی رفقاء، دوستان و هواداران سازمان می خواهیم که خاطرات خود را از قبیمانی های خلق بد ویژه در روز ۲۶ بهمن ماه برایمان ارسال دارند.

رفقا می خواهند عکس ها، اسلاید و طرح های را که با الهام از قیام شکوهمند بهمن کشیده شده و در اختیار دارند، برای درج در گار ارسال دارند.

حالا نوبت سرمایه دارها است. بی پدر شدن. حقمان را از حلقوشان بیرون می کشیم. از بیچاره ای پدرمان درآمده، انشتاشان کج شده چشمها یمان سورشان را از دست داده اند تا این مفتخرها روز به روز پولدارتر شوند.

مردم هجوم می آورند و مجسمه سیار بزرگ برتری ساه را که در مدخل ورودی شهر در میدان رام آهن قرار دارد، به زیر می اندازند و با سیم بوکل به دیبال خود می کشند. تعدادی روی مجسمه سوارند. یکی فریاد می زند: بزید گنار، می خواهم گور به گور شده را آتش بزنم. و بلا فاصله مقداری فت روی مجسمه می بزید و آتش می زند. نفت می سورد و مجسمه در حالی که شعله های

بقیه در صفحه ۱۴

امروز دو سال از فرار شاه می گذرد. مردم پیکار بی امان علیه امپریالیسم را همچنان در دستور مقدم خود دارند.

شاه دست نشانده امریکا بود. در زمان او میلیون های دهقان ایرانی بی رمین و آواره شدند و به فقر و خانه خارجی گرفتار آمدند. شاه با نشانده امریکا بود. شاه زور سرینیزه زمین های را که متعلق به هفقاتان بود، از آنان پس گرفت و به شرکاء و اریان خود واگذارد. در زمان شاه، کشاورزی ایران ویران شده و کشور بیش از بیش در زمینه محصولات کشاورزی به امپریالیسم محتاج گردید. شاه دست نشانده امریکا بود. در زمان شاه صفت و بازرگانی ملی به ورثتگی و افلاس مبتلا شد. صفت و بازرگانی ملی می گویند عکس ها، اسلامی و طرح های را که با الهام از قیام شکوهمند بهمن کشیده شده و سازار داخلی از کالاهای انحصاری ارائه داده شد و در اختیار امپریالیستی ایجاد گردید.

شاه دست نشانده امریکا بود و با اشاعه فرهنگ و آموزش و پرورش امریکائی

زمینه رشد و شکوفایی فرهنگ این هم پالونش. مشهدی حسن که بک بالون کهنه را به دست گرفته و خانه های ترقیخواهانه را تا به نهایت بحدود سود. در زمان او هر اندیشه ترقیخواهانه به وحشانه ترین شکل سرکوب گردید.

شاه دست نشانده امریکا بود. او به کمک هزاران مستشار امریکائی، اروپایی و زاینی دستگاه عربیص و طویل اداری و ارش را سازمان داد که وظیفه آن سازماندهی غارت بود. او به سرمایه داران انتخیار امپریالیستی به بهای فقر و سیهروزی میلیارد ها تن در ایران و سراسر جهان به گردش خود ادامه دهد.

شاه دست نشانده امریکا بود و برای تامین منافع اتحادی اسارتیار در اختیار سرمایه داران انحصارگر امریکائی، اروپایی و زاینی گذاشت تا چرخ های اقتصاد امپریالیستی به بهای فقر و سیهروزی میلیارد ها تن در ایران و سراسر جهان به این اتحاد خود ادامه دهد.

باقیه در صفحه ۱۶

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود امامه خواهند داد

را گشت، شکنجه کرد و مردم را سرگوب نمود. یک عمر با هزاران رشته ما را به امریکا بسته بود و به دنبال خودش می‌گشید. حالا تاریخ عوض شده. بگذار او با خواری به دست مردم بر زمین گشیده شود و غارتگران عمرت گیرد و بلند داد می‌زند؛ یکشید، بگشید که روز بزرگی است امروز! به خانه می‌رسیم.

میدانگاهی محل و سر کوه پر است از جمعیت که که، که ایستاده‌اند و درباره فرار شاه، از اینکه اصلاً باید فرار شاه، ریشه هرچه سرمایه‌دار است کبده‌شود. از آمدن آیت الله خصمنی صحبت می‌کند و شام‌ماهه پای می‌کویند. همشان یا کارگر فرشاف هستند یا کارگر ساختمان و یا فروشنده‌گان دوره‌گرد. هنور کش از پادشاه و دادم که می‌بینم یک شال سیز از دیوار جلوی اطاق آویزان است. نگاه کنم می‌بینم مشهدی قادر همسایه بعلی است که شال آویزان کرده است، می‌خند و می‌گوید:

فلانی اصل عید زودتر رسیده‌است. نیاز ما را بیند بهشال.

می‌گوییم: چشم، چشم. اجازه بده، همین‌لان.

بلافاصله می‌دوم از بقال سرکوهه مقداری نقل و چند جفت جوراب بچگانه می‌خرم و روی یک صفحه کاغذ با خطدرشت می‌نویسم: بعد از شاه نوبت امریکاست این شعار نیاز تمامی مشهدی قادرهای رحمتکش و تمامی رحمتکشان جهان است.

(*) اشاره‌ای است به اینکه بعد از ۲۹ بهمن قیام تبریز دستگاههای تبلیغاتی شاه اعلام کردن که عاملین ۲۹ بهمن‌ماه از خارج کشور آمده بودند.



ظاهر می‌شوند. بی اختیار یاد روز ۲۹ بهمن می‌افتم، روز قیام تبریز. درست همین جا بود مرگ بسر شاه، بعد از شاه نوبت امریکاست. و مردم نیز تکرار می‌کند زمین زیر یای جمعیت می‌لرزد اشک شوق بر گونه بسیاری مردان و زنان جاری است. تعدادی از زنان سر کوچه‌ها نقل و گلاب می‌پاشند و برخی از شادی هق هق می‌زنند. از کشتار قم، از غارت امریکا از کشتار اتش، از مبارزات سایر حلقها، از انقلاب‌یون و از سازشکاران که می‌خواستند شاه سلطنت کند نه حکومت که پلیس سر رسید و دیوانه‌وار شروع به تیراندازی کرد. گلوله‌ای به پیشایی جوان نشست و او در حالیکه فریاد می‌زد: مرگ بر شاه به شهادت رسید. پسر ۱۶ ساله‌ای از پشت صندوق پست داد می‌زند: چنین خسته شدید؟ جماعت تبریز. اینها جواب می‌دهد: خسته! چرا خسته و خود کوکنلی را که به دست دارد، به طرف کاخ جوانان می‌اندازد. صحنه‌ها در یک لحظه جلوی چشم

باقیه از صفحه ۱۳

تبریز در جشن ۰۰۰

آتش از آن بالا می‌رود، به دنبال جمعیت کشیده می‌شود یکی سگ می‌زند و دیگری با چماق به سر و روی مجسمه می‌کشد. پیرمردی که چماقی بزرگ به دست دارد، با لاش زیاد راه بار می‌کند و فریاد می‌کشد: راه بده، راه بده! و با چماق، محکم به سر و روی مجسمه می‌کشد. می‌گوید: هان! که در رفته!

سرنگون شدی، فاتحی، آذربایجان! که در رفته، بآمدی، گشته، آن شیرزمان که در انقلاب بسیار شگفتگی‌ها آفریده، پیش می‌آید. در حالیکه اسپند دود می‌کند، می‌گوید:

قربان همه‌ثان برم. شما امروز آرزوی مرا برآورده گردید. شما انتقام خون پسرم را و برادرم را گرفتید. شما امروز انتقام ملت را از این شاه جنایتکار گرفتید. الهی که همه خوشخت باشید و ملتمن دیگر آن گذشته سیاه را نمیند و به آرزویش برسد. مرد جوانی فریاد می‌زند: مادر! شاه را به گور سپریدیم، اربابش امریکا را نیز به گور خواهیم سپرد. دعا کن که این وحدت ما حفظ شود و در سایه وحدت و همبستگی بتوانیم پدر امریکا را نیز درآوریم.

مرد دیگری فریاد می‌زند: بعد از شاه نوبت امریکاست خیابان از آنوه جمعیت پوشیده شده است. روز اسپاریها و تریلیها پر است از مردم. روی بسیاری از تریلیها مردم در حال رقصند سودی را دسته‌جمعی می‌خواند: شاه فراری شده، شاه بی چادر در رفت، شاه بی شلوار در رفت. شاه فراری شده، سرمایه‌دار بی‌پدر شده و همگی هورا می‌کشد. به میدان دانشسرایی روم میدان پوشیده از جمعیت است.

وحضی که مجسمه را در بر می‌گیرد، پر است از پیهای ضخیم زمستانی. اما اگر این پیه‌ها گله هم باشند، قادر نخواهد شد جلوه دار این مردم باشند. تعدادی خودشان را به حوض پوشیده از پیخ می‌اندازند در حالیکه از سرما می‌لرزند اما با هزار مکافات خود را

خواهی شدند! پدرسوخته تو خارجی بودی یا ما؟ (*) تو از امریکا مدد بودی یا ما؟ تو پول‌های مردم را غارت کردی و به جیب گشاد سرمایه‌داران

پدر! دلت خلی پرخون است؟

در حالیکه همچنان محکم

به سر و روی مجسمه می‌کشد،

می‌گوید: پرخون! دل کیست که از

این حیوان درده، از این

نوك امریکا پرخون نباشد؟

مگر تعدادی بی‌شرف -

که یار و همدم این

پدرسوخته بودند و جان و

مال مردم را غارت می‌کردند.

توهم اگر ۲۱ آذر توی همین

خیابان جوی‌های خون را

دیده بودی، غارت مردم و

پرپر شدن گلهای جوانشان

آن موقع می‌دانستی که گئنه

و نفرت یعنی چه. قلب

پرخون یعنی چه.

چماق را می‌دهد دست من

و می‌گوید:

خسته شدم. بزن، بزن

گور به گور شده را. نمی‌دانی

چه کار عظیمی این ملت کرده

است. بیش از امریکا و تمام

سرمایه‌دارها را به لرزه

دراند اخته. شوخی نیست،

شاه رفت! تمام روز زنده

خاطر همین روز زنده

مانده‌ام. روز بزرگی است.

روز بزرگی شد. بزن، بزن

گه در تاریخ ثبت خواهد شد.

امروز حتی مرده‌ها هم

خوشحالند.

یکی داد می‌زند:

هان! که حالا مردم تبریز

به بالای مجسمه می‌رسانند

و سیم بوکسل را به گردن

مجسمه می‌اندازند و کامیون

مجسمه را می‌کشد. مجسمه

سقوط می‌کند و مردم پای

تظاهرات سه شنبه ۲۳ دی ماه را تحریم می‌کنیم

۲۳ دیماه سال‌گرد بازگشایی دانشگاه‌ها را که یادآور مبارزات خونین دانشگاه‌های می‌بین می‌گیریم و بار دیگر بر لزوم بازگشایی هرچه سریع تر دانشگاه‌ها تأکید می‌کنیم. تعطیل دانشگاه‌ها به زبان انقلاب، به زبان مصالح توده‌ها و به سود لیبرالها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم است.

هم می‌بینان مبارز!

ما مراسم روز سه شنبه ۲۳ دیماه را که با حمایت لیبرالها و با بهره‌برداری آنها صورت می‌گیرد، تحریم می‌کنیم.

دانشجویان پیشگام دانشگاه‌ها
۲۲ دیماه ۱۳۵۹

دستان شاه امریکائی، دوستان سومایہ داران لیبرال

لیبی اعلام کرد.
سیاست‌های شاه مزدور
تبلور تمام عیار سیاست
امیرالیسم امریکا در منطقه
بود و بنابراین خصومت با
سرهواهی ضدامیرالیست و به
ویژه کمونیست‌ها و بیزگی عده
رژیم منفور شاه محسوس و
می‌شد. در این دوره تسام
اقدامات خائنانه‌ای که به
منظور تثبیت سلطه انحصارات
امیرالیستی بر مردم می‌بین
ما صورت می‌پذیرفت، تحت
پوشش عوام‌فریانه "خطر
کمونیسم" توجیه می‌شد. شاه
بیشترین دشمنی را بـ
انقلابیون کمونیست و کشورهای
سویاسیستی احساس می‌کرد.
اکنون نیز در رجایه مـ
لیبرال‌ها و هم‌بالکـ هایشان

به همان افسانه "خطر کمونیسم" توسل جسته‌اند. لیبرال‌ها و سایر طرفداران امپریالیسم از آنجا که دیگر توانانی دفاع آشکار از منافع امپریالیسم را ندارند، موزیانه می‌کوشند تا به بهانه "خطر شرق" افکار عمومی توده‌ها را از خطر واقعی که همانا امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم امریکا است، منحرف سازند. در این میان سجهانی‌های خیانت‌پیشه "رجچران" سبز به نلاش افتاده‌اند تا خط ارتضاعی خویش را برحق جلوه دهند. این رجاله‌های خود فروخته سیاسی می‌کوشند تا کشورهایی نظری انگلستان، فرانسه، آلمان غربی، هلند، بلژیک و ژاپن را تحت پوشش "جهان دوم" به عنوان دوستان خلق ما معرفی نمایند. ورکشتنگی سیاسی اینان کاملاً آشکار است زیرا



و همچنان که در اینجا مذکور شد، شاه دستور داده اندامه (پروردگار) بود
که درین شهر نیزه خانی، شاه سرتیکن شد، شاه دستور داده اندامه (پروردگار) بود
که درین و موارد عین داشتند. آنها چون می‌دانستند که شاهزادی خود مغلوب،
مغلوبخواست، خلی و سهیلی خواست، امتحان و می‌خرانی خواست و می‌خرانی خواست،
پس از آن که اینها با این ریاست، به این دارلی موکب مردم بر روی شمار شده
که این دارلی داشتند، پس از آن که این ریاست داشتند،

جمهوری اسلامی ایران
کرده بود. بطور کلی تمام
حکومت‌های ارتقاگذاری جهان
به "دوسن" وفادار شاه
تبدیل شدند. از امریکای
جنوبیکار گرفته تا اروپا و
ژاپن، از اندونزی گرفته تا
مصر و سودان و امثالشان همه
و همه نزد یکترین روابط را
با رژیم شاه برقرار کردند.
از سوی دیگر حکومت شاه
دشمنی با تمام رژیم‌های
مترقبی و ضدامیرالیست و
همه سیروهای انقلابی را رکن
ساسی می‌ساختهای خوبی

خسته و کوفته کرد،
امور برسد؟) درجه ۲

لقد رهرا، دزدها، فاجا جیان آمده اند
مور و صنعت شد ماند. مکنی کشید
دله استهانی رسید
پنهانی بد روز طبل از هسته سرخ
دولت طاطمی از هماری را در سرگار آورد
امسی بنو آند هویق شود
است، همکش می کنم»
کرکبند کاردستان امیر بالسم کشید
وی شود، ایس اس طلب امسی
درین مهدی نای، ایکار

سرکوب رزمندگان بجهت
آزادیبخش طفای برداخت
بدین ترتیب حکوم
دیکتاتوری و امریکائی شاه
عامل هویری در حفظ مناطق
امپریالیسم در منطقه تبدیل
شد. دوستان و هم‌سپاهان
شاه در منطقه را رژیم هد
فاسد و مرتعنی همچو
غربستان سعودی، ارد
هاشمی، ترکیه، پاکستان
شیخ‌شین‌های خلیج فار
تشکیل می‌دادند. علاوه
آن شاه مزدور نزدیکتر
روابط پنهانی را نیز با روی
و به سلطان

ایران و واستگی‌های عظیمی سیاسی، نظامی و اقتصادی که امریکا بسیار شد که نقش زاندارمی منتظر بود. این پیمان خارج شد و از آن پس پیمان مربوط به نام "سنتو" نامگذاری گردید. هدف آشکار پیمان سنتو تقویت ارتعاج امیریالیستی و سرکوب مبارزات رهائی - بخش خلق‌های منطقه بود. رژیم دیکتاتوری و امریکائی شاه در ادامه این سیاست، در سال ۱۳۳۷ یک قرارداد نظامی دوچانبه با امریکا

مهدی بازگان می گوید:

((ا) علیحضرت پادر دست گرفتن امور خود را خسته و کوفته کرد، ۵
یک نفر چقدر وقت پیدا می کند که به همه امور برسد؟)) درست

بازرگان گودنشین‌ها، زاغه‌نشین‌ها و ساکنین حلبی آباد‌ها را
قلدر و دزد و قاچاقچی می‌نامد.

کودتای سنگین ۲۸ مرداد ۱۳۴۴ که توسط سازمان جاسوسی سیا و تحت پوشش "نجات ایران از خطر کونویس" صورت پذیرفت، به سرنگویی حکومت ملی دکتر مصدق و استقرار مجدد رژیم دستنشانده شاه منجر گردید. شاه جنایتکار بلاfacله به سرکوب نیروهای انقلابی و تحکیم سلطه انحصارات نفتی و نظامی در میهن ما پرداخت و در زمینه سیاست خارجی نیز با تعیت از سیاست جنگ سرد امریکا، به "پیمان بغداد" پیوست. پیمان بعداد به ابتکار امپریالیسم امریکا و انگلستان و با عضویت رژیم‌های ارتقایی و ضد مردمی آن زمان: عراق، ترکیه، پاکستان و ایران انعقاد یافت. پس از کودتای ضدامپریالیستی عبدالکریم قاسم در عراق، عراق از این پیمان خارج شد و از آن پس پیمان مذبور به نام "سنتو" نامگذاری گردید. هدف آشکار پیمان سنتو تقویت ارتقای امپریالیستی و سرکوب مبارزات رهایی - بخش خلق‌های منطقه بود. رژیم دیکتاتوری و امریکائی شاه در ادامه این سیاست، در سال ۱۳۴۷ یک فرارداد نظامی دوجانبه با امریکا منعقد ساخت. دولت امریکا با اعزام کارشناسان سظامی و اعطای وام‌های سنگین، به تقویت ارتش ضدخلیفی شاه پرداخت و آن را به چهاری برای سرکوب توده‌های مبارز ایران و منطقه تبدیل ساخت. روابط ایران با حکومت‌های امپریالیستی و دستنشاندگان آنها روز به روز گستردۀتر می‌شد. امپریالیسم امریکا پس از شکست مقتضانه‌اش در جنگ ویتنام، استراتژی جدیدی را در پیش گرفت که به نام "دکترین نیکسون" مشهور شد بر طبق دکترین نیکسون، مثلاً امور آسیائی‌ها می‌باشندی به خود آسیائی‌ها سیرده شود و بدین ترتیب امریکا دخالت مستقیم خود را جایگزین دخالت غیرمستقیم می‌نمود. بر اساس این استراتژی جدید اور منطقه خلیج فارس نیز می‌باشندی توسط دست - دشاندگان محلی امریکا حل و فصل گردد. ویزگی‌های خاص

بقیه از صفحه ۱۳

۲۶ دی، روز تجلی

امپریالیسم امریکا وارد آورده است، انقلاب تعمیق می‌یابد و شبیازی ایاشت که غرب‌مایر و نیروهای مورد حمایت این امپریالیسم که در اس آن لیبرال‌ها قرار دارند هر اسان را با شکنجه‌گاههای برای قریزی گرفتند. بهترین قریزدان خلق ساخت. در زمان او ستم ملی به نهایت درجه رسید. مردم از ابتدای ترین حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی محروم شدند. زمان شاه، زمان اختناق، زمان ترس و نکت ساواک و رمان دم فروپستهای بی‌حساب بود و ...

* لیبرال‌ها که در آستانه قیام با شعار "قانون اساسی" و "سلطنت شاه" به میدان آمدند، امروز نیز برای توقف انقلاب به آب و آتش می‌زنند.

ادامه می‌دهند. آنها برای توقف انقلاب به آب و آتش می‌زنند. اما انقلاب به نیروی خروشان خلق به پیش می‌تازد. مردم سختی‌ها و دشواری‌ها را برای تحکیم استقلال و آزادی تحمل می‌کنند زیرا می‌دانند فردا روشنی و خرمی و شادی‌های بی‌حساب در انتظار آنان است.

انقلابیون واقعی با انتقاد از جمهوری اسلامی در زمینه تردیدها و تزلزلهای که در پیشرفت انقلاب از خود نشان می‌دهند، پاً انتقاد از ناتوانی جمهوری اسلامی در تشخیص دوستان و دشمنان انقلاب وی اعتنای آنان به حقوق دمکراتیک مردم و رود دمکراتیزه کردن حیات سیاسی و اجتماعی جامعه با انتقاد از بی‌توجهی شکننده دولت نسبت به حقوق ملی خلق کرد و دیگر خلق‌های که از ستم ملی رنگ می‌برند با استواری و پایمردی در مبارزه با توطئه‌ها و تجاوزات امپریالیسم لمعرفی و متحداً داخلی و خارجی آن انقلاب را تعمیق می‌بخشند و در راه ارتقاء آگاهی و تشکل طبقه کارگر و زحمتکمان می‌مین قاطعه‌به به پیش می‌تازند تا انقلاب راه پیروزی را هموارتر بی‌مایند تا استقلال، کار، مسکن و آزادی به تمامی فرآینگ آید.

بقیه از صفحه ۱۵

دستان شاه امریکائی، ...

آن را از عروسک‌های خیمه- شبیازی ایاشت که غرب‌مایر و مطبی فرامی‌سن او و اربابانش بودند. زندان‌ها بریا داشت و ساواک جهنه‌ی را با شکنجه‌گاههای برای قریزدان خلق ساخت. در زمان از همان آغاز سرنگونی شاه از همان آغاز مورد حمایت و پشتیبانی کلیه سیروهای هوادار استقلال و آزادی خلق‌ها و رهایی زحمتکشان قرار گرفت. حمایت لیبرال‌ها و متحداشان

که امروزه کمتر کسی است که از جایات استعمارگرانه کشورهای اروپا و زاین بی‌اطلاع باشد. هنوز خاطره اقدامات وحشیانه فرانسه در الجزایر در بادها زنده است. و هنوز توطئه‌های استعمارگران بلژیکی بر ضد رژیم لومومبا در کنگو فراموش شده‌است. لیبرال‌ها و متحداشان



دریغ لیبی، سازمان ازادی‌بخش فلسطین و کشورهای سوسیالیستی و دول ضد مبارزات و انقلاب شاه تنهای از پشت‌واهین‌المللی مستحکمی برای خواهان آند که ایران ایجاد کرده است. سریعاً به سمت غرب، بد اکتوبر سرمایه‌داران لیبرال می‌کوشند بین انقلاب ما و دوستان بین‌المللی اش هرچه بیشتر فاصله بیاندازند. لیکن مردم ایران و نیروهای ضد امپریالیست، ترقیخواه و انقلابی می‌باشند اگاهتر از همیشه مشترک رسوای لیبرال‌ها را بازخواهند کرد و اینکون به حمایت از لیبرال‌ها می‌پردازد. اکتون دیگر به خوبی آشکار شده است که دوستان لیبرال‌ها در سطح منطقه و جهان را همان دوستان شاه حمله گرفتند. آنها حکومت‌های ارتقای پاکستان و ترکیه و عربستان و شیوخ دستانه شاه از فارس را دست‌خواهی از منطقه می‌دانند و همواره از گسترش روابط دوستی با امپریالیسم اروپا و زاین صحبت می‌کنند. اما از زدیکی جمهوری اسلامی به کشورهای ایجادیاری، و ضد امپریالیست در سراسر جهان، مبارزات رهایی‌بخش آورده‌اند، اجازه نمی‌دهند تا سرمایه‌داران لیبرال آنان را بفریبنند. طبقه کارگر جهانی و هر

بقیه از صفحه ۱۲

گرسنگی، سرما و ۰۰۰

را بر عهده دارند که این خود کلاف سردرگم و پیچیده‌ای را به وجود آورده است. دولت باید قبل از هر چیز تمامی ارگان‌های کمک‌رسانی را در یک تشکیلات واحد سراسری سازمان دهد.

۲- این تشکیلات واحد سراسری به کمک واحدهای خود در مرکز آوارگان و همیاری مردم پلا فاصله آمار جنگزدگان را تهیه و نیازهای میرم را برآورد و تامین نماید.

۳- مسافت‌خانها و هتل‌ها و مجتماعهای آوارگان از ابتدای ترین نیازهای زندگی محروم‌می‌شوند. گرسنگی، سرما و شود.

۴- کمک‌های مردم و امکانات موجود زیر نظر

تشکیلات سراسری جمع‌آوری شده و متناسب با آمار موجود

بین اردوگاه‌ها تامین شود.

۵- مستولیت اداره اردوگاه‌ها بایستی به خود

نمایندگان جنگزدگان و اگذار

شود و از تمام سیروی آوارگان

برای اداره امور شان استفاده

شود.

۶- شهربداری‌های منطقه با کمک خود اهالی اردوگاه‌ها، نظافت، گندزاری و میاره نیازهای انسان‌خانه‌ها را هرچه زودتر به انجام رسانند. در ضمن

واکسیناسیون و پیشگیری از

امراض مسری و عفونی یکی

از وظایف میرمی است که باید

به آن توجه شود.

۷- علاوه بر اقدامات فوق باید نیروی گار جوانان و افراد متخصص و غیرمتخصص برای امور اردوگاه‌ها و برای بازسازی روستاهای، جاده‌سازی پل‌سازی و غیره به کار گرفته شود. باید در نزدیکی اردوگاه‌ها کارگاه‌های تولیدی کوچک از قبیل بافتگی،

صنایع دستی، دوزنده‌ی و

... به وجود آورد.

وظیفه تمام نهادهای

انقلابی و هر فرد می‌بین

پرسنی است که به یاری

آوارگان بستابد و کمک‌های

مادی و معنوی خود را با

همکاری با ستادهای کمک

رسانی هماهنگ سازد. در

این زمینه دولت بیشترین

وظیفه را بر عهده دارد.

نارضایتی بیش از حد خود را از این وضع ابراز می‌دارد. اما مسئولیت امور غیرمسئولانه و سایی تفاوتی می‌گویند: بروید چیرفت، داراب ... چه باید کرد؟

آنچه در بالا گفته شد، گوشای از مصائب آوارگان جنگزده بود. علیرغم کوشش‌های سهادهای انقلابی و کمک‌های بی‌دریغ حمکشان سراسر ایران، همچنان اکثر مهاجرین آوارگان از ابتدای ترین نیازهای زندگی محروم‌می‌شوند. گرسنگی، سرما و شود.

رنجدیده را بد سختی تهدید می‌کند و این در حالی است که بیشترین بار صدمات جانی و مالی جنگ بر دوش این زحمکشان است. امروز مشکل بیش از یک میلیون بی‌خانمان جنگزده یکی از دشواری‌های عظیم انقلاب ما را تشکیل می‌دهد و به صورت یکی از مهم‌ترین سائل پشت جبهه مدل شده است. این وظیفه هر میهن پرست و تمامی نیروهای انقلابی و ترقیخواه و سیز دولت جمهوری اسلامی است که با درک اهمیت این امر مهم به وظایف انقلابی خویش عمل کند. همه باید به یاری هموطنان بی‌خانمان خود بستاییم و دولت نیز با برنامه‌ریزی و هماهنگ - سازی تمام ارگان‌ها، رسدگی قطعی به آوارگان را در ردیف یکی از وظایف میرمی است که باید به آن توجه شود.

۸- علاوه بر اقدامات فوق به انتقاد مارسیدگی به مسئله آوارگان و رفع سیاستهای حیاتی آنان امری ممکن و شدنی است و توجه به موارد ذیل می‌تواند راه حلی برای رفع نارسائی‌های صدها هزار آواره جنگی باشد:

۹- اساسی ترین نارسائی‌ها ناهمانه‌ی ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلابی مربوط به کمک‌رسانی و رسیدگی به آوارگان است. هم اکنون مسئولیت گروهی از جنگزدگان به عهده کمیته‌های دولتی و گروهی دیگر به کمک پیش‌اداره می‌شوند و ستاد امداد امام، ستاد امداد استانداری‌ها، هلال احمر و غیره نیز رسیدگی به آوارگان

و نهادهای همچنان که ایشان را این طریق تجارت

دشمنی لباسچی و همه تجار سرمایه دار با پیشرفت انقلاب

امپریالیست‌های امریکای اروپائی و زبانی می‌توانند همچنان محترم باقی بمانند و اکنون که خلق ما مصمم است زنجیرهای وابستگی را پاره بزرگ مبارزه پرشکوهش را با کند و علیرغم خواست تجار

امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیست‌های امریکا ادامه می‌دهد، چه راهی برای لباسچی و شرکاً جز توطئه اعلیه انقلاب باقی می‌ماند.

آنها مدبوحانه تنلا می‌کنند تا شاید چرخهای سهمگین انقلاب را متوقف کنند و ظلم گذشته خون مردم

غارنگره آنها را به آنها امکان دهد تا بشناسد تا واردات مردم را در اختیار خود بگیرند، در اینبارهای خودتلخیار کنند و

دوباره برقرار سازند. آنها قیمتی دلخواه خود به مردم عرضه کنند. دولتی که این آفایان هوادار آنند در

بهترین حالت ترکیبی است نظیر دولت سازشکار یازگان و "سلمانان متهد" مورد نظر لباسچی، موجوداتی هستند نظیر سنگاری و سلامتیان!

تجار و محتکران بازار سرمایه دار یاری آوردن چنین دولت "مسلمان و متهد" باید لباسچی را فعلاً جلو

انداخته‌اند. آنها لباسچی را اقدامی دست زند. انقلابی که نخواهد درجا بزند و با مضمون باشد تا راه بر پیچ و

علیه انقلاب مردم ما به هر کند، باید افشارگری باید با اقدامات انقلابی درجهت خلیع بد از تجار سرمایه دار همراه باشد. تجارت

سلمانی ها، قطبزاده و شرکاء، هدایت یازگان و شرکاء، قطبزاده و دار و دستهاش کند، باید مقاومت مرتجلانه این انگل‌های جامعه را با قاطعیت درهم بکوید.

باید گنداب، خشک شود تا دستمالچی خلق مسلمانی و لباسچی جمهوری نتوانند در مقابل پیشروی انقلاب کارشکی کنند. این بعده نیروهای ترقیخواه جمهمی کوید.

اسلامی، دولت و مجلس است که هرچه زیرین آن را برای آنها درست نگرفت و مستشان برای مردم باز شد، اما م وجودیت این قشر از سرمایه داری ایران که اتفاقاً پس از انقلاب فربت تیر

که سنگابی سردمداری آن را شده‌است و منافع اساسی آن دارد، مصمم‌اند بیش از پیش راه را برای سلطه سیاسی امپریالیسم هموار سازند.

لباسچی در اطلاعیه خود جز تکرار حرفهای دستمالچی چیزی نمی‌گوید. وحشت هر دو از پیشروی انقلاب مردم ایران سر تسلیم فرود آورد. قانون انقلاب حکم می‌کند که تجار سرمایه -

امپریالیستی مردم نهادهای سودی در بریدار که تعمیق انقلاب به وحشت تجار محترمی! اند که تنها از طریق تجارت

آخرین تهاجم علنی و آشکار تجار سرمایه دار علیه اهداف استقلال طلبانه مردم رحمتمند ایران، با صدور اطلاعهای توسعه تاجر بزرگ

تهران: حاج قاسم لباسچی جنبه رسمی به خود گرفت.

لباسچی در اطلاعه خود با واقعیت که خاص یک تاجر سرمایه دار است، به سیاست دیگر تجار سرمایه دار و محتکران مقتخور بازار به

مخالفت با انقلاب و خط امام برخاسته است. او در

اطلاعه خود از دولت خواسته است که "هر چه زودتر" کار رو د و "راه را برای اسلامان متهد"

باز کند. انتشار این اطلاعه با حروف درشت در نشریه بدانیم لباسچی در آرزوی روی کار آمدن چه دولتی به چای داده کنونی است.

این مسئله از آغاز روش بود که جبهه‌گیری تجار سرمایه داری را می‌تواند ختم

شود. درست است که بین خلق مسلمانی‌ها، قطبزاده و تجار گردان گلفت بازار در آن روز نگرفت و مستشان

برای مردم باز شد، اما م وجودیت این قشر از سرمایه داری ایران که اتفاقاً پس از انقلاب فربت تیر

که شده‌است و منافع اساسی آن در ادامه و تحکیم روابط غارنگره اداره اقتصادی و بهویشه بازگانی با امپریالیسم امریکا

و اروپا و زاین است، جدی تر و قادرمند تر از آن است که بهسادگی در برابر پیشروت

انقلاب مردم ایران سر تسلیم فرود آورد. قانون انقلاب

حکم می‌کند که تجار سرمایه - دار بازار که از پیشروی و تعمیق انقلاب به وحشت

افتاده‌اند، به اشکال‌گوناگون سربازند و ضدیلت و دشمنی‌شان را با اهداف



خبرگردستان



وارد آمد. خشم خلق قهرمان کرد بهویژه زحمتکشان روستاهای کردنشین بیش از پیش از این حرکات سکوگرانه و کور آفزویدهتر می شود.

در تاریخ ۲ دی تعداد زیادی از مردم سردشت در تشییع جنازه ناصرسیمی که

روز قبل بر اثر تیراندازی هلی کوپرهای اسلامی به شهادت رسیده بود، شرکت کردند. فرماندار بخارط برگزاری این مراسم مردم را شدیداً مورد توبیخ و حمله قرار داد از جانب دیگر در اثر اصابت توپ افراد قاسملو به محله آشان یک دختر جوان و یک کودک به شهادت رسیدند. در ادامه درگیری های سردشت در تاریخ ۸ دی ماه نیروهای ارشت و سپاه پاسداران تهه مهم روپروری ملاشیخ حیدر را به تصرف درآورده اند. در اطراف این تهه درگیری های شدیدی جریان داشته است.

آنچه که در این میان و به واسطه درگیری های ارتقای اسلامی و افراد قاسملو پایمال می شود، دسترنج مردم زحمتکش کردستان است.

نقد

بعد از شکایتی که علیه ملاحسنی به مسئولین امور شکایت این رهایی را از این میان و به این روش رهایی زحمتکشان چشم دوخته اند

تهران احضار شد. موارد از روستاییان زحمتکش

* هدیه روستایی زحمتکش قلی باف کرد از روستای نوبار به سازمان خود که در راه منافع واقعی زحمتکشان کردستان و خلق کرد پیغایرانه مبارزه می کند. بی اعتمای جمهوری اسلامی ایران به حقوق ملی خلق کرد تا بحال این زحمتکشان را از انقلاب و دستاوردهای آن دور نگاه داشته است ولی آنان خستگی ناپذیر و پر امید به آینده روش رهایی زحمتکشان چشم دوخته اند

کردستان و ایجاد فجایعی

نماینده ایندراگاش می باشد که مدارک آن از جانب سپاه پاسداران و سایر نهادهای انتقامی قبلاً به تهران فرستاده شده بود. ولی گویا ملاحسنی با استفاده از پیشتبانی برجی عناصربانفوذ توانسته است خود را تبرئه شود و مجدداً به ارومیه برگرداند. در فاصله غیبت ملاحسنی از رومیه ایادی وی ملحوظی از این رفتار نداشتند و ایجاد ناامنی در اطراف ارومیه چنین و آنود مازنده که گفتارش درگیری ها و ناامنی به واسطه عدم حضور ملاحسنی در منطقه است.

بدین ترتیب آنها تلاش دارند زمینه فجایع جدیدی را در منطقه فراهم آورند. مردم مستبدیه کردستان خشمگین از وحشیگری ها و سروکبهای ملاحسنی و مزجر بقیه در صفحه ۲۰

قاسملو را در کردستان قوت

بخشیده است. اما حقایق نشان می دهد که در شرایط موجود آنکان تصرف مجدد شهرها برای آنها وجود ندارد و این شایعه با هدف ایجاد یک جنگ تبلیغاتی و روای منتشر گردیده است. دست

افراد قاسملو به محله آشان

زدن به چنین حرکتی از نظر

سیاسی و نظامی باشت شکست

هرچه مفتضحانهتر آنها

ادامه درگیری های سردشت

در تاریخ ۸ دی ماه نیروهای

ارتش و سپاه پاسداران تهه

مهم روپروری ملاشیخ حیدر را

به تصرف درآورده اند.

اطراف این تهه درگیری های

شدیدی جریان داشته است.

آنچه که در این میان و به

واسطه درگیری های ارتقای

جمهوری اسلامی و افراد

قاسملو پایمال می شود،

دسترنج مردم زحمتکش

کردستان است.

سردشت

پس از درگیری های اخیر میان سپاه پاسداران و افراد قاسملو در منطقه میاندوآب او اوضاع همچنان متوجه است و درگیری های به صورت پراکنده ادامه یافته است. بر اثر این درگیری های تعدادی از روستاهای از سکنه تخلیه شده و خصوصی میان کرد و همین رابطه اکثر کردهای مقیم میاندوآب و تعداد زیادی از سافرینی که عازم مهاباد بوده اند، توسط پاسداران بازداشت شدند.

در شهر بوکان تفنگچی های شیخ جلال حسینی با موافق دار و دسته قاسملو اقدام به بازگردان دفتر علی نمودند در تاریخ ۵ دی ۱۳۵۹ در جریان برگزاري میانگونه کومندله عنوان شکستن محاصره شهر، مناطق اطراف سردشت را مورد حمله قرار می دهد که اکثراً آماج این حملات، مناطق روستایی است. در بمباران "روستاهای ورگل، هملو" و "راغان" تعدادی از روستاییان زحمتکش به شهادت رسیدند و خسارات مالی فراوان به این روستاهای پاکنده است. بدین ترتیب سلاح چند نفر از کومندهای دسته قاسملو مبنی بر عدم حق دخالت سایر گروه ها در امور اجرایی کردستان اینکونه درگیری های افزایش پاکنده است. بدین ترتیب سایر گروه های منحصراً آثارشیست فقط با اجازه قاسملو حق حضور در منطقه را پاکنده و هرگونه دخالت آنها در امور اجرایی از جانب آنها با سرکوب مواجه می گردد که اینکه در تاریخ ۳۰ آذر یک دسته از افراد سلحشور اینکه به پیکار که در جاده مهاباد، میاندوآب به بازرسی اتومبیل ها پرداخته بودند، توسط افراد قاسملو خلع سلاح شدند.

در تاریخ ۱۳ دی مجسمه نیمته قاضی محمد توسط افراد قاسملو به بوکان حمل و این غارتگران را به خاک مالییندند و آنکون خوش نشینان و دهقانان فقیر روستاهای اینبار و داشبند "دشند" در جانب ذار و دسته

مسابقات انتقامی روستاییان بوکان علیه زمینداران بزرگ

شده روستای انبار را بازیسی پیگیرند. در روستای انبار تهدید مسلحانه افراد قاسملو مانع از آن گردید که عصب شده را بازیسی گرفتند در این میان دار و دسته زمین های سکونتگاه توسط دهقانان زحمتکش مصادره شدند. پیروزی زحمتکشان انبار روستاهای انبار و داشبند در مصادره اراضی بزرگ مالکان منطقه در وضعیت کنونی کردستان بیرون شد کی از دستورهای ارزشمند ترین دستاوردهای این روز است. زحمتکش روسنا در دفاع از اراضی روستایی داشبند و قسمت اعظم زمین های غصب

مسابقات روستاییان بوکان بهویژه خوش نشینان و دهقانان شوراهای دهقانی زمین های قفسی علیه زمینداران بزرگ و سلطنت طلب منطقه بعد از در این میان دار و دسته پیروزی انتقام، ابعاد اینکه اینکه در تاریخ ۳۰ آذر یک دسته از افراد سلحشور اینکه به پیکار که در جاده مهاباد، میاندوآب به بازرسی اتومبیل ها پرداخته بودند، توسط افراد قاسملو خلع سلاح شدند. در تاریخ ۱۳ دی مجسمه نیمته قاضی محمد توسط افراد قاسملو به بوکان حمل و این غارتگران را به خاک مالییندند و آنکون خوش نشینان و دهقانان فقیر روستاهای اینبار و داشبند "دشند" در میانه زمینداران بزرگ منطقه، یوزه در محل اتحادیه جوانان نگهداری می شود. حمل این مجسمه شایعه اعلام خود

بکوهشیم قاباً استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

بقیه از صفحه ۱۲

راه نجات» یا ۰۰۰

نخواهند داد این ریاخواران و شرخراها از گلوی رحمتکشان قطع گردد و کسانی که می‌خواهند به وسعت و کثرت سراها و تیمجه های تجار محترم وجود آورد. خلخ آگاه و همه نیروهای ضد امیر پالیسیت منجمله گروه اولی که میزان می‌کوشد با آنها به تفاهم بررس، اجازه نخواهند داد لیبرال‌ها با نیروهای پیشنهادهای "راه" چنین پیشنهادهای "راه" امام از یک سو و خود و شرکایشان از سوی دیگر پیشنهاد می‌کند. آنها "راه" استیلای مجده امیریالیسم امریکا، "راه" از دست رفتن استقلال و دمکراسی، "راه" بازگشت دیکتاتوری و محبو دستاوردهای انقلاب، "راه" لیبرال‌ها، "راه" ای که در خطر نابودی است، با شبکات و توطئه‌های شریه‌های نظری میزان از چنگ توانی انقلاب نجات یابد.

کند تا راه برای عوام فریبی آنها هرچه بیشتر باز شده و بنوانند با تبلیغات مسموم خود مرز میان دولستان و دشمنان مردم را در ذهن بخش‌های ناآگاه مردم مخدوش نموده و تبلیغات سو خود را بیشتر کارساز کنند. سیاست‌های مدیریت شرکت، به خاطر آنکه پیکری لازم را در دفاع از منافع کارگران نداشته و در تصمیم‌گیری‌های خود به ضرورت شورش برآید، کارگران و تخصصی بکشاند شرکت، توجه نکرده است و همین خود باعث موضع گیری کارگران حتی در مقابله تصمیمات درست او (او) دو شیوه کردن کار و یا علت اخراج رازانی و غیره شده، بیش از هرجیز ضرورت هشیاری کارگران را در این شرایط حساس طرح می‌کنیم. کارگران تن از مردم را که از تفاهم بررسد. این میز جز یک خواب و خیال توشه‌آمیز و عوام فریباد لیبرالی نیست مردم ایران چهارچشمی ناطر ندهند تا ضدانقلاب بتوانند در شرکت واحد توطئه‌های کشیش را به ثمر رسانند.

شريط را جهت بازگشت تعداد زیادی از جوانان و دیگر مردم به شهر فراهم آورد. پس از این سخنرانی سپاه پاسداران در هفت‌بعد از برگزاری نمازجمعه توسط حسامی جلوگیری نمود. این عمل سپاه پاسداران ناراضیتی مردم را برانگخته و باعث تقویت وضع روحانی مرتع احمد مفتی‌زاده در میان مردم گردیده‌است، در ستاره اخیراً تعدادی از افراد قاسملو و کومله خود را به پادگان تسلیم کردند.

سرگرد ضدانقلابی کریم علیار در منطقه دیواندره رشد خان اقبالی از فقدالهای معروف توسط پاسداران دستگیر و تحويل دادگاه انقلاب سندج شده است. ادامه محاصره اقتصادی روستاهای کامیاران باعث گردیده که مردم این روستاهای دستگیر شده باشند. این اتفاقات به اصطلاح پیشمرگان مسلمان خلق کرد مورد انجاز شدید خلق قهرمان کرد ایام حجه مندرج در بیکی از خطبهای نماز جمعه با تشریح اوضاع موجود میان کرد سیاست دولت را در مورد کردستان مورد انتقاد قرار داد. وی در قصتی از این اتفاقات مسئولین جمهوری اسلامی در برابر زحمتکشان سخنانش از دولت خواسته است که با اعلام غفو عمومی و گرد و تمامی مردم ایران باید

باقیه از صفحه ۱۹

خبرگردستان ۰۰۰

با سخنگوی این جنایات باشند. در حق مردم بی‌دفاع دار و دسته ضدانقلابی عظیم محدودی جهت به تعطیل کشانیدن مدارس نقده تحت عنوان کمبود نفت تلاش‌های ایجاد صافکن‌های امیریالیسم (لیبرال‌ها) را در این تفاهم بررسد. این میز جز یک خواب و خیال توشه‌آمیز و عوام فریباد لیبرالی نیست مردم ایران چهارچشمی ناطر ندهند تا ضدانقلاب بتوانند در شرکت واحد توطئه‌های کشیش را به ثمر رسانند.

از جنگ‌افروزی‌ها و جنایاتی در روزهای اخیر از جانب اینند که هرچه رودت را که پرونده جنایات وی رسیدگی کشانیدن مدارس نقده تحت عنوان مبارزه با تلاش‌های ایجاد صافکن‌های ایام حجه با توجه نسبت ملحوظ سروش نگذارند. هدف‌شهریور و جمعی از مصلحتی افشاء گشت. منجر به شهادت ۴۶ تن از روستاچیان زحمتکش گردید.

سندج و سقز

در بی‌اقدام متوجه سپاه پاسداران سندج چهت محدود کردن و گشتن پیشمرگان سلمان کرد تمام احکامی که از طریق سپاه پاسداران پیشمرگان مسلمان گرد صادر شده بود، ملغی گردید. شکایت شدند و هیچ بروندۀ ای از این احکامی که از جانب تشکیلات پیشمرگان مسلمان گرد صادر شده بودند و هیچ بروندۀ ای از این احکامی که از جانب تشکیلات پیشمرگان مسلمان گرد صادر شده بودند، ملغی گردید.

در سندج و سقز شکایت شدند، بدون محاکمه تیرباران کرد و علیغم شکایت سازمان، مسئولین امر رفقاً: متصور خسروی (محصل) و فخری شیدائی (علم) را که از طریق سپاه پاسداران پیشمرگان کرد شده بودند و هیچ بروندۀ ای از این احکامی که از جانب تشکیلات پیشمرگان مسلمان گرد صادر شده بودند، ملغی گردید.

پیشمرگان مسلمان خلق کرد مورد انجاز شدید خلق قهرمان کرد ایام حجه مندرج در بیکی از خطبهای نماز جمعه با تشریح جز تشدید خصوصی میان کرد سیاست دولت را در مورد کردستان مورد انتقاد قرار داد. وی در قصتی از این اتفاقات مسئولین جمهوری اسلامی در برابر زحمتکشان سخنانش از دولت خواسته است که با اعلام غفو عمومی و گرد و تمامی مردم ایران باید

هر گ ب رو امپریالیسم جهانی به سر کردگی امپریالیسم امریکا

باقیه از صفحه ۱۷
کارگران مبارز شرکت واحد: با هشیاری انقلابی ۰۰۰

نهادهای دولتی و عدم اقدامات ضدانقلابی مطالبات برقی کارگران بهره‌برداری می‌کند تا کارگران را به تخاصم با دولت کشاند و از قبل آن به اهداف ضدانقلابی اش جامه عمل بپوشاند. رویدادهای اخیر شرکت واحد تهران (منطقه ۴) عمدتاً در همین رابطه قابل بررسی است. اعتراض و تخصیص بکشاند تا این طریق، هم مانع از انتقال خود شود و هم کارگران را به درگیری بمنطقه ۴ شرکت واحد کارگران زمینه حقوق صنفی کارگران (مسئله قطع اضافه کاری، عدم پرداخت مساعدۀ‌های نیمه‌ماه، دیر پرداختن حقوق ماهانه...) و برعکس برخوردهای غیرمسئولانه مدیران در مقابله با همین خدمات اتوبوسانی استفاده می‌کنند، مختل سازد. در پس پرده دودی که از آتش چنین درگیری‌های بلند می‌شود، می‌توان به خوبی چهره کریه دولستان و متحдан امیریالیسم، روز سوم دی‌ماه در اثر تحریکات ضدانقلابی یکی از رانندگان شرکت (علی رازانی) دست به اعتراض زده و به این ترتیب به حد ۲۴ ساعت کار در منطقه ۴ اتوبوسانی تهران با ۲۰۰۰ پرسنل (از مجموع ۱۲۰۰۰ برسنل شرکت واحد تهران و در تحریک کارگران این علی‌رازانی که از چماق بدستان رستاخیزی رژیم شاه و همچنین دارای سوابق همکاری با شعبان جعفری مزدرو بوده است، در جریان پاکسازی شرکت واحد از کار خود شده و سپس به لیبرال‌ها "میزان" می‌کند مدیریت خط امامی شرکت واحد کارگران جدداً به محل کار از زندان آزادی می‌گردد. وی پس از آزادی از زندان کوتاهی با رژیم شاهی مدت زمان کوتاهی با عوام- فریبی و ظاهرسازی و در زیر اتوبوسانی دفع از منافع کارگران موفق می‌شود اعتبار کاذبی کسب کند. رازانی یا بهره‌گیری از اعتداد ناآگاهانه کارگران شرکت واحد (منطقه ۴) حتی به عنوان نماینده کارگران نیز خدماتی تعطیل شود و تورم و انتخاب می‌شود و از این

آخر به سود چه کسانی است " ضمن محکوم کردن سیاست لیبرال‌ها، خواستار همبستگی همه سیوهای ضد امپریالیست شده‌اند .

● گلوله‌باران و کشتار جنایتکارانه مردم اهواز هرگز و هرگز آزاده آهنین و مقاومت حماسی توده‌های انقلابی خوزستان را سست خواهد کرده عنوان تراکتی است که شاخه خوزستان منتشر کرده است :

● هواداران سازمان در قزوین با انتشار اعلامیه‌ای به بازداشت غیرقانونی چند تن از هواداران گروههای سیاسی توسط گروه مسلح "حافظ وحدت" اعتراض کرده‌اند . ضمناً این هواداران تراکتی که طرحی از مقاومت دلیرانه مردم زحمتکش قزوین در برآبر دژخیمان شاه است منتشر کرده‌اند .

● هواداران سازمان در بیجار با انتشار چند تراکت یاد شده‌ای آخر سازمان را گرامی داشته‌اند .

● "در شهرمان چه می‌گذرد" عنوان اعلامیه هواداران سازمان در هشترود است . در این اعلامیه ضمن افشاء عناصر ضدانقلابی که با اختتار و غارت مایحتاج مردم موجب کمبود ارزاق عمومی می‌شوند، اعلام داشته‌اند : با مشکل شدن در شوراهای محلی و با افشاء و طرد این عناصر ضدانقلابی از ارگان‌های حساس شهر به تداوم انقلاب یاری رسانیم .

● هواداران سازمان در میانه نیز با انتشار اعلامیه خواستار کمک به زحمتکشان مناطق جنگ‌دهشده‌اند .

● ساندزه‌های شماره شتریه راه زحمتکشان" شتریه هواداران سازمان در فزوین می‌شوند . سرمقاله این شماره "راز زحمتکشان" به افشاء لیبرال‌ها اختصاص دارد . دیگر مطالب "راه زحمتکشان" عبارتند از : "شهدای قزوین" ، به مشکلات کشاورزان در پوشزه‌ها رسیدگی کنید" و "انتخاب رئیس اداره کار فزوین به دست شوراهای کارگری" .

● در ضمن هواداران سازمان در استان‌های خراسان، لرستان، خوزستان، گیلان، مازندران و شهرستان قزوین اعلامیه‌ها و تراکت‌هایی به مناسب بزرگداشت شهدای ماه می‌ منتشر کرده‌اند

از میان اعلامیه‌ها و نشریات

هواداران سازمان

دستگیرشگان در آبادان وابستگی و ارتباط با پیشگام نداشتند

شاخه خوزستان سازمان با انتشار اعلامیه‌ای عنوان فوق در تاریخ ۸ دی ماه ضمن محکوم کردن خبر جعلی خارکردن سلاح از آبادان توسط دانشجویان پیشگام خواستار محاکمه این افراد شد .

در قسمتی از این اعلامیه آمده است : "در تاریخ ۱۵/۵/۵۹ از رادیو ایران خبری جعلی و کاملاً مخدوش مبنی بر دستگیری ۷ نفر زن و مرد هوادار سازمان دانشجویان پیشگام که بنا به ادعای این خبر جعلی قصد خارج کردن مقادیری سلاح از آبادان را داشته‌اند، پخش گردید . این خبر ترقه‌گذش و سراسر افترا دلیل پیشگام بودن دستگیر شدگان را پیدا شدن نواری از دانشجویان پیشگام نزد یکی از دستگیرشگان اعلام کرد .

طبق اخبار و اطلاعاتی که در دست است، دستگیرشگان وابسته به گروه امداد یکی از روحانیون معروف بوده‌اند که توسط هلی کوپتر نزد از آبادان خارج شده و کمترین ارتقا و وابستگی به پیشگام نداشتند . سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اکثریت) ضمن تذکر شدید و قاطعانه خبر جعلی مزبور اعتماد دارد چنانچه طبق ادعای این خبر هر نیروی شیعی با هر واپسگی سلاح از آبادان خارج کرده، مستوجب تعقیب و مجازات است و در عین حال تقطیع کنندگان و منتشرکنندگان اخبار ترقه‌گذش و جعلی علیه سیوهای ضد امپریالیست سیز مستوجب تعقیب و مجازات هستند ."

از جریانات اخیر چه درسی باید گرفت

عنوان اعلامیه هواداران سازمان در میاند و آب است . هواداران با انتشار یک اطلاعیه خواستار حل مسالمت‌آمیز و عادله‌های مسئله کردستان شده و ضمن محکوم کردن حملات اخیر حزب دمکرات، از کلیه هواداران خواسته‌اند با اهدای خون خود به محروم و کمک به آوارگان جنگ، به وظایف اقلایی خود عمل کنند .

● هواداران سازمان در زیجان با انتشار اعلامیه‌ای تحت عنوان "درگیری‌های چند روز

انجام دهیم .

● خلق ما و انقلاب ما در سالروز آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین یکار دیگر بر پیمان خود برای مبارزه تا به آخر با دشمن متنگر امپریالیستی - چهبویستی تاکید و وریده و عزم راسخ خود را برای حمایت از مبارزه خلق‌های منطقه و بخصوص انقلاب فلسطین اعلام می‌دارد .

● تلاش‌های امپریالیستی این اعلامیه را به این صورت ما پیش بردازد . تنها در این صورت مبارزه خلق‌های منطقه پوزه امپریالیست و چهبویستی و مردم ایران همواره در مبارزه علیه امپریالیست امریکا و چهبویستی این اعلامیه را بتوانیم

که از آن جمله می‌توان از طرح اتحاد لیبی و سوریه و نزدیکی این نیروها به آردوگاه سوسیالیسم نام برد .

● کفرانس کشورهای اسلامی علیرغم شرکت سران مرجع عرب در آن قرارداد کمپدیوید را محکوم ساخت و این گام مهمی در جهت بی اعتبار ساختن کمپدیوید بود .

● ۷- حمایت کامل نیروهای انقلاب جهانی؛ اردوگاه سوسیالیستی، احزاب کارگری و گمینیستی و سیوهای انقلابی جنبش آزاد بیخش از جنبش مقاومت فلسطین و موضع فاطم آنها در محکوم ساختن کمپدیوید نیز گام مهمی در جهت شکست این طرح امپریالیستی بود . تحت فشار این نیروها سازمان ملل متحد نیز این قرارداد را محکوم ساخت .

● ۸- و بالاخره تحولات اخیر منطقه که مهم ترین آن را می‌توان انقلاب ایران نامید نیز موجب تقویت جبهه نیروهای انقلاب و تضعیف نیروهای امپریالیست در منطقه گردید . محکوم ساختن کمپدیوید به وسیله ایران، قطع ارتباط ایران با مصر و اسرائیل و به رسمیت شناختن سازمان آزاد بیخش فلسطین از طرف جمهوری اسلامی از جمله عواملی بود که در شکست کمپدیوید تأثیر زیادی بر جایگزینی ترتیب مفاوضت همه‌جانبه خلق‌های منطقه و جهان تلاش‌های ضدانقلابی امپریالیست‌ها و مرتجلین را با ناکایی کامل روپرتو ساخته است .

● علیرغم ادعاهای امپریالیست‌ها، چهبویست‌ها و مرتجلین را باز کنند، دیگر اکون خلق‌های سراسر جهان به خوبی دریافت‌اند که تلاش‌های مذبحانه امپریالیست به هیچ‌رو گامی در جهت صلح سوده بلکه دقیقاً در جهت گسترش سیاست نظامی‌گری امپریالیست و سرکوب خلق‌های منطقه و گسترش مناطق نفوذ امپریالیست انجام می‌پذیرد چرا که درست در بحبوحه این مذکرات به اصطلاح "صلح" حمله نظامی اسرائیل به جنوب لبنان و سرکوب وحشیانه خلق فلسطین در مناطق اشغالی گشترش یافته و رژیم سادات سیز متفوق اجرای وظایف خود بعنوان جانشین رژیم شاه در منطقه می‌باشد که از جمله می‌توان به کدهای نظامی مصر به سوالی، تهدیدات مرزهای لیبی، کمک به رژیم صدام و فراریان رژیم شاه اشاره نمود .

● خلق قهرمان فلسطین که در تاریخ مبارزات سالیان اخیر خود با توطئه‌های گوناگون امپریالیست روپرتو سوده است این اینک در یکی از پیچیده‌ترین شرایط خود قرار دارد . اما این خلق و سازمان‌های رزمنده آن که با انتکا به استراتژی انتقامی و در اتحاد با نیروهای جهانی مبارزه عادلانه خود ادامه دارد و توطئه‌های امپریالیست و رژیم چهبویستی اسرائیل را یکی پس از دیگری درهم بشکند، این بار نیز تلاش‌های مذبحانه ارجاع جهانی را درهم می‌شکند و تومار توطئه‌های امپریالیست را در این منطقه درهم خواهد پیچید . رشد جنبش‌های اعتراضی در مصر در شرایط سحرانی این کشور نیز دیرزمانی به رژیم سادات برای توطئه‌گری فرصت نخواهد داد . همچنین سرنوشت سایر همقطاران شاه مزدور، سرنوشتی است که در انتظار تمامی مرتجلین جهان است .

● مردم ایران همواره در مبارزه علیه امپریالیست امریکا و چهبویستی این اعلامیه را خلق قهرمان فلسطین در

ماموران شهرداری
صدھا خانه ((خاک سفید)) را
ویران کردند

* چه کسانی و چرا اینگونه و حشیانه خانه‌ها را بر سر زحمتکشان خراب می‌کنند؟

ساعت ۴ صبح روز یکشنبه ۲۱ دی ماه شهرداری منطقه ۸ تهران پارس با دهها بولوار و زر و شنکش به همراهی چند کامیون سریار ارتشی و افرادی از کمیته‌های منطقه به قسمت شرق شهرک رحمتکش نشین خاک سفید حمله کرده و صدھا خانه تازه و سیمه‌ساز را خراب کردند. عدهای از رحمتکشان که به این عمل غیرانسانی معتبرض

زحمتکشان کچلو شهرداری
مطهه ۸ اجتماع کرده بودند
از شهردار می خواستند تا
هرچه زودتر خسارات وارد
بر آنها جیران گردد ولی
شهردار بجای پاسخگوئی به
آنها دستور مستن دربهای
شهرداری را داد.

شهرداری منطقه ۸ واقع در
میدان هف حوض تارمک
حرک کرد.
در میان راه از نان زحمتکش
سایه های گوچی که به بعل
داشتند، فریاد می زدند:
"خانه خراب کردن،"
کار ستمگان است
مردم رخدیده و خشنگین
با مشتهای گره کرده جواب
می دادند:
"دولت مستضعفان، خانه

خراب می‌کند" در گفتگویی که سایکی از این زحمتکشان داشتم، می‌گفت: "این اولین باری نیست که خاندهای خاک سفید مورد هجوم قرار می‌گیرد. همین چندماه پیش بود که عده‌ای حمله کردند و خانه‌های را که ما با خون دل ساخته بودیم بر سرمان خراب کردند و ۲ نفر از اهالی را که مقاومت می‌کردند به شهادت رساندند. با این حال ما امیدوار بودیم که با روی کار آمدن دولتی که خود را حامی مستضعفان می‌داند این اعمال غیرانسانی تکرار نشود. اما

کارشن اسلحه سرمی داشت و
علیه دشمنان میهین و انقلاب
نبرد می کرد و سرانجام در
تاریخ ۶ دی ماه ۵۹ بر اثر
اصابت ترکش گلوله های خصم
خمسمه بعد از سال ها مبارزه
پسگیر برای تحقق اهداف
والای زحمتکشان به شهادت
رسید و بدین سان طبقه کارگر
قهرمان ایران یکی دیگر از
بمترین فرزندان خود را به
بیشگاه خلق و انقلاب تقدیم
داشت. باشد که خون پاک
آن فرزندان خلق خامن
بیپروری و رهائی کارگران و
زحمتکشان میهمان گردد.
وصیت نامه رفیق که در
زیر می خوانید، گواه بارز
عشق و ایمان او به زحمتکشان
و کینه ژرفتن به امیرالیسم و
دشمنان خلق است.
یادش گرامی باد و راهش
پیروز باد

خود را از خطمنی و سیاست
نقلاًی سازمان شان داد.
بعد از تهاجم وحشیانه
مزدوران عراقی به میهمان،
رفیق باه رهسومد سازمان
برای شرکت در نبرد، نلاش
و بیسیعی را آغاز کرد و حتی به
انجمنی اسلامی محل مراجعت
کرد و از آنها تائیدیه
خواست ولی به " جرم "
هوادار بودن مانع اعزام او
شدند اما رفیق دلسرد نشد.
پاچشاری و کوشش رفیق برای
شرکت مستقیم در نبرد علیه
مزدوران صدام و امیر پالیسیم
موردن ستایش آهالی روستا و
کارگران کارخانه بود. او در
بی درخواست بسیح برای
اعزام رانندگان ماشین آلات
ستگین به جبهه، مشتاقانه
شیتنام کرد و فوراً به جبهه
اعزام شد. او با یانکه راننده
لوذر بود ولی به محض اتمام

رفیق اسحاق در سال ۱۳۲۲ در یک خانواده زحمتکش در روستای ریت علیا واقع در ۲۵ کیلومتری ساری بهمنیا آمد و از همان کودکی برای تامین معاش خانواده‌اش همراه پدر پیر و زنجر خود بزرگ قطعه زمینی که داشتند، کار می‌کرد. رفیق اسحاق بعد از کار شاوارزی کشید و در وزارت راه به عنوان کارگر ساده و از تیزمهاه سال ۵۴ در کارخانه چوب «نکا»، به عنوان راننده ماشین‌آلات سگن مشغول به کار شد و تا هنگام شهادتش در همین کارخانه به مبارزه علیه امیریالیسم و سرمایه‌داری مشغول بود.

سوسن بُو
حوجه زندگی رفیق هماند
تمامی زحمتکشان جنان بود
که از همان اوان کودکی با فقر
و فلاکت و سختی‌های زندگی
به خوشی آشنا و با قلبی مملو
از کیمی نسبت به رژیم
خونخوار پهلوی دربی یافتن
راهی برای رهایی خود و
تمامی کارگران و زحمتکشان
بود و از این‌رو در ارتباط با
روشفرکان انقلابی طبقه
کارگر با ایده‌های سوسیالیسم
علمی و دانش رهایی کارگران
و زحمتکشان آشنا شد و برای
تبلیغ آن صادقانه مکوشد.

خصلت‌های انقلابی و
خصوصیات اخلاقی رفیق
اسحاق، از او چهره بحبوی
ساخته که زیاند همه بود.
او همواره خود را در غم و
اندوه و شادی مردم شریک
می‌دید. اهالی روستا و
کارگران کارخانه او را به
عنوان هوادار سازمان ساخته
و به او احترام می‌گذاشتند و
رفیق سیز ساعت داشت که
رهنمودهای سازمان را دقیقاً
به کار بیند.
او در کارخانه نماینده
رانندگان چوب‌کش (تاف)
بود و در یک مورد حرکت
اعتراضی بخشی از کارگران را
برای اضافه دستمزد، بدون
کوچکترین انحرافی و بدون
اینکه لطمہ‌ای به دستاوردها
و حرکت عمومی انقلاب وارد
شد، سازماندهی و رهبری
کرده و به شر رساند و بدین
وسیله اعتقاد و درک عمیق

شاراحت نیاشند جونگه راهی
می‌روم که مردانی مثل
جزنی‌ها و عبا مفتاحی‌ها
رفتند و من هم از آن زاده
نتوانستم ولی برای سرگوibi
امپریالیسم جهانی بسراگردگی
امریکا می‌رورم تا دین خود را
برای حماسکشان ادا نمایم
این چند گله‌منی با پ و صیت
بنده بوده است در او اخیر از
هواداران می‌خواهم در نبود
من به خانواده‌ام سرگشی
نمایید . اسحق بابازاده

وصیت‌نامه : رفیق اسحق بابازاده :
درود بر حماسکشان ایران
در این نامه چند گله
باره زندگی خودم را
ین نامه در مدرج نمایم . در
فلاتکت‌بار ما جامعه
فقانی و گلگیری جز رنج و
فت چیزی دیگری نیست و
خخار می‌کنم که در زمین
پیکی مثل زیست زندگی
کوکدم . در آخر از رفیقان
هواداران زیست علیا
خواهیم که برای اینجانب

پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید

تشکیل گردید که اشاره‌فیت فیوه و بورژوازی بزرگ
السالودار را نمایندگی می‌کرد.
در همین سال حزب دمکرات مسیحی
السالودار نوسط گروهی از سیاستمداران و
سرمهاداران تشکیل گردید که بزویی به بزرگترین
حزب قانونی مخالف دولت تبدیل شد. این حزب
از پشتیبانی احزاب دمکرات مسیحی اروپائی
برخوردار است. رهبر این حزب، نایلئون دوارت
دارای گواشات اصلاح طلبانه است و در سمتگاه
حاکمه امریکا طرفدارانی دارد. دومنی حزب
قانونی در سال ۱۹۶۸ تحت نام "جنبش انقلابی
ملی اعلام موجودیت کرد. این حزب تنبیلات
ایوزسیون خرد بورژوازی اصلاح طلب را نمایندگی
می‌کند. علاوه بر این دو حزب "حزب نجد"
خواه "نیز در اواخر دهه ۱۹۵۰ تشکیل گردید که
توانست بخش‌هایی از طبقه کارگر و صاحبان مشاغل
از آزاد را بد خود جلب نماید. این حزب پس از
جنده غیرقانونی اعلام گردید و بقایای آن با
همکاری حزب کمونیست جریان جدیدی به نام
"اتحادیه دمکراتیک ملی" را برای مبارزه قانونی
تشکیل دادند.

در اوائل دهه ۱۹۷۰ سه حربیان فوق (حرب مذکورات مسیحی، جنش انقلابی ملی و اتحادیه دمکراتیک ملی) یا یکدیگر مسدح شده و یک ائتلاف وسیع تحت نام "اتحادیه اپوزیسیون ملی" تشکیل دادند. اتحادیه در انتخابات سال ۱۹۷۲ نایپلئون دورات را از حزب دمکرات مسیحی کاندیدای خود نمود و در حالی پیروزی وی قطعی بود، دولت نایاب انتخابات را بد نفع اسروره مولیسا کاندیدای حزب آستنی ملی "اعلام کرد. به دنبال این نیل آشکار موج سفر شدیدی در میان مردم رشد کرد و بختی از ارتش اقدام به کوتنا کرد. این اقدام نوسط دولت و با همکاری ارش نیکاراکوئه و گواتمالا درهم شکسته شد و به دنبال آن موج سرکوب علیه نیروهای مختلف آغار کردید. دوران حکومت مولیسا یکی از سیاهپرین دوران تاریخ السالوادور به شمار می رود. نمایشن دمکراسی با روی کارآمدن مولیسا پایان پذیرفت و دوره سیاست دیکتاتوری آغاز کردید.

دده ۱۹۷۰ در السالودور با رشد اختناق پلیسی از یکسو و ایجاد سازمان‌های مخفی مسلح از سوی دیگر مشخص می‌شود. این سازمان‌ها در دده ۲۵ رشد قابل سوجهی داشتند.

اولین سازمان مخفی مسلح در سال ۱۹۷۰ به نام

نیروهای ازادیبخت حلق - فارابوندو مارتی
(پسوند آن فارابوندو همارنی نام رهبر حزب کمونیست
در زمان قیام سومهای ۱۹۳۲ می باشد) به وجود آمد.

ین جریان تحت رهبری سال‌لادور کارپیو با انشعاب از حزب کمونیست السالوادور ایجاد شد. کارپیو اینک ۱۶ سال دارد و قدیمی‌ترین کادر حتشی کمونیست

سال دارد و مدینیتی ترین سدر جلسن سویسیتی
السالادور به شمار می رود. وی مدنها دبیر کل حزب
کمونیست بود و به دنبال مازره ایدئولوژیک
که دنبال از اتفاقات اخیر در ایالات متحده

کسردای از حزب هموئیست انتساب نمود. نیروهای زادبیش خلق از جهات بسیاری با جریانات چریکی امریکای لاتین بغاوت دارد. از جمله بوجه

وسيعی به ایجاد سازمان‌های سودمند داشداست. "نیروهای آزادیبخش خلق" در سال ۱۹۷۸ اعلام کرد که سرگرم تدوین اساسنامه و برنامه خویش برای

ریقاء به حرب بیشاپانک طبقه کارگر می باشد .
کمیسیون نظامی نیروهای آزاد بیباخش خلق " در
۱۹۷۸، شاخه نظامی خود از نام " اندیشه اسلامی " برآمد.

سال ۱۹۷۵ ساخته ای حود را به نام ارنس-
زاد بیخش خلق" از کارگران صنعتی، کارگران
مشاور زی و دهقانان شکیل داد. همچنین بک

شکیلات سینه‌نمایی بد نام «میلیشیا آزادیبخش خلق» از تمامی بخش‌های مردم — به صورت عیر حرفاء — زیر نظر فرماندهی عالی نظامی ایجاد

گردید. میلیشیا اینک به یک شکلات عظیم تبدیل شده است که هزاران نفر در آن عضویت دارند.

در رایبند با نیروهای ازدیادخس خلق در سال ۱۹۷۵ یک سازمان وسیع سودهای بینام "بلوک انقلابی خلق" ار اتحاد فدراسیون کارگران روسائی، اتحادید

لی معلمان، جنبش محصلین انقلابی دبیرستان‌ها، سیروهای داشتگویان انقلابی، اتحادیه راغه شنیان کمیندهای محلی سکریل گردید که به زودی سدیل و سبع برین سازمان نمودهای السالادور گردید.

انقلاب السالوادر در آستانہ پی روزی

و سایر کادرهای حزب نیز در سایر مناطق به
سازماندهی فیام پرداختند.
در سال ۱۹۳۱ در تنها انتخابات نسبتاً آزاد در
تاریخ السالوادور، حزب کمونیست توانست
موفقیت‌های چشمگیری در پارلمان و شوراهای شهری
به دست آورد اما دولت از شناسائی نهاینده‌گان حزب
خودداری کرد و همین امر موجب رشد نارضایی
در سراسر کشور گردید. اشرافیت السالوادور که از
روید و قایع به هراس افتداد بود، از طریق معاون
ئیس جمهور را بر یک کوادنی نظامی دولت را سرنگون
کرد و در قدرت را در دست گرفت.

در چنین شرایطی بود که حزب روز ۲۲ زانویه
را به عنوان روز قیام تعیین نمود. نشسته حزب آن
بود که قیام را بطور همزمان در شهرها و روستاهای
بادگان‌های نظامی سازمان دهد اما نقش‌قیام توسط
جاسوسان حکومت کشف شد و سه روز قبل از قیام
ماری و سایر رهبران حزب دستگیر شدند. به علت
درهم شکست شدند شبکه ارتباطی حزب نتوانست
قیام را به تعویق اندازد.

در روز ۲۴ زانویه ۱۹۷۲ دهقان و کارکنان کشاورزی به طرف شهرهای اطراف حرکت کردند و روپوشیان مسلح دفاتر دولتی و ایستگاههای پلیس و خانه‌های ترومندان را تصرف کردند و چند شهر بطور کامل اشغال شد. اما به علت دردهم شکست دیدن فیام در سربازخانه‌ها و دستگیری کادرهای هبری حزب ارتش بواسطه سورش مردم را درهم نکنید. سنهای در روز اول فیام چهارهزار نفر شهید شدند. در منطقه ایرانکو، از مناطق اصلی فیام بیش از ۱۴ هزار نفر کشته شدند. رقم کششندگان در سراسر کشور را حداقل ۳ هزار نفر محاسب زدندانه رخربیوسان در دسته‌های ۵۰ نفره و بطور دسته - جمعی به رکیار پسند شدند. رهبران دهقانان در بیدانهای شهر به دار آویخته شدند. بیش از ۵ هزار نفر از اعضای حزب کمونیست جزو کششندگان وودند.

به این بریب شورش درهم نکست و انقلاب نکست خورد. حزب کمونیست و سازمان‌های بوده‌ای اسسه به آن از هم پاشیده شدند و دوران حکوم نظامیان آغاز گردید. دورانی که نزدیک به نیم قرن بسطول انجامید.

در السالوادور چهارده خانواده بزرگ. برای بیش از یک قرن اهرم‌های اقتصادی و سیاسی جامعه را تحت کنترل خود دارند. اینک نیز نام این ۱۴ خانواده بر اکثر ترکت‌های نجاری صادرکننده قوه‌های کشوری هستند. بر کمیانه های بینه حمل و نقل، بر بانکها و موسسات مالی و ترکت‌های صنعتی شب شد هاست. در حالیکه ۴۱٪ خانواده‌های السالوادور فاقد حتی یک سانیمیر می‌باشد، یک درصد جمعیت کشور ۴۵٪ و در درصد جمعیت، ۶۰٪ کلیه زمین‌های قابل کشت از اختیار دارند.

دوران پس از چنگ جهانی دوم در السالوادور
ا رشد همچنانی سرمایه‌داری وابسته مشخص
ی شود. در دهه ۵۰ همزمان با سرمایه‌گذاری‌های
تاریخی (پخصوص امریکائی) روید آیجاد صنایع
بین‌المللی اغاز کردید که این پروسه در دهه ۱۹۶۰ با
تجادل بازار مشرک امریکای مرکزی نسیغ گردید.
همزمان با این دگرگونی‌های اقتصادی و در
طبقای با سیاست جدید امپریالیسم امریکا در زمان
ندی و در رابطه با انقلاب کوبا، در سطح سیاسی
بز تغییراتی به وقوع پیوست.

بر طبق گزارش خبرگزاری‌های جهان، حملات نیروهای انقلابی و مردم علیه شورای نظامی حاکم در سال‌الاودار وارد مرحله نوینی گردیده و نیروهای انقلابی نیز برونویت‌ساز خود را در سراسر کشور آغاز کردندان. نیروهای آزادپیش‌خواهی فرا-پوندوندارانی (قوی‌ترین جریان انقلابی سال‌الاودار) در اطلاع‌عیهدی‌های بیانی که در ایستگاه‌های رادیویی نحت اشتغال خود پخش می‌کند، مردم را به فیام مسلح‌خانه دعوت کردند. بنابراین گزارش‌های رسیده قسمی از شهر سان سال‌الاودار از جمله دو ایستگاه رادیویی به نصرف مردم و نیروهای چریکی درآمده و نیزه‌های شدید خیانتی در محلات فقیرنشین جریان دارد. بلاش نیروهای انقلابی برای نصرف پادگان "کارد" و فروگاههای ادامه دارد و جنگ شدیدی در مناطقی دیگر جایگزین است.

سدیدی در گذشتگان ماضی در جریان است. بجز شهر سانسالوادور در سایر شهرهای بزرگ السالوادور نیز جنگ به شدت ادامه دارد. از جمله پیخشانی های مهمی از شهرهای سانشیانا، سان سوتو^۱ و سه شهر دیگر به تصرف مردم درآمده است. تیره های انقلابی مسلح کوشش کردند که راههای ورود و خروج به پا نخست را نکنند. سربازان را به فرار از پادگان ها و سرپیچی از دستور فرماندهان تغییر می کنند. در شهر سانشیانا یک سرووار ارتشی با منفجر کردن انبار مهمات پادگان، با هفادت نفر از سربازان خود به نیروهای چریکی و مردم ملحق شدند. در همان حال اعتصاب عمومی در پایتخت و سایر شهرهای السالوادور در حال گشتن است و احتمال دارد که موج اعتصابات شورای نظامی حاکم را فلنج نماید.

السلطان ابراهيم، کشوری با ۴/۵ میلیون نفر جمعیت
نظیر سایر کشورهای امریکای مرکزی، سالها زیر سلطنه
اسعما رگران خارجی قرار داشته است. اسپانیائی ها
از سال ۱۹۲۴ با کشان هزاران نفر از سرخیوسان
بومی و سرکوب و حشیانه قیام های سرخیوسان، بر
کمک ایالت ایالت ایالت ایالت ایالت ایالت ایالت ایالت

این شکور حکومت کردند. مبارزات مردم السالوادور
سراخجام منجر به بیرون راندن اسپانیائی ها و استقلال
این کشور در سال ۱۸۲۱ گردید. پس از خروج
اسپانیائی ها از السالوادور، این کشور در حوزه نفوذ
اقتصادی و سیاسی انگلیس و ایالات متحده آمریکا قرار
گرفت. روسای جمهور این کشور از زمان اعلام رژیم
جمهوری در سال ۱۸۴۱ همواره متعلق به خانواده های
بزرگ و تروریست السالوادور (۱۴ فامیل) متعلق داشتند
و از تنافع اسعمالگران و صاحبان کشواره های فهود
و بوروزاری در حال رشد السالوادور دفاع کردند.

انقلاب کبیر سوسیالیسی شوروی در سال ۱۹۱۷
ناتیر مهیج بر مبارزات مردم السالوادور باقی گذاشت
در دهد ۱۹۲۰ سازمان‌های کمونیسیتی السالوادور که
یکن انسانسیونال سوم کمونیسیتی رابطه برقرار
کرده بودند، فعالیت خود را گسترش دادند. در سال
۱۹۳۰ رهیوان اتحادیده‌های کارگری و مخالف
مارکسیستی پس از سال‌ها مبارزه و سازماندهی مبارزات
کارگران، حزب کمونیست السالوادور را بیان کراری
کردند. از میان رهیوان اتحادیده‌های کارگری، یکی
ز برچسب‌های انقلابیون امریکای مرکزی به نام
گوئنین فارابوندومارسی به رهبری حزب انتخاب

تأسیس حزب کمونیست السالوادور که با بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری هم‌زمان گردیده بود، ناشی از مهیی بر میازرات مردم السالوادور تاکی گذشت. بحث نایبر بحران اقتصادی، میازرات کارگران و دهقانان رشد شدیدی می‌یافتد و حزب کمونیست در سازماندهی این میازرات نقش مهمی را بعدهد گفت.

در روز اول ماه مه ۱۹۳۵ یک نظاهرات بزرگ کارگری در شهر سان-سالوادور تحت رهبری حزب مونوپلیست برگزار گردید و بیش از هشتاد هزار نفر در ن شرکت نمودند. در سال‌ها بعد، دامنه جنبش نوادگای افزایش یافت. بخصوص پس از شکست روش ایالات متحده در نیکاراگوئه در سال ۱۹۳۱ و نیکاراگوئه ارش خلقی زنرال ساندینو، وحید نقلابی در سال-الاودار نیز به شدت رشد کرد. در جنین شراباطی بود که حزب کمونیست، مردم را برای قیام سلطانه‌آماده می‌نمود. ماری، رهبر حزب به خود سالها در کنار ساندینو در جنگ انقلابی نیکاراگوئه شرکت گردیدند، برای سازماندهی کارگران شاوارزی و دهقانان به منطقه غرب کشور اعزام گردید.

دستان مجاهد وظیفه شما جدا کدن صفت دوستان و دشمنان مردم است

قصت اول

اما از آنجا که اعتقاد ما بر این است که: "سرنوشت انقلاب، امروز بیش از هر زمان به تضمیمات درست نیروهای انقلابی گوه خورد ماست" (۱) و نیز: "کاری کنیم که فرستادهای برباد نزد" (۲) ترجیح می‌دهیم باز هم در پیشگاه مردم مبارزمان حنی بدن دریافت پاسخ مشخص نیان می‌چنان به گفتوگو بنشینیم. اما اجزاء دهید که قبل از دنکر دهیم: شما در مقابلتان به زعم خود و با عباراتی که خود نوشته‌اید، خواسته‌اید سخن مرا خلاصه و فرموله کنید. نهست اینکه به اعتقاد ما این "فرموله کردن" علیرغم آنکه حاوی پارهای حقایق است، عملًا نوعی مثله و ساده کردن سائل است و به ارتباط منطقی بحث لطمۀ جدی وارد می‌آورد. دوم اینکه ما آنچه را که می‌خواهیم همینجا مطرح کنیم قبلاً در همان نامه به صورت کامل بر و مجمل‌تر عنوان کردیم. اما همانطوری که خاطرشناس ساختیم، اعتقاد نداشتم "گفتوگو" و نیاز جنبش اینقلابی به این تداوم و نتایجی که از آنچه گرفته شود، ما را وامی دارد که مجدداً درباره هر آنچه که قبلاً حرفش را زدیم، دیگر بار لب به سخن بگشاییم.

مجاهدین خلق و برخورد آنان با توطئه‌های امپریالیسم

نوشته‌اید که "علیه" مجاهدین گفته شده: "برای افشاء توطئه‌های امپریالیسم امریکا عملی انجام نداده و باعث توهمندیها نیست به زمینه‌ها و خط وابستگی به امپریالیسم امریکا می‌گردد".

(نقل از مقاله "جهنم‌تحدارتچاع" برعلیه مجاهدین) پیش از هرچیز باید بگوییم تا آنچا که به ما مربوط می‌شود مرا هرگز و در هیچ‌جا نگفتمایم که مجاهدین برای افشاء توطئه‌های امپریالیسم امریکا عملی انجام نداده‌اند. بنابراین بر سر اینکه "انجام داده یا نداده‌اید، بحثی در بین نیست و از شما هم دستانه می‌خواهیم که در گفتوگو فیضابین سعی کنید تا از هرگونه مترحوف شدن بحث که نخستین ضرر آن سردرگم کردن هزاران هزار انقلابی و بمیزه هواداران شما و ماست، اجتناب کنید و داشته باشیم که همه این نیروهای بشیوه آنکه و حقیقت در پی پیدا کردن راه نامیں وحدت دشمن شکن نیروهای خلق دربرابر سوطنه‌های دام‌فروزان امپریالیسم هستند. به همین خاطر، هم از شما و هم از میان انتظار دارند که به منحی منطقی و سالم به "گفتوگو" بنشینیم. فراموش نکنیم که هرگاه هر کدام از ما این اعتقاد منتظر کمان را که گفتوگوهای ما باید به ارتقا آنکه ضد امپریالیستی مضمون و نحوه سیاست تبلیغی خود را عمدتاً از روزنامه "مجاهد" و اعلام‌ممهای شما فرامی‌گیرند، بیشتر این روزی را در راه حکومت‌گردن "خط امام" یا به زعم خودتان "رجایع" صرف می‌کنند و پرای افشاء توطئه‌های امپریالیسم و دسایس لیبرالها کمترین مایه را می‌گذارند.

پاید بگوییم که براساس مجموع اطلاعات از نقطه نظرات و مواضع شما که مبتنی است بر نشیبات، اعلامیه‌ها و استادان، ما جایی سراغ نداریم که شما امپریالیسم و قدرت حاکم را یکی گفته باشید. تا کنون نیز نشنبیده‌ایم که گفته‌ایش امپریالیسم را همان "قدرت" حاکمه کنونی می‌دانید. از همین رو از شما می‌رسیم که اگر همچنان بر سر این‌مسئلۀ کدام را خواب کرده‌ایم، بجای تحکیم وحدت، خلق را پراکنده ساخته‌ایم. پاید بگوییم که این هستند، اگر "قدرت" حاکمه را حداقل وابسته به امپریالیسم نمی‌دانند و اگر بطریق مواضع پیشین تان همچنان اعتقاد دارید که امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق‌های بیاخاسته و قهرمان می‌باشد. این است، چرا در عمل آنطور که باید از انزوی و خلاقت هزاران تن هوادار صادق خود در جهت افشا توطئه‌های امپریالیسم بهره نمی‌گیرید؟ چرا انسان که باید حیله‌ها و عوام‌فریبی‌های سیاستداران لیبرال را می‌خواهد که این اتفاق نمی‌افتد.

فه مخدوش کردن آن

راسنی دستان مجاهد! اگر قرار بر این باشد که طرح پاره‌ای حقایق از طرف دوستانمان باعث آن گردد که این چنین از کوره بمدر روم و نشان دهیم که از تحمل انقلابی بیشه کافی نداریم، کاری جز این کردیم که پیشایش، خود را از مواجهه با حقایق اجتناب از انحرافات و کزی‌ها پرخوردی اصولی و انقلابی داشت - محروم سازیم؟ اوایخود این بدنهای خطری بزرگ برای رشد و تعالی یک سازمان ترقیخواه نیست؟

نیروهای انقلابی می‌باشند ایران از شما انتظاری جز این داشته و دارند. آنها تشنۀ این هستند که پاسخ مستدل و حجت کافی برای ردا یا پذیرش که قدائیان خلق (اکثریت) با دوستان خود در میان گذاشته‌اند، از سوی شما دریافت کنند و البته می‌پذیرید که این انتظار، انتظاری کاملاً طبیعی است.

و به همین دلیل است که علیرغم آنکه هنوز پاسخ سوالات طرح شده در قل داده شده است، از شما انتظار داریم به آنها، هم در بیان و هم در عمل پاسخ صریح و روشن دهید.

دوستان مجاهد!

چرا بچای برخورد شخص با آنچه از طرف ما شما در میان گذاشته شده به گلی گوئی و نیز یک کاسه گردان ما با دیگر نیروها دست زداید؟ و اصولاً بر فرض اینکه انتقادات ما از شما شیوه‌ای از مشترکات زیادی با انتقادات برخی از نیروها داشته باشد، آیا این شما را مجاز می‌دارد که جند نیرو را که خودتان هم بصورت سپاریو شدید و گذگم‌جذب‌های این اعتراف شدماید؟ هر کدام متنقل به جریان‌ها و مخالف پخصوصی بوده" یکی بگیرید و روشن نکنید که این کار به چه منظور صورت گرفته است؟ آیا فکر نمی‌کنید که امکان دارد شما را سمه کنند به سوء استفاده از ذهنیت برخی از نیروهای جنبش و به

چگونه می‌توانید انکار کنید که همه آن گسانی که موضع و نحوه سیاست تبلیغی خود را عمدتاً از روزنامه "مجاهد" و اعلام‌ممهای شما فرامی‌گیرند، بیشتر این روزی را در راه حکومت‌گردن "خط امام" یا به زعم خودتان "رجایع" صرف می‌کنند و پرای افشاء توطئه‌های امپریالیسم و دسایس لیبرالها کمترین مایه را می‌گذارند.

ویژه هزاران هوادار صادق خودتان که از نقطه نظرات موضع و عملکرد های هر کدام از نیروهای "جهنم‌تحدارتچاع" از زیبایی و برداشت شخص و خاص خود را دارند - بهاراً قصد دارید برای رک در گردان آنچه که شما عنوان کردایم، چه شیوه برخوردی را پیش بگیرید؟ به پیش نشست و پریزی برگردان آنچه که گفتمایم و می‌گوییم تا صحت و سقم آنها برای شما و برای همه آن نیروهایی که دلشان به خاطر ایران مستقل و آزاد می‌طبی، علوم گردد یا اینکه در قالب اتهامات از سوی یک دوست به دوست دیگر است، اتهامات از سوی یک دوست به دوست دیگر است، های و هو به بوده است. و دلیل این "تبری" خواهی را در این جمله کلی و میهمان چنین بیان داشته‌اید: "(هر کدام از آنان) واجد عملکرد ها و سوابق روشن و پخصوص (است) که خود بر ملا کنندی گذشته از این قصد و هدف ما را اینکنون ارزیابی کردید".

دوستان مجاهد! واقعیت این است که شما هنوز به آنچه که می‌گفتمایم و عنوان کردایم، یا یکی گفته و نوشته‌ایم، می‌گفتمی و عنوان کردایم، یا یکی گفته و نوشته‌ایم، می‌گفتمی و عنوان آخرين از خودتان که روانشناسته" را تبریز از طریق حمله به میهمانان اینکه ما در "تبری از مجاهدین" و "تبریز" بر شرمندی این دشمن داده‌اید که "حتی مایل سیاسی" اجتماعی را نیز اغلب خصلت‌گرایانه بررسی می‌کنید.

دوستان مجاهد! در نامهای که روز ۱ دی ۱۳۵۹ در برابر شما نوشتم، انکره خود را از مبارزت به این کار صراحتاً بیان داشته و گفتیم: "صمیمانه امیدوار باشیم که این گفتوها بتواند در تصحیح سیاست‌ها و روش‌های بیان بهترین نقش را بر عهده بگیرد، باشد که شیوه‌ای در پیش گیریم که نشان دهیم شایستگی آن را داریم که در راه وهائی خلق‌های محروم و ستمدیده‌های از چنگال باشیم".

و اضافه کردیم: "باشد که سخن ما در این نامه آغاز دیگری باشد در راستای اتحاد و همبستگی همه نیروهای مبارز و انتقامی می‌باشند ایران. باشد که توشن این نامه

* نیروهای انقلابی می‌باشند، تشنۀ این هستند که پاسخ مستدل و حجت کافی برای رد یا پذیرش آنچه را که قدائیان خلق (اکثریت) با دوستان خود در میان گذاشته‌اند، از سوی شما دریافت کنند و البته می‌پذیرید که این انتظار، انتظاری کاملاً طبیعی است.

برای شما بتواند گسترش رشته پیوندهای را نوید بخشندگان ما و شما و بین شما و بین نیروهای ضد امپریالیست براساس یک رشته اهداف مشترک در این مرحله از انقلاب لزوماً باید پذید آید و قوام گیرد.

ما با چنان نیتی برای شما نامه نوشتم و با چنین هدفی شما را مورد خطاب قرار دادیم. اما دوستان! متناسبه باشد که مقاله تحت عنوان "جهنم متحد از نیروهای انتقامی خلق" در میان گذاشته شده است؟ آینه می‌گذرد که هیچ‌وجه آغاز خوبی برای این گفتوها نمی‌تواند باشد.

برآشتن از انتقادات و هشدارهای دوستانه، طوریکه باعث آن گردد که کلمات موهم "بی شمارانه"، "وقیحانه" و "با کمال پیشریخت" را آن‌هم بدون هیچ نامل و احساس مستولیت اقلایی نسبت به سازمانی به کار ببریم که خون سرخ صدها شهید آن در شط عظیم پیکار رهایی بخش خلق جاری است، همان شطی خون جوشان شهید حیف‌ترزدها و محسن‌ها و صدها تن از مجاهدین شهید دیگر در آن جریان دارد، قطعاً نمی‌تواند زینده می‌باشد و از این این گویا" دعوی می‌باشد خوبی شهید حیف‌ترزدها و محسن‌ها و محسنی که این کلامات موهم" بی شمارانه" باشد. متمم گردن ما به اینکه کاری که می‌گذارند باید بگویند "با کمال پیشریخت" و با چنین نیتی همیشه جوشان باشد. متمم گردن ما به اینکه یکی از مجاهدین شهید دیگر در آن جریان دارد، این اینکه می‌گذارند باید بگویند "با کمال پیشریخت" اینکه می‌گذارند باید بگویند "با کمال پیشریخت" و با چنین نیتی همیشه جوشان باشد. متمم گردن ما به اینکه یکی از این افرادی های هیروزه‌ذدایان خلق (اکثریت) در صحنه نبرد با امپریالیسم و رژیم مت加وز صدام به می‌باشد ایران است.

شما بدون اندک توجه به آنچه که گفته‌ایم و بدون بگوئیم، چونکه تبریز را هم بدون هیچ سخن گفتنی ما با شما، بخاطر اینکه در می‌گذارند باید بگویند "تبری" خواهی را در این جمله کلی و میهمان چنین بیان داشته‌اید: "آفرینی‌های هیروزه‌ذدایان خلق (اکثریت) در صحنه نبرد با امپریالیسم و رژیم مت加وز صدام به می‌باشد ایران است.

ذرا نه دقت در اینکه آنچه که گفته‌ایم و می‌گوئیم، چونکه تبریز را هم بدون هیچ سخن گفتنی ما با شما، بخاطر اینکه در می‌گذارند باید بگویند "تبری" خواهی را در این جمله کلی و میهمان چنین بیان داشته‌اید: "(هر کدام از آنان) واجد عملکرد ها و سوابق روشن و پخصوص (است) که خود بر ملا کنندی گذشته از این قصد و هدف ما را اینکنون ارزیابی کردید".

"دعیان کذائی، هیچ قصدی جز تقریب به آستان قدرت از طریق حمله به مجاهدین ندارند.!"

و سرانجام "حقارت‌ها و حسادت‌های روانشناسته" را تبریز از طریق حمله به میهمانان اینکه ما در "تبری از مجاهدین" و "تبریز" بر شرمندی این دشمن داده‌اید که "حتی مایل سیاسی" اجتماعی را نیز اغلب خصلت‌گرایانه بررسی می‌کنید.

دستان مجاهد وظیفه شما جدا کردن
صف دستان و دشمنان مردم است . . .

۲۴ از صفحه

علاوه بر این مگر شما بر این اعتقاد هسید که امپریالیسم یک نیروی صرف خارجی است که باید "با" بدینه بگذارد تا ما حسابش را کف دستش بگذاریم؟ مگر امپریالیسم می‌تواند بدون پایگاه داخلی خود معنی و مفهوم پیدا کند؟ آیا فکر می‌کنید که آن کسانی که مدعاً هستند "امریکا" با مرحله ندارد دوستان امپریالیسم نیستند؟! بگویید لیبرال‌ها برای اعاده کدام وضع می‌کوشند و در وضعی که آنها طالب بشتند چیزی که یا گذاشتند یا امیریالیسم کجاست؟ شما مانکن بشکاری برای اتفاقات لیبرال‌ها برای افساش قطب زاده‌ها و میراساطام‌ها کردیده‌اید؟ آیا می‌توانید بد صرف اینکه در آینده شاهکار خواهید کرد. امروز از زیر بار همدم کاری که هم اینکه باید انجام دهید و درست نیز انجام دهید، شاید خالی نمائید؟

نه، دوسنای! در شرایطی که امیریالیس امریکا
دهیها نوع سوژه‌های علیه اقبال مادرارک می‌بیند و آن
را برای خود گذاشت، کافی نیست که خود را به این
قاعنای کنیم که "شماره مرک بر امریکا" مانند
نکرداریم. لازم است که همانرا تمام پایه‌های منی
سیاسی خود را بر ختنی کردن سیاست بفرقدانکننده
امیریالیس فرار دهیم و از "بی کفایی" یک نیروی
دشمن امیریالیس بد این سیچه دستمندانه دک، یعنی
نهانها گذاسن آن دربرابر امیریالیس امریکا ترسیم.
مجزو مبارزه ضد امیریالیسی در ایران پیش از هر
چیزی با بدمول درآوردن این باور مغفهون پیدا می‌کند
که امیریالیس فرد دارد محدودیت داخلی خود،

لیبرال‌ها و دیگر سازشکاران را که سخیر قادر سیاسی را هدف ملاو است خود قرار داده‌اند. همک و سقویت بنماید. درک این نکته همان چیزی است که از سما انتظار می‌رود. شما تنر باید هدف مقدم خود را بر این فوار دهید که هدف نخسین امبریالیسم را حنثی سارید.

شما برای سان دادن اسکد در مبارزه ضدد میریالیسمی جد کارهای اساسی انجام داده‌اید.

دادرور سددیده دد : بهره‌ساز که حصار ... آنچه را که مجاھدین
علی‌دامیراییسم امریکا بدارک‌دیده داند و آمادگی و
ادرارک و بیرونی عظیمی را که برعلیه این دشمن
اصلی خلو مهیا و مستکل کرداده با آن جه
محصول کار سیامی این جهده است، مقابله‌نمایند.
ز امر "مقاسه" که ناید بروت خود بودهای ضد

هرگاه ادراک "سیروی عظیم" ای را که از آن سخن می‌گویند، نگذرید مگر آن درجه وسعت‌گیرد که قادر به شناخت استوارتی مپریالیسم کرد، هرگاهاین "ادراک" بد شناخت جامع از دوستان و دشمنان اتفاق بمالی نیاید هرگاه این "ادراک" شناوراند خطراستار تاثیک لبیرالها را درگیر کند، چگونه‌ی توأم چمین نیرویی را آمداد مقابله با دشمن اصلی خلق بد حساب آورد!

میریالیست صورت بکریم سهای واپسی و سهای میریالیست مطلب بیدارانه
حسنند می‌گذریم سا به اصل مطلب بیدارانه
”دارگ“ دیدن، ”آماده‌گردی“ و ”مهیا و مشکل“
نمودی یک ”نمره عظیم“ برعلیه دشمن اصلی
خلق در نفس خود چیزی اس است که نیروی خواهد
میریالیستی را در سهای درجه خوشحال خواهد
ساخت و ملاشک چنین اقدام بزرگی از سوی یک نیروی
صدامیریالیست با اقبال و سعی هر نیروی خواهد
میریالیست آگاد روبرو خواهد شد. اماهور گاد ادرارک

چنین نیروی عظیمی را نگذاریم با آن در حد و سعت کنید که قادر به تنابخت اسرازتری امپریالیسم و در راس همه ساکنیکهای روزمره آی کردد، هرگاه این "ارداک" بد شناخت جامع از دوسان و دستان انقلاب نائل نیاید و هرگاه این "ارداک" نشواند "خطو اسرائیلیک" لیبرالها و سازمان‌کاران را باز ن منتسبد چگوند می‌توان چنین نیروی را آماده مقابله با دشمن اصلی خلق به حساب آورد و رترکس هرگاه "نیروی عظیم" که ار آن سخن می‌کوشد مبارزه جاری ضد امپریالیستی را چنان درک گند که صدر امپریالیست بودن "خط امام" را علیرغم غیب مبارزه آن با امپریالیسم پهلوی اعانتی آن به دکمکاییزده کردند روابط اجتماعی و سیاسی و تابعی این درستی محیی درست دوسان انقلاب و انحصار طولی ساسی و غیره، زیر سؤال کشد و سام نیروهای خود را برای کوبیدن این "اریجاع" بسیج کند، آنگاه کاملاً طبیعی خواهد بود که این "نیروی عظیم" دربرابر امواج بقیه در صفحه ۴۶

* آیا واقعاً شما اعتقاد دارید که هم اینگ
امپریالیسم در میهن ما "پا" نکدشتاست؟ آیا
حضور دهها هزار سرباز رژیم صدام یا هزاران
هزار مسلح اوسی-پالیزان، اترفت بختار و
لجهای شکد حاسوسان امپریالیسم نشاند حضور
امپریالیسم در میهن ما بیست؟

حود سحکم مددو ایست و رسید برای مویر بودن
طندنیا اس تراوان است . امدادگاه فراوازی را در
سر کار آوردن دوسان حود کد تحسین سرتان سافت
گردن خط امام است . در سه می بزرگترین و
صامتبرین حرمان هنان این دوسان در سایه
سی امور ایران . حرمانی حر لسرال های سه
صلح و حبیبالله سه طبقی است که
رسربالی امریکا بد جازوب وسیع حود و دیک
رسربالیها در ساقط کردن دهیما حکومت ملی و
صد امریبالیست در گشتهای آسا . افریقا و امریکای
لاس ایکا . کرد و سی کند کد در بسیرد حرک
حود روی همد سرونهای کد بد حقوق ای ایجا در
حالتسا جمهوری اسلامی ایران دیسق هستند حساب کد
بعضی ها را با حود مخد کند برخی از شروها را
یعنی طرف سکیدارد و یارادی را سر در راد منافع بیلد
خود بد بازی کرد . مرجد آن سروها در نسب حود
اک ساده و حود را "تسدیرس سروق صدد
رسربالیست" مین به حساب آورد .
حال سما بد ما سکونید کد اک امیربالیسم امریکا
آنده این سیاست حود را در ایران بسیرد ،

حواله ساریچه را حد حواختم داد : ابا ساریچ ما را بد این خاطر که در حسنهای لحظات روید مبارزه خدمت امپراتوری مودم ویران شان بجای سوچ مستولاند بد صورت های انفلات که دایم کرد : براسی اکر روزی امپراتوری امریکا و دس نساندگانس باز در این میهن کدارد ، چد کسی و حد نیتروزی در برای آنان حواهد ایساد و کفایت آن خامداد است .

ل را خواهد داشت. (حسب محمد ارجاع "برعلمه مجاہدین")
خواهد سود یا اینکه بر عکس در یک فناور
بیرجهانه سحبیرین مجازات را برای ما مائل خواهد
شد که جرا یا تعویق بد محال، یک نیروی ضد
امیریالیست را ولواینکه "کفایت" لازم را نداشت
سیها کذاسید و اجازه دادید که امیریالیست
جهانخوار سار دیگر سلطه نشون خود را بر میلیونها
نوده محروم و سندیده حملی کند؟
آیا واقعاً شما اعتفاد دارید که آنها اینکه امیریالیست
در میهن ما "با" نکذاشه اس- آیا حضور دهها هزار
سرباز رژیم صدام، یا هزاران مسدود مسلح اوسی -
بایزیان، اشرف و بخیار و دهها شکده جاسوسان
امیریالیست ننانه حضور امیریالیست در میهن مَا
بیست؟

را که دریس هزار چهره پنهان شدند. افتخاری
نهنی سازید؟ راسی منصفانه قضاوت کیم چه میزان
از اعلامیدها، بیانیدها و صفات نشیوان را بد
این مهم اختصار دادهاید؟ آبا این یک حققت
آشکار نیست که بخش عظیم ایرانی نیروهایان را
مصروف برخورد و متعارض با "اریجاع" می‌کند؟
چگوند می‌توانید انکار کنید که همه آن کسانی که
مضمون و نحوه سیاست سلیمانی خود را عمده‌تر از
روزگار "ماده ماجاهد" و اعلامیدهای شما فریاد کنید
بیسیرین اتزق را در راد محکوم کرد خط امام
یا بد زعم خودیان "اریجاع" صرف می‌کنند و سایر
افشای سوطندهای امریکالیسم و دساس نیروهای
مورد حمایت آن و در راس آن لیبرالجا که جاده را
برای ورود امیریکالیسم چاف می‌کنند، کمریں ماید
را می‌کدارید هر چند که بینت نهائی صمیماند و صادفاید
کثیرت آنها مبارزه با امریکالیم، این دسنور اصلی
مردم محروم ما باید و ند سر کار اوردن لیبرالها و
سازشکاران، جایزی که ما حی کمریں شک هم دربار داش
بد ذهن خود خطور می‌دهیم.

دوسان مجاهد!

معار اصولی در اریاپی در حد اصال سا انحراف یک نبروی خدا امیرالبیس، در عجل، اس نیست که سیسم حد کسی بیسر از هدف غلبه اسیرالبیس امریکا متعار سی دهد و با ترک سر امریکا را درسته می بودند، بدین معار اصولی و راسین ای اس که سیسم در هر مقطع سخت آن نبروی خدا امیرالبیس با حد اداره در سریدن گردید سروچان خدا امیرالبیس به همکار و تختم سر اند صفو خدا امیرالبیس حلی از گشتو حد اداره در اقیانوسی معرضی امیرالبیس و دوستان رکارک داخلی آن و درسراط امروز میین ما در افسای لیتلرلاند و سارکاران برای بودهای مسلوبی

مودم از گز دنر موچ و سرمه است.
میاره اسما امیرالیسم امری محترم بست ملک
مساوارد اس مسحی و اغایی که هم اسک در میپیش
ما حربیان دارد و براسی همان کوید که خود اسارد
کرد داد

انقلاب ایران و مساوارد صدام پسرالله سی ک
و اغایی اب آن هم واعظی سرمح که سا
دعایوی یی ماد و بوحالی سیوان سا آن رویو
کردید.

سازیان اکر برآتند که کشیده باشد، سارو داوارد فادعید
باید بیدربود که "دعوت مبارزه خدامیراللی" **"بک کالا"** بیس که اینال قطب زاده ها آن را در
دست یکرید ساروار حود را مسند و سله شوری سر
کنید و کالا سجل حود، یعنی واشکن **"بد**
امیراللیسم جهای را سحب عساوون "آردی" بد
حورد مردم بدهند. در این صورت یا کفید بیدارت
که ما محارب سیسم که دفاع از "آردی" قطب زاده ها
را یک سازه خدامیراللی بد حساب آوریم.

د. سوار. محمد

دعاوی حجت بیرون خدایمپرالیسمی در تعیین مسی
سیاسی و اخراج آنکه در مبارزه با امیریالیسم
نمی‌تواند مسی و ساکیکهای دشمن را نابوده نگارد
و بد همراهی و سوان دوسان بالقوه و بال فعل خود
حی ناییکربرین آشنا، در مبارزه با دشمن منسر ک
بی وجود سعادت، صحبت ما هم با نما این نیسبت کد
امریکا را دشمن نمی‌دانید بلکه درست بر سران است
که جرا این دشمن را در عمل بد حال خود رها کردنداید
و جرا بد اسراریزی دشمن وجود کافی نمی‌کند و
اوریپا درستی در این نیروهای انقلاب بدارید؟ جرا در
عمل فراموش می‌کنید که امیریالیسم در محاسبات خود
برای سر کار اوردن لیبرال‌ها، امکان دارد که از
سیاست نادرست نیروهای انقلاب نیز استفاده نماید؟
واقعیت این است که امروز امیریالیسم امریکا در
استراتژی ضدانقلابی خود برای نابودی همه نیروها و

دوستان مجاهد! بقیه از صفحه ۲۵

۸ سال از شهادت امیلکار کاربال

شرایط بر ضد شروهای استعمارگر پرتوال نگنیده ایم بلکه در این حقیقت است که در حالیکه می چنگیدیم به ایجاد تمام جنبه های یک زندگی نوین سیاسی، اداری، اقتصادی و فرهنگی در مناطق آزاده شده پرداختیم مطمئناً هنوز روزهای سختی در پیش است و زندگی ما مستلزم کوشش فراوان و قربانی های بی شمار در مواجهه با جنگ جنایتکارانه استعماری است اما این زندگی نوین سرشار از زیبایی هاست چرا که عبارت است از گار بولیدی و موثر، آزادی و دمکراسی که در آن خلق ما عظمت خویش را دوباره به دست آورده است.

کاربال زنده نماند تا گیمهای وافع آزاد و مستقل را که برای ساختن آن سیار ملاس نموده بود، بینند اما یک سال پس از شهادت رحمتکشان گیمهای استعمارگران پرتوالی را از سرزمین خود ببرون کردند و پرجم سرخ آزادی در گینه به اهتزاز درآمد... گینه افیقا کاربال را فراموش نخواهد کرد.

پاسداران باید به سلاح سنگین مسلح شوند!

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

هشدار ناریخی شما پس از فردای قیام زمانی ارزش ناریخی خود را حفظ خواهد کرد اما هشدار در راستای عیشت جاری نداوم باید. بر عکس اکثر تکامل این هشدار حفاظت بازگانها از شما و دفاع شما از خواهان باشد که با "جبهه بایداری" دشمنی می بروزد.

اگر کامل این هشدار نه دفاع از آزادی قطب زاده ها بیانجامد، در این صورت راهی باقی نمی ماند جز اینکه نسبت به هشدار بجا و موقع شما تردید شود زیرا چنین تکاملی باعث شده است که مردم آگاه و اقلایی گفان برند شما در هشدار خود جای نیروی شما را که عامل سازش بود با نیروی که ماهیانه مانع سازش بوده باشد، هرجند که در آن مقطع دچار نوش هم که چنین گفان هایی خطاب باشد، اگر چه حق خودان اینها هم در نوجیه این انفعال ادعای کردند که این جنگ را جمهوری اسلامی آغاز کرده و این جنگ ماهیتنا جنگ بین دو حکومت "ضد خلق" است که هیچ کدام آنها "مطلوب و مورد پسند" امیریالیسم امریکا نیستند.

حال از شما می پرسیم اگر این "نیروی عظیم" که

صحبتش را می کنند، متوجه خطر استراتژیک لیبرالها نگردد، آیا این اختلال را نمی دهید که اگر بد یکباره و به طریقی لیبرالها بتوانند مواضع قدرت را اشغال کنند، همین نیرو دچار چه وضع اسپاری خواهد شد؟

البته از این نکته که این "نیروی عظیم" در درست

رسیدن لیبرالها چه نقشی دارد، در جای دیگر

صحبت دردهایم و باز هم صحبت خواهیم کرد ولذا در

اینجا تنها این را می خواهیم پاسخ دهیم که آیا همان

گونه که در نامه مان خاطرنشان کردہایم برای گیجسری

نام مجاهد به شهادت اهرم نیرومندی خود را نشیند و حدت صدر

امیریالیستی خلیق های بیهمنان را سبب زدنی می سازد؟

ایا در شرایطی که مردم دهها سال محنت کشیده ط

باشند زمینه را برای اسقرار نظام دلخواه

اور می کوشند زمینه را برای هموار کنند، عمل این نیست کمیسپاپیش،

این "نیروی عظیم" را دربرابر خطر لیبرالها و

بازگانها و قطب زاده ها و امثال آنها موقوف شوند

قدرت سیاسی را قیضه کنند، در این صورت هزاران

هوادران صادق شما چه وضعی پیدا خواهند کرد؟ تنها

می توان بر علم بی بار بروید و به معجزه اعتقاد داشت

تا پذیرفت که این "نیروی عظیم" را که اکثریت

عناصر مشکله آن از انسان های صادق و مبارز تشکیل

شده و مصمیانه بر اساس یک حقد معین گرد آمده و

بسیج شدماند، می توان خلق الساعه علیه نیروی

حرکت درآورد که تا آن لحظه از امکان شناخت

دقیق آن و آگاهی به حد و مزه های خود با آن محروم

بوده است.

دوستان مجاهد! بقیه از صفحه ۲۵

شگدها و یا ناکنیکهای به ظاهر غیر مترقبه امیریالیسم و متخدان آن منغفل باقی بماند و در بدترین حالت با گیسختگی رو برو شود. شما بقیه از اطلاع دارید که بیش از آغاز نهاج رژیم جنایتکار صدام به ایران، بودند جریانات و گروههای که سازمان ما را متهم می کردند که به نوطنهای امیریالیسم شاخ و برگ می دهیم، نا سیاست اتحاد خود را با نیروهای خلط امام "در برابر امیریالیسم" سرکرد که امیریالیسم امریکا توجیه" کنیم. اما هنگامی که این بیش بینی ها بد اینکه باری پیوست، دیدیم که همان جریانات چگونه ابتدا به دست و یا افتد و تناقض کوئی کردند و سپس عمدتاً به انفعال دچار شدند و البته برخی از آنها هم در نوجیه این انفعال ادعای کردند که این جنگ را جمهوری اسلامی آغاز کرده و این جنگ ماهیتنا جنگ بین دو حکومت "ضد خلق" است که هیچ کدام آنها "مطلوب و مورد پسند" امیریالیسم امریکا نیستند.

حال از شما می پرسیم اگر این "نیروی عظیم" که صحبتش را می کنند، متوجه خطر استراتژیک لیبرالها نگردد، آیا این اختلال را نمی دهید که اگر بد یکباره و به طریقی لیبرالها بتوانند مواضع قدرت را اشغال کنند، همین نیرو دچار چه وضع اسپاری خواهد شد؟ البته از این نکته که این "نیروی عظیم" در درست رسیدن لیبرالها چه نقشی دارد، در جای دیگر صحبت دردهایم و باز هم صحبت خواهیم کرد ولذا در اینجا تنها این را می خواهیم پاسخ دهیم که آیا همان سیاست های کنونی شما در دریابه لیبرالها تی و بازگانها و قطب زاده ها و امثال آنها موقوف شوند قدرت سیاسی را قیضه کنند، در این صورت هزاران هزار چهره نیروهای مورد حمایت امیریالیسم امریکا را که لیبرالها را برای سرخ آن قرار دارند، اینکوت شیاست های که در پیش گرفماید، باعث آن نخواهد شد که نیروهای ضد امیریالیست سبیت بد یکدیگر این انداره بدبین و در شریجه از هم دیگر دور شوند؟ آر! انتظار ما این است که شما مبارزه ضم امیریالیسم و افسا و افسا بوطشهای امیریالیسم و بالتمام و آشگونه که بیان اتفاق است، پیش برد و هزار چهره نیروهای مورد حمایت امیریالیسم امریکا را که لیبرالها را برای سرخ آن قرار دارند، اینکوت افکنید و البته این انتظار فقط قشم داشت ما از شما نیست. این انتظار همه نیروهای میهن پرسی است که قلبشان برای ایرانی سبق و آزاد می طبی. این انتظار انقلاب و این ندای انقلاب است که از حلقهم ما برمی خیرد و از سوی ما اعلام می شود.

ادامه دارد

انقلاب السالواور! بقیه از صفحه ۲۴

قدرت سیچ بلوک انقلابی خلق تنها در شهر سان

سالواور دهها هزار نفر می باشد.

"نیروهای آزاد بیخش خلق" و سازمان های وابسته به آن در حال حاضر به قوی ترین جریان سیاسی السالواور تبدیل شده و در تمامی حوالات السالواور بخصوص از سال ۱۹۷۸ به بعد نقص قاطعی بر عهده داشته است.

علاوه بر "نیروهای آزاد بیخش خلق" در سال ۱۹۷۵ بربخی از کادرهای جوان احزاب سنتی نظری

حزب دمکرات مسیحی دست به شکل یک سازمان

محفوی سلح زدند که "ارتش انقلابی خلق" نام

گرفت. عالیات های این سازمان بیشتر خصلت نظامی

داشته و به کار سیاسی توجه لازم را نمی نمود. در سال ۱۹۷۵ اختلافات داخلی "ارتش انقلابی خلق" بر

روی مسئله لزوم کار سیاسی منجر به انشاع در درون

این سازمان گردید. جریان انسانی یک سازمان

سیاسی به نام "مقاآمت ملی" را پایه داری کردند که

شاخه نظامی آن "نیروهای مسلح مقاومت ملی" نامیده

می شود. در رابطه با "مقاآمت ملی" در سال ۱۹۷۵

یک سازمان توده ای به نام "جبهه برای عملیات

خلقی متعدد" تشکیل گردید که توانست در

سازماندهی مبارزات زحمتکشان شهری قدم های

موثر ببردارد.

با رشد جنبش توده ای، ارتش انقلابی خلق نیز به

لروم توجه بیش از پیش به مبارزات توده های بی برد و

در سال ۱۹۷۷ یک سازمان توده ای به نام "اتحاد

انقلاب" ایجاد شد.

آری، دوستان! بیانید تا "فرصت ها از دست نرفته"، تا دیر نشده بر عمق "ادرارک" این "نیروی عظیم" بیفزاییم و نوان راستین عظیم آن را در خدمت افسه همde دوستان و متخدان داخلی امیریالیسم قرار دهیم زیرا تنها در جنین صورتی است که نام "مجاهدان خلق" همچنان در خشندگی خود را حفظ خواهد کرد.

شما در جای دیگری از نوشته ایان بدحق مدعا

شده اید که:

از فردای قیام، این مجاهدین بودند که برعلیه

روند سازش و فراموش هشدار داشدند.

مانیز بر سر این مسئله با شما همنظر هستیم اگرچه

مجاهدین در این کار تنها بسلسله پاره ای دیگر

از نیروهای ضد امیریالیست و بمویزه سازمان

ما در این امر پیشگام بودند و نه بر اساس آنچه

که واقعی و عیوبی بوده و نه بر اساس ایده اآل های

ترفیخواهه خودتان یا ما، چیزی را که باید روش

کنید این نکته است که آیا در طول نزدیکی سه سالی که از فردای قیام می گذرد، روند مبارزه ضد

امیریالیستی در جموع تعیق یافته باشد؟ و اگر

با سخنان مثبت است معلوم کنید چگونه است که از

آن زمان که بخش قابل توجه از لیبرالها - این

عاملان اصلی به سازش کشندگان انقلاب - افسا

معروف گردیدند و حتی عده ای از آنها از

حساس ترین مواضع قدرت برگزار شدند و همچنان

هم می شوند، علیه این سازشکاران موضوع منغل

گرفته اند و مرجه که از انقلاب گذشته است بر انفعال

خود افزویه داده و بالاخره امروز حتی عمل با آناب

به هدلی و هکاری کشیده شدندند؟

تدوین و اجرای یک قانون کار و تأمین اجتماعی مترقی با مشارکت شوراها، سند یکاه و کانون های کارگری ضرورت مبرم انقلاب است

باقی از صفحه ۲۴

خاطره ۶۰ پاسدار شهید جبهه های جنوب همیشه زندگ است

مردم اهواز در سوگ این شهدا ، در سوگ مطلع و انقلابی ایران به مواضع تجاوزگران عراقی در جنوب به شهادت رسیدند عزای عمومی اعلام کردند . یقیناً مردم ما اندوه شهادت رزم آوران چوپکهای جنگ را به نیروی عظیم برای پیکار با دشمنان خلق تبدیل خواهند کرد . یاد این شهدا و تعامی شهدای راه رهائی خلق جاودانه باد . رسیدند . دوشتبه ۲۲ دی

تصحیح و توضیح در مردم شهید پروری قبریها : در کار ۸۱ در قسمت ستون زندگی نامه شهدا فدای شهید پروری قبریها ، به اشتباہ جزو شهدا فدای معرفی شده است . در شمارههای بعدی کار نیز نام این شهید که از مسلمانان انقلابی بوده همچنان جزو لیست شهدا فدایی ذکر شده است . اینکه ضمن پوزش از خانواده شهید و اینکه تعامی شهدا خلق از هر عقیده و مسلک برای سازمان ما و برای همه مردم آگاه و مبارز میهن ما گرامی و ارجمندند ، این اشتباہ را تصحیح میکنیم .

چرا روزنامه جمهوری ..

ما این اقدامات را محکوم میکنیم و خواهان آن هستیم که روزنامه جمهوری اسلامی علت ادامه این سیاستهای تبلیغاتی مخرب را که قطعاً تاکنون باید زیان های آن بر برخی از مقامات مسئول جمهوری اسلامی روشن شده باشد ، به مردم توضیح دهد .

بدون آنکه مشخص کند مقصود اقلیت است ، نه سازمان چوپکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) ، علاوه بر امر مخدوش ساختن مواضع سازمان ما که بدون تردید به سود لیبرالها و به زیان انقلاب تمام می شود ، کمک کرد .

و سیده انقلاب رهایی بخش و سوسیالیستی در کشورهای بازهم بیشتری دمیده می شود ، و شور انقلاب سراسر جهان را در می نوردد . تلاش های مذبوحانه امیریالیسم نیز گسترش یافته است ، به جمع اوری نیروهای در حال مرگ خویش پرداخته و همچون غریقی سعی دارد خود را با دست و پا زدن بجات دهد .

بدون تردید در شرایط توائی شکوهمند اردوی واحد انقلاب جهانی ، با واحد تحکم بیش از پیش نیروهای اقلیات ایران ، ارسال جنگ افزایان گوناگون برای رژیم ضایاء الحق ، سلطان نشین عمان و شیخنشیه های خلیج فارس چند نمونه قابل ذکر از روزنامه میلیتاریزه شدن اردوی ضادانقلاب جهانی و اردوی ضادانقلاب جهانی و تحدها از روند میلیتاریزه شدن تجاوزات ایرانی میشوند .

در شرایطی که شیبور مرگ و اتحاد رزمende و تقدیم خویش هر تجاوزی را قاطعانه معاصر به غرض در آمده است پاسخ خواهیم داد .

۰۰۰ علیه انقلاب متحد امپریالیسم امویکارژیم های ارتقای منطقه را

تهاجم دلاورانه نیروهای سلاح و اتفاقی ایران به سایه جانشانها ، فداییها و ایثاری دریغ هزاران رزمende جان بر کف پیروزی های چشمگیری برای انقلاب ایران به ارمغان آورد . در این تهاجم رزم جویانه که به نایابی و اسارت صدها تن از مزدوران عراقی انجامید ، دهها تن از رزم و زبان ایرانی به شهادت رسیدند . دوشتبه ۲۲ دی

اجتماعی هر روز امپریالیسم و رژیم های واپسی به آن را بیشتر در گرداد مرگ فرو می برد . هم اینکه روز بیکاری در آمریکا به رفعی معادل ۱۵٪ رسیده است . تعداد بیکاران کشورهای سرمایه داری از مرز ۲۳ میلیون تجاوز کرده است . نرح تورم بیداد می کند و هر روز بالا می گیرد در جنگ اوضاع و احوالی است که امپریالیست های جهان سرکردگی امپریالیسم امریکا برای مقابله با اردوگاه سوسیالیسم که بیش از هزار میلیون انسان را متحمل نظر انتقاد می کند و هر روز بالا می گیرد کیسینجر به صراحت اعلام داشته است که با حمله نظامی به منظور آزادی جاسوسان آمریکایی مخالفت نخواهد داشت و تازه این همه جدا از برناهای اینکه از هزار میلیون آمریکا به کمک رژیم های ارتقای منطقه برای ایجاد آشوب های مسلحه در داخل میهن ما طراحی کرده است . طبق این برنامه متحдан داخلی امپریالیسم و نیروهای مورد حمایت آن سازمان می باشد و آماده می شوند که در صورت از زوم بخش های از میهن را با خطر تجزیه روبرو سازند .

پیش از این که توانست یکی از سرسپرده ترین رژیم های منطقه ای و بالاخره بازگشت به دوران "جنگسرد" قرار داده است .

امپریالیسم به خاطر سازمان چوپکهای اردوی و سایر افراد از این میهن را افزایش می دهد .

ایران که توانست یکی از این اقلیات نیکاراگوئه

کیسینجر با رهبران این می پیوندد . روابط کشورهای تازه استقلال یافته و دولت های ضد امپریالیست ترقیخواه با گنوارهای سوسیالیستی جهان که گردان مقدم مبارزه علیه امپریالیسم است ، اردوی جهانی انقلاب را بیش از پیویزه علیه این اتفاقات ، تمام این تلاش های مذبوحانه برای اتحاد رژیم های ارتقای منطقه علیه جنبش های رهایی بخش و پیویزه علیه انقلاب ایران صورت می گیرد . امپریالیسم آمریکا می کوشد این رژیم ها را در اتحادیه

برای از میان برداشتین "موانعی" که در راه مذاکرات مصر و اسرائیل وجود دارد ، تلاش می کند و همچنین متذکر شد که اکنون وقت آن رسیده که اردن نیز به مذاکرات کمپ دیوید پیویند .

کیسینجر همچنین در ملاقاتی با "زیاد باره" رئیس جمهور سومالی ، افزایش کمک های نظامی آمریکا به جدید نظامی گردآورده تا جای خالی رژیم شاه را که نقش زانداری آمریکا در منطقه را داشت ، پر کند . آمریکا اعلام کرده است که به همیچنده افتادن منافق خود در منطقه را تحمل نخواهد کرد و از هم اینکه خواهد کرد . کیسینجر در ادامه مسافت شهیدی همچنین با بگین و قابوس سلطان عمان نیز مذاکراتی به عمل آورد .

از سوی دیگر در هفته گذشته لرد کارنگتون وزیر خارجه انگلستان نیز راهی مصر و مغرب شد . وی در ملاقاتی با سران این کشورها حمایت امپریالیسم انگلستان از رژیم های ملک حسن و سادات را اعلام کرد . هلموت اشمت صدراعظم آلمان نیز در همین زمان برای "مذاکراتی" وارد مغرب شد و به دنبال او کیسینجر نیز راهی مغرب گردید تا با مقامات این کشور گفتگو کند .

ملاقات ادوارد هیث نخست وزیر اسبق انگلستان با رهبران متوجه عربستان سعدی و سافرت وزیر کشور مراکش به انگلستان نیز از جمله رویدادهای هفته گذشت .

ملاقات هایی با "ضیاء الحق" می دریست . دیگناتور پاکستان قابل توجه است . ضیاء الحق در چند روز گذشته پس از گفتگوهایی با مقامات آمریکایی ، انگلیسی ، آلمانی و چینی به ترکیه و کویت سفر کرد و با مقامات این کشورها به مذاکره پرداخت .

ضیاء الحق در عین حال از عربستان ، بحرین ، امارات هر زمان در معرض تلاشی قرار داده است . این دیدارها بدنبال مذاکراتی که

می‌مانیم و در خون پیکار می‌کنیم

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال همین و در راه آرمان پر افتخار غله بزرگ سا، هر زیرانهای نیزی را در راه انقلابه شان می‌گذشتند. در همای از پیشانی تا این حسارت می‌دانند. اگر ایران مستکل، آباد و دستگردانی فردای پیشنهاد حسکتان بران نباشد.

لهم آفیان خلق و لئی قیام شید سیگرهای پیکار را تجاوز کن!

کاظمی بدید	ابیربدی	غلام عباس بخرد
عبدالله مرادی	ابیر فخر	عنایت الله رئیسی
علی حاتم راده	اعیان آشنا	محمد رضا آذربایان
ابوح جین نیا	علی معاف	سهیل صغان زاده
عمرقه دارایی	جوابک مجتبی	حبيب الله فرجیخت
اطیف علیراده	ابروز یوسفی	ابراهیم شترنجی
ایزویز کربلایان	میریم رئیسی	عبدالحسین شاه سهر
اصحاق بالایاده	دیمیر غطفی	محمود اشرف آزادی
زهه بوسویون	سعید کوشن	فریدون مرتضی زاده
بهرام وادیسی	محمدقاسم فتاح بکی	محمد نیک سیرو
شیراز یاریوارده	حسود احمد	محمد مهدی بیات اندام
خسرو گربی	محمد اسدالله نژادروده	کورش یاک بین
حسن سرتیغی	محمد حسین صدرآبادی	رحمت‌الله مرادی
عبدالله مرادی	رحمت‌الله (پسر) اسفندیاریور	غلامرضا صفرنژاد
محمد بزاده	بیرونی	بیرونی

بیرونی پاد آرمان انقلابی رفای شید

دوستی با کوبای انقلابی ضرورت پیشرفت انقلاب است

کردند. سفیر کوبا اعلام داشت:

"کوبا هم اکنون آمده است تجارتی را که پس از انقلاب خود به دست آورده در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دهد." پیشنهاد در صفحه ۱۵

روز شانزدهم دی ماه ۵۹ سفیر جمهوری سوسیالیستی کوبا با وزیر کشاورزی و عمران رستaurانی و رئیس بانک مرکزی دیدار و گفتگو کرد. در این گفتگوها طرفین بار دیگر بر لزوم همکاری متقابل بین دو کشور ایران و کوبا تأکید

یاد تختی گرامی باد

۱۷ دیماه ۱۳۵۹

از شهادت چهان پیلان تخفی داشت: عضو از میان سردم رزمتشکر برگشته و معاوره به مردم و به جهشان و قادر باند. او سبست به دشمنان درد اشتباهی بود. بیانه تخفی سایرین شاه از ام جهیزه نداشتگاری مردمی و پسر ساخت. پادشاه کوایی باد

چوا روزنامه جمهوری اسلامی همچنان

موضع انقلابی و روشن هارا دگرگون جلوه می دهد؟

شنبه اول دادگاه انقلاب حرفی نداریم. اما بار دیگر به روزنامه جمهوری اسلامی شendar می‌دهیم این شوه برخورد که متوجه مخدوش هدفانی را به اتهاماتی که در جلوه دادن موضع انقلابی و روش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) است، قطعاً به زیان انقلاب و تنها درجه‌های تراشیدن حیثیت و اعتبار برای همان گروههای سیر می‌گند.

بعلاوه در ارتباط با تلاش گروههای مثل پیکار، راه کارکر و اقلیت منشعب از سازمان ما، که با همکاری لیبرال‌ها مرامی برای روز ۲۳ دی اعلام داشته و از جانب روزنامه ما این مرامی تحریم شده‌اند. از آنجا که موضع روزنامه رفیق رزز حبس دیگر که این دو تن به قصد ملاقات با زر ز حبس از ایران خارج شده‌اند. از آنجا که موضع روزنامه جمهوری اسلامی با وجود علم و اطلاع بر موضع سازمان ما با چاپ نامه و محکوم شده‌بود، نیز روزنامه جمهوری اسلامی با کل چهه خلق برای آزادی فلسطین همواره حمایت از انقلاب ایران و حمایت از جمهوری اسلامی در پی‌پیاره بقیه در صفحه ۲۷

خطاطه ۶۰ پاسدار شهید جبهه های جنوب همیشه زندگ است

در صفحه ۲۷

تظاهرات روزه شنبه ۲۳ دیماه را تحریم کنیم

★ اجازه ندهیم خون شهدای دانشگاه و مبارزات قهرمانانه دانشگاهیان و شیوه اهداف ضد انقلابی لیبرال‌ها گردد.

۲۳ دی ایجاد آور مبارزات شکوهمند دانشگاهیان علیه رژیم شاه و اریابان امیریالیست آن است. مبارزه خستگی ناپذیر دانشجویان، استادان و کارکنان دانشگاه علیه تعظیل دانشگاه که با حمایت تندۀ‌های وسیع مردم همراه بود، سرانجام رژیم پهلوی را به عقب‌نشینی و داشت و درهای دانشگاه گشوده شد.

در سالگرد ۲۳ دی‌ماه همچنان بر ضرورت بازگشایی دانشگاه‌ها تاکید می‌کنیم و تعطیل این پاکرا را از جانب جمهوری اسلامی ایران خلاف مصالح انقلاب و خلاف خواست مردم ایران بویژه دانشگاهیان می‌دانیم.

هم‌میهنان آگاه، دانشگاهیان مبارز!

به قرار اطلاع برشی گروهها که از جانب محافل لیبرال حمایت می‌شوند، در صددند در روز ۲۳ دی با شعار بازگشایی دانشگاه‌ها زمینه درگیری و نشنج را که خواست دشمنان انقلاب ایران است، فراهم سازند. ما ضمن محکوم کردن این اقدامات از مردم و از دانشگاهیان مصراً می‌خواهیم با تحریم این حرکات اجازه ندهند خون شهدای دانشگاه و مبارزات قهرمانانه دانشگاهیان و شیوه اهداف ضد انقلابی لیبرال‌ها گردد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۲ دیماه ۱۳۵۹

پیش بس وی تسلیم حزب طبقه کارگر